

فصل دوم

الصلاة (نماز)

در شبانه روز، بر هر فرد عاقل و بالغ پنج نماز فرض است.

اوقات نمازهای پنجگانه‌ی واجب پنج تا هستند: ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح:

از انس بن مالک روایت است: (فرضت علی النبی r الصلوات لیلہ أسری به خمسین، ثم نقصت حتی جعلت خمسا ثم نودی یا محمد إنه لا یبدل القول لدی وإن لک بهذه الخمس، خمسین)^[189] «در شب اسراء پنجاه نماز بر پیامبر r فرض شد، سپس از آن کم شد تا به پنج نماز رسید آنگاه ندا آمد که ای محمد دیگر گفته من تغییر داه نمی‌شود و با این پنج نماز برای تو اجر پنجاه نماز هست».

از طلحه بن عبیدالله روایت است یک نفر اعرابی (بادیه‌نشین) با موی سر ژولیده نزد پیامبر r آمد و گفت ای پیامبر خدا، به من بگو خداوند چه نمازهایی را بر من فرض کرده است. پیامبر r فرمود: (الصلوات الخمس إلا أن تطوع شیئا)^[190] «نمازهای پنجگانه بر تو واجب است و جز آن می‌توانی نفل بخوانی».

جایگاه نماز در دین:

از عبدالله بن عمر (رض) روایت است که پیامبر r فرمود: (بنی الإسلام علی خمس شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، و حج البيت و صوم رمضان)^[191] «اسلام بر پنج پایه بنا شده است؛ شهادتین (گواهی دادن به اینکه معبود برحقى جز الله نیست و محمد r فرستاده اوست)، اقامه نماز، دادن زکات، حج خانه خدا، و روزه ماه رمضان».

حکم تارک الصلاة:

مسلمانان اجماع دارند بر اینکه اگر کسی فرضیت نماز را انکار کند، کافر شده و از دایره اسلام خارج می‌شود. اما درباره کسی که با وجود اعتقاد به وجوب نماز، آن را ترک کند، اختلاف نظر دارند و سبب اختلاف هم احادیثی است که از پیامبر r ثابت شده و در آنها تارک الصلاة کافر نامیده شده بدون اینکه بین کسی که نماز را از روی انکار ترک کرده و کسی که از روی سهل‌انگاری (نماز را) ترک کرده، تفاوت قائل شده باشد.

از جابر t روایت است که پیامبر r فرمود: (إن بين الرجل وبين الشرك و الكفر ترك الصلاة) [192] «حد فاصل میان انسان و شرک و کفر ترک نماز است».

از بریده روایت است از پیامبر r شنیدم که می فرمود: (العهد الذي بيننا و بينهم الصلاة فمن تركها فقد كفر) [193] «مشخصه‌ی بین ما و آنها (کفار و مشرکین) نماز است، هر کس آنرا ترک کند کافر می شود».

قول راجح این است که منظور از کفر، کفرا صغری است که انسان را از دایره اسلام خارج نمی کند و این ترجیح به دلیل جمع بین این احادیث و احادیث زیر داده شده است:

از عباده بن صامت t روایت است: از پیامبر r شنیدم که فرمود: (خمس صلوات کتبهن الله على العباد، من أتى بهن لم يضيع منهن شيئا استخفافا بحقهن كان له عند الله عهد أن يدخله الجنة، و من لم يأت بهن فليس له عند الله عهد، إن شاء عذبه و إن شاء غفرله) [194]. «پنج نماز است که خداوند بر بندگان خود واجب کرده است، هر کس آنها را بجای بیاورد و با سبک شمردن چیزی از آنها را ضایع نکند، خداوند عهد کرده است که او را وارد بهشت کند و هر کس از ادای آنها سرباز زند، خداوند هیچ تعهدی نسبت به او ندارد؛ اگر خواست او را عذاب می دهد و اگر خواست او را می بخشد».

همانطور که می بینیم پیامبر r در این حدیث فرجام اشخاص تارک الصلاة را به مشیت الهی واگذار کرده است و از این نکته می فهمیم که حکم ترک نماز پایین تر از حکم کفر و شرک است:

به دلیل فرموده خداوند متعال:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ)

(نساء: 48)

«بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را (در صورت توبه نکردن) نمی بخشد و گناهان کمتر از آن را برای هر کسی که بخواهد می بخشد».

از ابوهریره t روایت است: از پیامبر خدا r شنیدم که می فرمود: (إن أول ما يحاسب به العبد المسلم يوم القيامة الصلاة المكتوبة، فإن أتمها و إلا قيل النظر و هل له من تطوع، فإن كان له تطوع أملت الفريضة من تطوعه، ثم يفعل بسائر الأعمال المفروضة مثل ذلك) [195] «اولین چیزی که بنده‌ی مسلمان در روز قیامت از آن محاسبه می شود، نماز فرض است؛ اگر آن را به طور کامل انجام داده که خوب، در غیر این صورت گفته می شود: نگاه کنید آیا نماز مستحبی دارد؛ اگر نماز مستحبی داشته باشد نماز فرضش از آن کامل می گردد. سپس با سایر اعمال واجب او نیز چنین عمل می شود».

از حذیفه بن یمان روایت است که پیامبر r فرمود:

(یدرس الإسلام كما يدرس و شى الثوب حتى لا يدرى ما صيام و لاصلاة و لانسك و لاصدقة و ليسرى على كتاب الله عزوجل فى ليلة فلا يبقى فى الأرض منه آية و تبقى طوائف من الناس شيخ الكبير و العجوز يقولون : أدركنا آباءنا على هذه الكلمة : لا إله إلا الله، فنحن نقولها. فقال له صله : ما تغنى عنهم لا إله إلا الله، و هم لا يدرن ما صلاة و لا صيام و لا نسك و لاصدقة؟ فاعرض عنه حذيفة، ثم ردها عليه ثلاثا، كل ذلك يعرض عنه حذيفة ثم أقبل عليه فى الثالثة فقال : يا صلة تنجيهم من النار ثلاثا) [196] «اسلام از بين مى رود همچنانكه نقش و نگار جامه و لباس فرسوده مى شود تا جایی كه مردم نمى دانند روزه، نماز، حج، و صدقه چیست. و كتاب خداوند عزوجل در يك شب از میان بر گرفته مى شود تا جایی كه بر روى زمین يك آیه هم از آن باقى نمى ماند. گروههایی از پیرمرد و پیرزن باقى مى مانند و مى گویند از پدرانمان كلمه‌ی : (لا إله إلا الله) را شنیدیم، و ما هم آن را مى گوئیم»، صله به او (حذیفه) گفت : لا اله الا الله چه نفعی به آنها مى رساند در حالی كه نمى دانند نماز و روزه و قربانی و صدقه چیست؟ حذیفه از او روى گردان شد، سپس (صله) سؤال را سه بار برای حذیفه تکرار کرد، هر بار حذیفه از او روى گردان شد، تا اینکه بار سوم به او (صله) کرد و سه بار گفت : ای صله! (لا إله إلا الله) آنها را از آتش نجات مى دهد».

فهرست

نماز بر چه کسی واجب است؟

نماز بر هر مسلمان بالغ و عاقلی واجب است:

از علی t روایت است كه پیامبر r فرمود : (رفع القلم عن ثلاثة : عن النائم حتى يستقيظ و عن الصبي حتى يحتلم، و عن المجنون حتى يعقل) [197] «تکلیف از سه گروه برداشته شده است، از شخص خوابیده تا بیدار شود، از بچه تا وقتی كه احتلام (بالغ) شود و از دیوانه تا زمانیکه عاقل شود».

بر سرپرست بچه (*) واجب است تا او را به نماز امر کند هر چند كه نماز بر او واجب نیست، تا به ادای آن عادت کند :

از عمر بن شعیب از پدرش از جدش روایت است كه پیامبر r فرمود : (مروا أولادكم بالصلاة و هم أبناء سبع سنين، واضربوهم عليها و هم أبناء عشرين، و فرقوا بينهم فى المضاجع) [198] «در هفت سالگی فرزندان را به خواندن نماز امر کنید و در ده سالگی (به خاطر نافرمانی در ترك نماز) آنها را بزنید و بستر خوابشان را از هم جدا کنید».

اوقات نماز:

از جابر بن عبدالله روایت است : (أن النبی r جاءه جبریل علیه السلام فقال له : قم فصله، فصلی الظهر حين زالت الشمس، ثم جاءه العصر فقال : قم فصله، فصلی العصر

حين صار ظل كل شيء مثله، ثم جاءه المغرب فقال : قم فصله، فصلى المغرب حين وجبت الشمس، ثم جاءه العشاء فقال قم فصله، فصلى العشاء حين غاب الشفق، ثم جاءه الفجر فقال قم فصله، فصلى الفجر حين برق الفجر، أو قال سطح الفجر.

ثم جاءه من الغد للظهر فقال، قم فصله، فصلى الظهر حين صار ظل كل شيء مثله، ثم جاءه العصر فقال : قم فصله، فصلى العصر حين صار ظل كل شيء مثليه، ثم جاءه المغرب و قتا واحدا لم يزل عنه، ثم جاءه العشاء حين ذهب نصف الليل، أو قال : ثلث الليل فصلى العشاء ثم جاءه حين أسفر جدا فقال : قم فصله، فصلى الفجر، ثم قال : ما بين هذين الوقتين، وقت^[199] » جبرئيل عليه السلام نزد پیامبر آمد و به او گفت : بلند شو و نماز بخوان، پیامبر نماز ظهر را وقتی که خورشید - از وسط آسمان - زوال کرده بود خواند. سپس هنگام عصر نزد او آمد و به او گفت : بلند شو و نماز بخوان، پیامبر نماز عصر را هنگامی خواند، که سایه هر چیز به اندازه خودش شده بود سپس وقت مغرب نزد او آمد و به او گفت : بلند شو نماز بخوان پیامبر نماز بود، خواند، سپس موقع عشاء نزد او آمد و به او گفت : بلند شو نماز بخوان پیامبر نماز عشاء را وقتی خواند که شفق - سرخی بعد از غروب آفتاب - پنهان شده بود. سپس هنگام صبح نزد او آمد و به او گفت نماز بخوان، پیامبر نماز صبح را هنگامی که فجر نمایان شد، خواند.

سپس روز بعد هنگام ظهر نزد او آمد و گفت بلند شو و نماز بخوان، پیامبر نماز ظهر را هنگامی که سایه هر چیز به اندازه خودش شده بود، خواند، سپس وقت عصر نزد او آمد و گفت بلند شو و نماز بخوان، پیامبر نماز عصر را هنگامی که سایه هر چیز دو برابر خودش شده بود، خواند سپس هنگام مغرب در همان وقت دیروز آمد (و به او گفت نماز بخوان) سپس وقت عشاء هنگامی که نیمی از شب یا یک سوم آن گذشته بود نزد او آمد و نماز عشاء را در همان وقت خواند سپس وقتی که بامداد بسیار روشن نزد او آمد و گفت بلند شو و نماز بخوان، پیامبر نماز صبح را ادا کرد و گفت : وقت هر نماز بین این دو وقت است».

ترمذی گوید : محمد (بن اسماعیل بخاری) گفت : صحیحترین حدیث درباره اوقات نماز حدیث جابر است :

1- ظهر : وقت آن از زوال خورشید (از وسط آسمان) تا وقتی است که سایه هر چیز به اندازه خودش شود.

2- عصر : وقت آن از زمانی است که سایه هر چیز به اندازه خودش شود، و تا غروب آفتاب ادامه دارد.

3- مغرب : وقت آن از غروب خورشید تا پنهان شدن شفق (سرخی خورشیدن پس از غروب آفتاب) است :

چون پیامبر r فرموده‌اند : (وقت صلاة المغرب مالم یغیب الشفق)^[200] «وقت نماز مغرب تا قبل از پنهان شدن شفق است».

4- عشاء : وقت آن از پنهان شدن شفق تا نصف شب است، به دلیل فرموده پیامبر r (وقت صلاة العشاء إلى نصف الليل الأوسط)^[201] «وقت نماز عشاء تا نیمه میانی شب است».

5- صبح : وقت آن از طلوع فجر تا طلوع خورشوی است به دلیل فرموده پیامبر r : (وقت صلاة الصبح من طلوع الفجر مالم تطلع الشمس)^[202] «وقت نماز صبح از طلوع فجر تا طلوع خورشید است».

فهرست

(صلاة الوسطی) چه نمازی است؟

خداوند متعال می‌فرماید :

(حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ تُوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ)

(بقره : 238)

«بر خواندن نمازها و (بویژه) نماز وسطی (عصر کوشا باشید و) محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا به پا خیزید».

از علی t روایت است که پیامبر r در روز جنگ احزاب فرمود :

(شغلونا عن الصلاة الوسطی صلاة العصر، ملاً الله بیوتهم و قبورهم نارا)^[203] «ما را از نماز وسطی، یعنی نماز عصر باز داشتند، خداوند خانه‌ها و قبرهاشان را پر از آتش کند».

مستحب بودن ادای نماز ظهر در اول وقت هنگامی که گرما شدید نباشد :

از جابرن سمره روایت است : (كان النبی r یصلی الظهر إذا دحضت الشمس)^[204] «پیامبر r نماز ظهر را هنگامی که خورشید در حال زوال بود می‌خواند».

مستحب بودن تأخیر نماز ظهر در گرمای شدید تا وقت خنک شدن هوا :

از ابوهریره t روایت است که پیامبر r فرمود :

(إذا أشدت الحر فأبردوا بالصلاة، فإن شدة الحر من فيح جهنم)^[205] «هنگام شدت گرما نماز را تا وقت خنک شدن هوا به تأخیر بیاندازید؛ چون شدت گرما از حرارت جهنم است».

مستحب بودن ادای نماز عصر در اول وقت :

از انس t روایت است : (أن رسول الله r كان يصلي العصر و الشمس مرتفعة حية، فيذهب الذهاب إلى العوالي فيأتي العوالي والشمس مرتفعة)^[206] «پیامبر r نماز عصر را زمانی می‌خواند که خورشید بلند و پرنور بود طوریکه اگر یکی از ما می‌خواست به منطقه عوالی (محلّی در فاصله حدود چهار مایلی مدینه) برود، به آنجا می‌رسید در حالی که هنوز خورشید بلند بود».

گناه کسی که نماز عصر را از دست بدهد :

از ابن عمر (رض) روایت است که پیامبر r فرمود : (الذي تفوته صلاة العصر كأنما وتر بأهله وماله)^[207] «کسی که نماز عصر را از دست بدهد مانند این است که اهل و مالش را از دست داده باشد».

از بریده t روایت است که پیامبر r فرمود : (من ترك صلاة العصر فقد حبط عمله)^[208] «کسی که نماز عصر را ترک کند عملش از بین رفته است».

گناه کسی که نماز عصر را تا وقت زرد شدن خورشید به تأخیر بیاندازد :

از انس t روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود : (تلك صلاة المنافق، يجلس و يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني الشيطان قام فنقرها أربعا لا يذكر الله إلا قليلا)^[209] «این نماز منافق است که می‌نشیند و منتظر می‌ماند تا خورشید بین دو شاخ شیطان قرار بگیرد، آنگاه بلند می‌شود و چهار رکعت نماز را (مانند مرغی که به زمین نوک می‌زند) تندتند می‌خواند و در آن یادی از خدا نمی‌کند مگر اندک».

مستحب بودن تعجیل در نماز مغرب و کراهت به تأخیر انداختن آن:

از عقبه بن عامر t روایت است که پیامبر r فرمود :

(لاتزال أمتي بخير أو على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب حتى تشتبك النجوم)^[210] «امت من تا وقتی که نماز مغرب را تا موقع ظاهر شدن ستارگان به تأخیر نیانداخته‌اند، همواره بر خیر و فطرت (دینی)، یا بر دین حنیف هستند».

از سلمه بن أکوع t روایت است : (أن رسول الله r كان يصلي المغرب إذا غربت الشمس و توارت بالحجاب)^[211] «پیامبر r نماز مغرب را همینکه خورشید غروب می‌کرد و پنهان می‌شد می‌خواند».

مستحب بودن تأخیر نماز عشاء تا زمانیکه مشقتی در آن نباشد :

از عایشه (رض) روایت است : (أعتم النبي ذات ليلة حتى ذهب عامة الليل، و حتى نام أهل المسجد، ثم خرج فصلي، فقال : إنه لوقتها لولا أن أشق على أمتي) [212] «شبی پیامبر نماز (عشاء) را به تأخیر انداخت تا اینکه قسمت اعظم شب گذشت و اهل مسجد خوابیدند، سپس خارج شد، نماز را خواند و فرمود : اگر اتم به سختی نمی افتادند الآن وقت آن (نماز عشاء) است».

کراهت خواب قبل از نماز عشاء و صحبت کردن (بدون مصلحت) بعد از آن :

از ابوهریره روایت است : (أن رسول الله كان يكره النوم قبل العشاء و الحديث بعدها) [213] «پیامبر خوابیدن قبل از عشاء و صحبت کردن بعد از آن را مکروه می دانست».

از انس روایت است : (نظرنا النبي ذات ليلة حتى كان شطر الليل يبلغه، فجاء فصلي لنا ثم خطبنا فقال : ألا إن الناس قد صلوا ثم رقدوا، و إنكم لم تزالوا في صلاة ما انتظرتهم الصلاة) [214] «شبی آنقدر منتظر پیامبر ماندیم تا اینکه نیمه شب فرا رسید؛ پس پیامبر آمد و برای ما امامت کرد سپس برایمان خطبه هایی خواند و فرمود : آگاه باشید که مردم نماز خوانده اند و خوابیده اند و شما از وقتی که منتظر نماز مانده اید، همواره در نماز بوده اید».

مستحب است نماز صبح در اول وقت خوانده شود (تغلیس - تاریکی اول فجر) :

از عایشه (رض) روایت است : (كن نساء المؤمنات يشهدن مع رسول الله صلاة الفجر متلفعات بمروطهن، ثم ينقلبن إلى بيوتهن حين يقضين الصلاة، لا يعرفهن أحد من الغلس) [215] «زنان مؤمن با پیامبر در نماز صبح حاضر می شدند در حالیکه خود را با لباسهایی (از خز یا پشم) می پوشیدند؛ و پس از آن که نمازشان را ادا می کردند به خانه هایشان باز می گشتند در حالیکه هیچ کس به خاطر تاریکی آنها را نمی شناخت».

چه زمانی شخص وقت نماز را دریافته است؟

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود :

(من أدرك من الصبح ركعة قبل أن تطلع الشمس فقد أدرك الصبح، و من أدرك ركعة من العصر قبل أن تغرب الشمس فقد أدرك العصر) [216] «کسی که به یک رکعت از نماز صبح برسد قبل از آنکه خورشید طلوع کند، نماز صبح را دریافته است و کسی که قبل از غروب آفتاب به یک رکعت از نماز عصر برسد، نماز عصر را دریافته است» این حکم، به نماز صبح و عصر اختصاص ندارد بلکه برای هر نمازی عمومیت دارد :

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود : (من أدرك ركعة من الصلاة فقد أدرك الصلاة) [217] «کسی که به یک رکعت از نماز برسد، نماز را دریافته است».

قضای نماز های فوت شده:

از انس^t روایت است که گفت: پیامبر^r فرمود: (من نسی صلاة أو نام عنها فكفارتها أن يصلّيها إذا ذكرها)^[218] «هر کس نمازی را فراموش کند یا به خواب برود و نمازش را نخواند، کفاره آن این است که هرگاه به یادش آمد آن را بخواند».

آیا کسی که عمداً نماز را تا خارج شدن وقت ترک کند، می‌تواند قضای آن را بجای آورد؟

ابن حزم رحمه الله در «المحلی» (2/235) می‌گوید:

همانا خداوند متعال برای هر نماز فرضی وقت معینی را قرار داده که آغاز و پایانش مشخص است، بطوریکه در زمان مشخصی وقت آن فرا می‌رسد، و نیز در وقت معینی وقت آن به پایان می‌رسد، بنابراین کسی که نمازش را بعد از خارج شدن وقتش می‌خواند، مثل کسی که نماز را قبل از دخول وقتش خوانده باشد، چون هر دوی آنها در غیر وقت خودشان نماز خوانده‌اند. همچنین حکم کردن به قضای نماز باید از جانب خدا بیان شده باشد، زیرا حکم کردن به چیزی یک نوع قانونگذاری به حساب می‌آید، و این کار مختص خدا است که آن را توسط پیامبرش ابلاغ کرده است و اگر بر کسی که نماز را عمداً تا خروج وقت آن ترک کند قضایی واجب می‌بود، خداوند متعال و رسول او^r از ذکر آن غفلت نمی‌کردند و آن را هم فراموش نکرده‌اند و با ترک بیان آن عمداً ما را در سختی قرار نمی‌دادند:

(وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا) (مریم: 64)

«و پروردگار تو فراموشکار نبوده است».

و هر قانونگذاری و حکمی که منشأ آن قرآن و سنت نباشد، باطل است - اه -
اوقاتی که ادای نماز در آنها نهی شده است:

از عقبه بن عامر^t روایت است: (ثلاث ساعات كان رسول الله^r ينهاها أن نصلّي فيهن أو أن نقبر فيهن موتانا: حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع، و حين يقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس، و حين تضيف الشمس للغروب حتى تغرب)^[219] «سه وقت است که پیامبر^r ما را در نماز خواندن یا دفن کردن مرده‌هایمان در آن اوقات نهی کرده است، وقتی که تازه خورشید طلوع می‌کند تا آن که بلند شود، و وقتی که خورشید در وسط آسمان قرار می‌گیرد تا وقتی که مایل شود، و زمانی که خورشید در آستانه غروب باشد تا وقتی که غروب کند».

پیامبر^r علت نهی از نماز در این اوقات را در خطاب به عمرو بن عبسه بیان کرده و فرموده است: (صل صلاة الصبح، ثم أقصر عن الصلاة حتى تطلع الشمس حتى ترتفع،

فإنها تطلع حين تطلع بين قرني شيطان، و حينئذ يسجد لها الكفار، ثم صل فإن الصلاة مشهودة محضورة، حتى يستقل الظل بالرمح، ثم أقصر عن الصلاة، فإنه حينئذ تسجر جهنم، فإذا أقبل الفی فصل فإن الصلاة مشهودة محضورة حتى تصلى العصر، ثم أقصر عن الصلاة حتى تغرب الشمس، فإنها تغرب بين قرني شيطان و حينئذ يسجد لها الكفار^[220] «نماز صبح را بخوان سپس تا وقتی که خورشید طلوع می‌کند و بالا می‌آید نماز نخوان، چون خورشید بین دو شاخ شیطان طلوع می‌کند و کفار برای آن سجده می‌برند؛ سپس نماز (ضحی) بخوان چون ملائکه شاهد و حاضر بر نماز هستند تا اینکه سایه نیزه به کمترین مقدار خود می‌رسد؛ آنوقت از خواندن نماز خودداری کن؛ چون در این وقت آتش جهنم شعله‌ور می‌شود. سپس وقتی که سایه مایل شد نماز بخوان چون ملائکه شاهد و حاضر بر نماز هستند. تا آنکه نماز عصر را می‌خوانی، و بعد از آن، از نماز خواندن خودداری کن تا وقتی که خورشید غروب کند؛ چون خورشید بین دو شاخ شیطان غروب می‌کند و در این زمان کفار برای آن سجده می‌برند».

نهی از خواندن نماز در اوقات ذکر شده شامل زمان و مکان زیر نمی‌شود:

در روز جمعه، زمان استواء (هنگامی که خورشید در وسط آسمان قرار می‌گیرد) :

چون پیامبر^r می‌فرماید : (لا یغتسل رجل یوم الجمعة فیتطهر ما استطاع من طهر، و یدهن من دهن، أو یمس من طیب بینه، ثم یخر فلا یفرق بین اثین، ثم یصلی ما کتب له، ثم ینصت إذا تکلم الإمام، إلا غفر له، ما بینه و بین الجمعة الأخری)^[221] «هر کسی که روز جمعه غسل کند و تا می‌تواند خودش را پاک کند و سرش را با روغن چرب نماید یا از بوی خوش خانه‌اش، خودش را خوشبو کند، سپس برای نماز جمعه خارج شود و بین دو نفر جدایی نیاندازد (در مسجد از روی شانه‌ها و سر آنها عبور نکند) و آنچه را که برایش مقدر شده نماز بخواند و وقتی که امام شروع به خواندن خطبه کرد، سکوت کند، تمام گناهان (صغیره) او از این جمعه تا جمعه دیگر بخشیده می‌شوند».

در اینجا پیامبر^r نمازگزار را به خواندن آنچه برایش مقدر شده تشویق نموده و تا وقت خروج امام او را از نماز خواندن منع کرده است، و به همین علت جماعتی از سلف از جمله عمر بن خطاب^t و امام احمد نیز به تبعیت از او گفته‌اند : خروج امام (برای خواندن خطبه) مانع نماز است، و خطبه امام مانع صحبت کردن است، پس، خروج امام را مانع خواندن نماز دانسته‌اند نه قرار گرفتن خورشید در وسط آسمان را (استواء).

مکان: مکه مکرمه – خداوند بر شرافت و بزرگی آن بیفزاید – که نماز خواندن در آن در هیچ یک از اوقات مذکور مکروه نیست، چون پیامبر^r می‌فرماید : (یا بنی عبدمناف، لا تمنعوا أحدا طاف بهذا البيت و صلی أیة ساعة من لیل أو نهار)^[222] «ای بنی عبد مناف کسی را که در هیچ لحظه‌ای از شبانه‌روز از طواف این خانه و نماز در آن منع نکنید».

و نمازی که خواندن آن در این اوقات نهی شده است، نماز نفلی است که سببی نداشته باشد. بنابراین در این اوقات قضای نمازهای فوت شده‌ی فرض و سنت جایز است؛ چون

پیامبر r می‌فرماید : (من نسی صلاة فليصل إذا ذكرها، لا كفارة لها إلا ذلك)^[223]. «هر کس نمازی را فراموش کرد، همین که یادش آمد باید آنرا بخواند، و کفاره‌ای جز این ندارد». نماز بعد از وضو نیز در هر وقتی که باشد جایز است؛ به دلیل حدیث ابوهریره که پیامبر r هنگام نماز صبح به بلال فرمود : (یا بلال أخبرنی بأرجی عمل عملته فی الإسلام فإنی سمعت دف نعلیک فی الجنة، قال : ما عملت عملاً أرجی عندی، أنى لم أتطهر طهوراً فی ساعته من لیل أو نهار إلا صلیت بذلك الطهور ما کتب لی أن أصلی)^[224] «ای بلال به من بگو امیدوارکننده‌ترین عملی که در اسلام انجام داده‌ای کدام است، زیرا من صدای کفشهایت را پیشاپیش خودم در بهشت شنیدم، بلال گفت : امیدوارکننده‌ترین کاری که من انجام داده‌ام این بوده است که وضوئی در هیچ لحظه‌ای از شبانه‌روز نگرفتم مگر اینکه بعد از آن هر آنچه برایم مقدر شده بود، نماز خواندم».

در این اوقات دو رکعت تحیه المسجد هم جایز است؛ چرا که پیامبر r فرموده است: (إذا دخل أحدکم المسجد فلا یجلس حتی یصلی رکعتین)^[225] «هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، تا دو رکعت نماز نخوانده ننشیند».

نهی از خواندن نفل بعد از طلوع فجر، قبل از نماز صبح :

یسار مولای ابن عمر گوید : (رأی ابن عمر و أنا أصلی بعد طلوع الفجر فقال یا یسار، إن رسول الله r خرج علينا و نحن نصلی هذه الصلاة، فقال : لیبلغ شاهدکم غائبکم، لاتصلوا بعد الفجر الا سجدةین)^[226] «ابن عمر مرا دید که بعد از طلوع فجر نماز می‌خواندم، گفت : ای یسار، پیامبر r روزی بر ما وارد شد در حالی که در این وقت نماز نفل می‌خواندیم، فرمود : حاضرین در اینجا، به غایبین برسانند که بعد از طلوع فجر بجز دو رکعت، دیگر نمازی نیست (البته مراد نخواندن نفل است)».

نهی از خواندن سنت هنگام اقامه فرض:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا أقيمت الصلاة فلا صلاة إلا المكتوبة)^[227] «هرگاه نماز (فرض) اقامه شد خواندن هیچ نمازی جز همان فرض جایز نیست».

اماکنی که خواندن نماز در آن نهی شده است:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (فضلت علی الأنبياء بست : أعطيت جوامع الكلم، و نصرت بالرعب، و احلت لی الغنائم، وجعلت لی الأرض طهوراً و مسجداً، أرسلت إلى الخلق كافة، و ختم بی النبيون)^[228] «با شش چیز بر سایر پیامبران برتری داده شده‌ام، جوامع الكلم (مفاهیم زیاد با الفاظی کم) به من داده شده و با ایجاد رعب و ترس در قلب دشمنان، خداوند مرا یاری داده است، و غنائم برایم حلال و زمین پاک کننده و مسجد قرار داده شده است و به سوی تمامی مردم فرستاده شده‌ام و با بعثت من، رسالت همه‌ی پیامبران خاتمه پیدا کرده است».

لذا نماز خواندن در تمام اماکن جایز است مگر اماکنی که در احادیث زیر استثنا شده‌اند :

جندب بن عبدالله بجلی گوید : پنج روز قبل از وفات پیامبر r از او شنیدم که می‌فرمود: **(ألا و إن من كان قبلكم كانوا يتخذون قبور أنبياءهم و صالحهم مساجد، ألا فلا تتخذوا القبور مساجد، إني أنهاكم عن ذلك)** [229] «آگاه باشید کسانی قبل از شما بودند که قبور پیامبران و افراد صالحشان را به مسجد تبدیل کردند. آگاه باشید قبور را به مساجد تبدیل نکنید، من شما را از آن نهی می‌کنم.»^(*)

از ابوسعید خدری روایت است : پیامبر r فرمود : **(الأرض كلها مسجد إلا المقبرة و الحمام)** [230] «تمام زمین بجز قبرستان و حمام، مکان جواز نماز است.» (فقط در این دو مکان نماز خواندن جایز نیست).

براء بن عازب گوید : از پیامبر r درباره نماز خواندن در استراحتگاه شتران سوال کردند، (پیامبر r) فرمود : **(لاتصلوا فی مبارک الإبل فإنها من الشیاطین)**. «در استراحتگاه شتران نماز نخوانید چون از شیاطین است» و از او درباره نماز در استراحتگاه گوسفندان سؤال شد فرمود : **(صلوا فیها فإنه برکة)** [231] «می‌توانید در آن نماز بخوانید چون در آن برکت هست».

فهرست

أذان

حکم اذان:

اذان اعلام فرا رسیدن وقت نماز با الفاظی مخصوص است [232] و حکم آن واجب است.

از مالک بن حویرث روایت است : پیامبر r فرمود : **(إذا حضرت الصلاة فليؤذن لكم أحدكم و ليؤمكم أكبركم)** [233] «هنگامی که وقت نماز فرا رسید یکی از شما اذان بگوید و بزرگترین شما امامت کند». پیامبر r به گفتن اذان دستور داده است و امر همچنانکه معلوم است برای وجوب است.

از انس روایت است : **(أن النبی r كان إذا غزا بنا قوما لم یکن یغزو بنا حتی یصبح و ینظشر، فإن سمع أذانا کف عنهم، و إن لم یسمع أذانا أغار علیهم)** [234] «هرگاه پیامبر r با ما به جنگ قومی می‌رفت تا فرا رسیدن صبح نمی‌جنگید و نگاه می‌کرد اگر اذانی می‌شنید دست نگه می‌داشت و اگر اذانی نمی‌شنید بر آنها شبیخون می‌زد».

فضیلت اذان:

از معاویه^t روایت است که پیامبر^r فرمود: **(إن المؤذنين أطول الناس أعناقاً يوم القيامة)**^[235] «همانا گردن مؤذنان در روز قیامت از همه‌ی مردم بلندتر است».

عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی صعصعه انصاری مازنی از پدرش نقل کرده که ابوسعید خدری به او گفت: **(إني أراك تحب الغنمو البادية، فإذا كنت في غنمك أو باديتك فأذنت بالصلاة فأرفع صوتك بالنداء، فإنه لا يسمع مدى صوت المؤذن جن و لا إنس ولا شيء إلا شهد له يوم القيامة قال أبو سعيد: سمعته من رسول الله^r)**^[236] «می‌بینم که گوسفند و صحرا را دوست داری پس هر وقت با گوسفندان یا در صحرا بودی و برای نماز اذان گفתי، صدایت را بلند کن، زیرا که جن، انسان و هر چیز دیگری که صدای مؤذن را می‌شنود، در روز قیامت برای او گواهی می‌دهند، ابوسعید گفت این سخن را از پیامبر^r شنیدم».

فهرست

روش اذان:

عبدالله بن زید بن عبد ربه گوید: پیامبر^r خواست که (هنگام نماز) ناقوس زده شود اما به خاطر مشابهت با نصاری این کار را ناپسند می‌دانست، شبی در خواب دیدم که مردی به دورم می‌گشت، دو لباس سبز بر تن و ناقوسی در دست داشت به او گفتم ای بنده خدا آیا این ناقوس را می‌فروشی؟ گفت با آن چه کار داری؟ گفتم با آن مردم را به نماز فرا می‌خوانیم. گفت: آیا تو را به چیزی بهتر از آن راهنمایی نکنم؟ گفتم بله. گفت: بگو: **الله أكبر الله أكبر، الله أكبر الله أكبر، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمدا رسول الله، أشهد أن الصلاة، حي على الصلاة، حي على الفلاح، حي على الفلاح، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله**».

(عبدالله) گفت: سپس آن شخص اندکی درنگ کرد و گفت: اگر برای نماز اقامه کردی بگو: **الله أكبر الله أكبر، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمدا رسول الله، حي على الصلاة، حي على الفلاح، قد قامت الصلاة، قد قامت الصلاة، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله**.

گوید: صبح وقتی بیدار شدم نزد رسول الله^r رفتم و آنچه را در خواب دیده بودم برایش بازگو کردم. پیامبر^r فرمود: **(إن هذه الرويا حق إن شاء الله)** «این رؤیا (خواب) حق است». سپس دستور داد که اذان گفته شود، و از آن پس بلال مولای ابوبکر به همین صورت اذان می‌گفت.^[237]

مستحب است که مؤذن دو الله اکبر را با یک نفس بگوید:

از عمر بن خطاب^t روایت است که پیامبر^r فرمود:

(إذا قال المؤذن الله أكبر الله أكبر، فقال أحدكم : الله أكبر الله أكبر، ثم قال أشهد أن لا إله إلا الله، قال أشهد أن لا إله إلا الله ... الحديث) [238] «هرگاه مؤذن گفت الله أكبر الله أكبر و یکی از شما گفت الله أكبر الله أكبر (جواب او را داد) سپس (مؤذن) گفت أشهد أن لا إله إلا الله و (یکی از شما گفت : أشهد أن لا إله إلا الله...» این حدیث به طور آشکار دلالت میکند بر این که مؤذن دو تکبیر را با یک نفس بخواند و شنوده‌ی اذان هم به همان صورت پاسخ بدهد. [239]

مستحب بودن ترجیع:

ترجیع : عبارت است از دو بار تکرار شهادتین با صدای بلند پس از دوبار گفتن آن با صدای آهسته [240]. از ابومحذوره روایت است که پیامبر r این اذان را به او یاد داد : (الله أكبر، الله أكبر، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله سپس دوباره بگوید : أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله، حی علی الصلاة دوبار، حی علی الفلاح دوبار، الله أكبر، الله أكبر، لا نله إلا الله). [241]

تثویب (گفتن الصلاه خیر من النوم) در اولین اذان صبح :

از ابومحذوره روایت است که پیامبر r اذان رابه او آموزش داد و در آن آمده :

حی علی الفلاح، حی علی الفلاح، الصلاة خیر من النوم، الصلاة خیر من النوم، (این جمله) در اذان اول صبح (گفته شود)، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله). [242]

امیر صنعانی در «سبل السلام» (1/120) از ابن رسلان نقل کرده است :

مشروعیت تثویب فقط در اذان اول صبح است چون برای بیدار کردن کسانی است که خوابیده‌اند اما اذان برای اعلام دخول وقت و فراخواندن مردم به نماز است. - أه.

مستحب است که اذان در اول وقت گفته شود و قبل از وقت اذان گفتن مخصوص نماز صبح است :

از جابرن سمره روایت است : (كان بلال يؤذن إذا زالت الشمس لا يخرم، ثم لا يقيم حتى يخرج إليه النبي r، فإذا خرج أقام حين يراه) [243] «بلال به هنگام زوال خورشید به طور کامل اذان می‌گفت : سپس اقامه را زمانی می‌گفت که پیامبر r را می‌دید برای نماز خارج شده است».

از ابن عمر (رض) روایت است که پیامبر r فرمود : (إن بلالا يؤذن بليل، فكلوا و اشربوا حتى يؤذن ابن أم مكتوم) [244] «همانا بلال در شب، اذان (صبح) می‌گوید، بخورید و بیاشامید تا وقتی که ابن ام مکتوم اذان گوید».

پیامبر r حکمت تقدیم اذان را دخول فجر بیان کرده و فرموده است: (لایمنعن أحدکم اذان بلال من سحوره، فإنه یؤذن، أو قال ینادی بلیل لیرجع قائمکم و لینه نائمکم)^[245] «اذان بلال هیچ یک از شما را از خوردن سحری باز ندارد؛ چون او اذان می‌گوید یا گفت در شب ندا سر می‌دهد تا کسی مشغول تهجد بوده دیگر نماز نخواند و کسی که خواب است بیدار شود».

فهرست

آنچه هنگام شنیدن اذان و اقامه گفته می‌شود:

مستحب است کسی که اذان و اقامه را می‌شنود آنچه را که مؤذن می‌گوید تکرار کند، از ابوسعید روایت است که پیامبر r فرمود: (إذا سمعتم النداء فقولوا مثل ما یقول المؤمن)^[246] «هرگاه اذان را شنیدید مثل آنچه که مؤذن می‌گوید، بگویید».

از عمر بن خطاب t روایت است که پیامبر r فرمود: «هرگاه یکی از شما با الله أكبر الله أكبر مؤذن بگوید الله أكبر الله أكبر و با أشهد أن لا إله إلا الله مؤذن بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله، و با أشهد أن محمداً رسول الله مؤذن بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله، و با أشهد أن محمداً رسول الله مؤذن بگوید: أشهد أن محمداً رسول الله، و با حی علی الصلاة مؤذن بگوید: لا حول و لا قوة إلا بالله، و با حی علی الفلاح مؤذن بگوید: لا حول و لا قوة إلا بالله، و با الله أكبر مؤذن بگوید الله أكبر، و با لا إله إلا الله او از ته قلب بگوید: لا اله الا الله و ارد بهشت می‌شود».^[247]

پس کسی که آنچه را مؤذن می‌گوید تکرار کند یا هنگام گفتن حی علی الصلاة و حی علی الفلاح بگوید: لا حول و لا قوة إلا بالله، یا حی علی الصلاة و حی علی الفلاح و لا حول و لا قوة الا بالله را با هم بگوید طبق سنت عمل کرده است.

هرگاه مؤذن از گفتن اذان یا اقامه فارغ شد (مستحب است که) شنونده بعد از تکرار گفته‌های او، آنچه که در دو حدیث زیر می‌آید بگوید:

از عبدالله بن عمر روایت است: از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود: (إذا سمعتم المؤمن فقولوا مثل ما یقول، ثم صلوا علی، فإنه من صلی علی صلاة صلی الله بها علیه عشر، ثم سلوا الله لی الوسيلة، فإنها منزلة فی الجنة لا تنبغی إلا لعبد من عباد الله، و أرجو أن أكون أنا هو، فمن سأل الله لی الوسيلة حلت له الشفاعة)^[248] «هرگاه (ندای) مؤذن را شنیدید، آنچه را می‌گوید تکرار کنید سپس بر من صلوات بفرستید چون هر کس بر من یک صلوات بفرستد، خداوند در برابر آن ده صلوات بر او می‌فرستد سپس از خدا برایم طلب وسیله کنید که وسیله مقامی است در بهشت که تنها به یکی از بندگان خدا داده می‌شود و امیدوارم که آن بنده من باشم، پس کسی که از خداوند برای من طلب وسیله کند، شفاعت شامل حالش می‌گردد».

از جابر روایت است که پیامبر r فرمود: (من قال حين يسمع النداء: اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلاة القائمة آت محمدا الوسيلة و الفضيلة و ابعثه مقاما محمودا الذي وعدته حلت له شفاعتي يوم القيامة) [249] «هر کس پس از شنیدن اذان بگوید - اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلاة القائمة، آت محمدا الوسيلة و الفضيلة و ابعثه مقاما محموداً الذي وعدته - یعنی: خداوندا! ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده، وسیله و فضیلت را به محمد عطا فرما و در روز قیامت او را به مقام محمود و ستوده‌ای که به او وعده داده‌ای مبعوث فرما - شفاعت من در روز قیامت شامل حال او می‌گردد».

فایده

مستحب است مسلمان بین اذان و اقامه بسیار دعا کند؛ چون در این هنگام دعا اجابت می‌شود:

از انس t روایت است که پیامبر r فرمود: (الدعاء لا يرد بين الأذان و الإقامة) [250] «دعا در بین اذان و اقامه رد نمی‌شود».

فهرست

آنچه برای مؤذن مستحب است: [251]

مستحب است مؤذن ویژگیهای زیر را داشته باشد:

1- اذان را تنها بمنظور کسب رضای خدا بگوید و در قبال آن پاداشی نگیرد، از عثمان بن ابی العاص روایت است: گفتم: ای رسول خدا! مرا امام (جماعت) قوم قرار بده. پیامبر r فرمود: (أنت إمامهم، و اقتد بأضعفهم، و اتخذ مؤذنا لا يأخذ على أذانه أجرا) [252] «تو امام آنان هستی و در امامت حال ضعفا را رعایت کن (نمازت را بر حسب توانایی ضعفا بخوان) و مؤذنی انتخاب کن که در مقابل اذانش پاداشی دریافت نکند».

2- از حدث اصغر و اکبر (بی‌وضوئی و جنابت) پاک باشد، بدلیل آنچه در مبحث (اعمالی که به وضو نیاز دارند) گذشت.

3- به حالت ایستاده و رو به قبله اذان گوید. ابن منذر می‌گوید: اجماع بر این است که به حالت ایستاده اذان گفتن سنت است؛ چون برای شنیدن بهتر و رساتر است.

همچنین سنت است که مؤذن رو به قبله بایستد، چرا که مؤذنان پیامبر خدا r همواره رو به قبله اذان می‌گفتند.

4- هنگام گفتن حیّ علی الصلاة سر و گردنش را به طرف راست و هنگام گفتن حیّ علی الفلاح به طرف چپ بچرخاند:

از ابوجحیفه روایت است: (أنه رأى بلالا يؤذن، قال: فجعلت أتبع فاه ههنا و ههنا بالأذان)^[253] «بلال را دیدم که اذان می‌گفت، (ابوجحیفه) گوید: من دهان بلال که به سمت راست و چپ می‌چرخاند نگاه می‌کردم».

5- دو انگشتش را در گوشه‌هایش قرار دهد: به دلیل گفته ابوجحیفه: (رأيت بلالا يؤذن و يدور، و يتبع فاه هاهنا و هاهنا، و أصبعاه في أذنيه)^[254] «بلال را دیدم که اذان می‌گفت می‌چرخید و دهانش را (به حی علی الصلاة و حی علی الفلاح) به اینجا و آنجا (راست و چپ) می‌چرخاند و دو انگشتش را در گوشه‌هایش قرار می‌داد».

6- هنگام اذان صدایش را بلند کند، به دلیل فرموده پیامبر r: (فإنه لا يسمع مدى صوت المؤذن جن و لا إنس و لا شيء إلا شهد له يوم القيامة)^[255] «هر جن و انسان و چیز دیگری که صدای مؤذن را می‌شنوند، در روز قیامت برای او شهادت می‌دهند».

فاصله بین اذان و اقامه چقدر است؟

لازم است بین اذان و اقامه به اندازه‌ای که شخص بتواند خود را برای نماز و حضور در آن آماده کند فاصله وجود داشته باشد؛ چراکه در غیر اینصورت غرض از گفتن اذان که همان آماده شدن برای نماز است از بین می‌رود.

این بطلان گوید^[256]: هیچ حد و اندازه‌ی معینی برای این فاصله تعیین نشده لذا فاصله‌ی بین اذان و اقامه به اندازه‌ای باشد که نمازگزاران بتوانند به جماعت برسند.

نهی بیرون رفتن از مسجد بعد از اذان:

از ابوشعثاء روایت است: (كنا قعودا في المسجد مع أبي هريرة، فأذن المؤذن، فقام رجل من المسجد يمشي فأتبعه أبوهريرة بصره حتى خرج من المسجد فقال أبوهريرة، أما هذا فقد عصى أبا القاسم r)^[257]. «با ابوهریره در مسجد نشسته بودیم که مؤذن اذان گفت، مردی برخاست و از مسجد بیرون رفت. ابوهریره که نگاهش تا بیرون شدن او از مسجد به سوی او بود گفت: این شخص با سنت پیامبر r نافرمانی کرد».

اذان و اقامه برای نماز از دست رفته:

اگر کسی به علت خواب یا فراموشی، نمازش را (در وقت خود) نخواند، شرعاً می‌تواند هنگام قضای آن اذان و اقامه بگوید؛ بدلیل آنچه که ابوداود در ماجرای به خواب ماندن پیامبر r و اصحابش در سفر و نخواندن نماز صبح (در وقت) روایت کرده که پیامبر r به بلال دستور داد تا برای (قضای) آن اذان و اقامه بگوید^[258]. و اگر چند نماز را از دست داده بود کافی است که یک اذان بگوید ولی برای هر نماز اقامه کند؛ به دلیل حدیث ابن مسعود که گفت: «إن المشركين شغلوا رسول الله r عن أربع صلوات يوم الخندق، حتى ذهب من الليل ما شاء الله، فأمر بلالا فأذن، ثم أقام فصلى الظهر، ثم أقام فصلى العصر، ثم أقام فصلى المغرب ثم أقام فصلى العشاء»^[259] «روز جنگ خندق، مشرکین، پیامبر r را از

چهار نماز مشغول داشتند تا آنچه خداخواست از شب سپری شد. آنگاه پیامبر r به بلال دستور داد که اذان بگوید، بلال اذان گفت و سپس اقامه کرد، پیامبر r نماز ظهر را خواند، سپس بلال برای خواندن نمازهای عصر، مغرب و عشاء هم اقامه را تکرار کرد».

فهرست

شروط صحت نماز:

1- آگاهی از فرا رسیدن وقت نماز :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا) (نساء : 103)

«بیگمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است».

پس خواندن نماز قبل از فرا رسیدن و بعد از تمام شدن وقت آن صحیح نیست مگر به عذر.

2- طهارت از حدث (اصغر و اکبر) :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا)

(مائده : 6)

«ای مؤمنان، هنگامی که خواستید نماز بخوانید (و وضو نداشتید) صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را همراه با قوزکهای آنها بشویید و اگر جنب بودید غسل کنید».

و به دلیل حدیث ابن عمر از پیامبر r (لایقبل الله صلاة بغير طهور)^[260] «خداوند هیچ نمازی را بدون پاکی (وضو) قبول نمی‌کند».

3- پاکی لباس و بدن و مکانی که در آن نماز خوانده می‌شود :

دلیل پاکی لباس فرموده خداوند متعال است که می‌فرماید :

(وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ) (مدثر : 4)

«و لباس خویش را پاکیزه دار».

و فرموده پیامبر r : (إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَقْلِبْ نَعْلَيْهِ وَ لِيَنْظُرْ فِيهِمَا فَإِنْ رَأَى خَبْثًا فَلْيَمْسَحْهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ لِيَصِلْ فِيهِمَا)^[261] «هرگاه یکی از شما به مسجد آمد، کفشهایش را برگرداند و به زیر آنها نگاه کند، اگر نجاستی بر آن دید آن را به زمین بمالد و سپس در آن نماز بخواند».

دلیل شرطی پاکی بدن، فرموده پیامبر r به علی است آنگاه که علی درباره مزی سؤال کرد، فرمود : (تَوَضَّأَ وَ اغْسَلَ ذَكَرَكَ)^[262] «آلت تناسلی خود را بشوی و وضو بگیر».

و به زن مستحاضه فرمود : (اغسلي عنك الدم وصلی)^[263] «خونت را بشوی و نماز بخوان».

دلیل شرط پاک بودن مکان، فرموده پیامبر r به اصحابش هنگام ادرار کردن بادیه‌نشین در مسجد است که فرمود : (أَرِيقُوا عَلَي بَوْلِهِ سَجَلًا مِنْ مَاءٍ)^[264] «بر ادرارش سطلی آب بریزید».

فهرست

فایده:

اگر کسی نماز را در حالی خواند که نجاستی بر او بود لیکن متوجه آن نشده بود، نمازش صحیح و اعاده آن لازم نیست و اگر در اثنای نماز متوجه آن شد، اگر امکان برطرف کردن آن باشد مانند اینکه نجاست روی کفشها یا لباسی اضافی غیر از آنچه که عورت را پوشانده باشد، باید آن را برداشته و نمازش را کامل کند، ولی اگر برداشتن نجاست (در اثنای نماز) امکان‌پذیر نباشد باید به نمازش ادامه دهد و نیازی به اعاده آن نیست؛ به دلیل حدیث ابوسعید که گفت : پیامبر r نماز می‌خواند (در اثنای نماز) کفشهایش را درآورد، مردم هم (به دنبال او) کفشهایشان را در آوردند، وقتی که از نماز فارغ شد فرمود : چرا کفشهایتان را درآوردید؟ گفتند تو را دیدیم کفشهایت را درآوردی ما هم آنها را درآوردیم، پیامبر r فرمود : (إِنْ جَبْرِيْلُ أَتَانِي فَأَخْبِرُنِي أَنْ بَهْمَا خَبْثًا فَإِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَقْلِبْ نَعْلَيْهِ وَ لِيَنْظُرْ فِيهِمَا، فَإِنْ رَأَى خَبْثًا فَلْيَمْسَحْهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ لِيَصِلْ فِيهِمَا)^[265] «جبرئیل پیش من آمد و به من خبر داد که بر کفشهایم نجاست است، پس هرگاه کسی از شما به مسجد آمد، کفشهایش را وارونه کرده و به زیر آنها نگاه کند اگر نجاستی دید آن را به زمین بمالد و سپس با آن نماز بخواند».

4- پوشاندن عورت: به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) (أعراف : 31)

«ای فرزندان آدم در هنگام هر نمازی عورت‌های خود را بپوشانید».

این در حالی بود که مردم قبل از اسلام به حالت عریان خانه خدا را طواف می‌کردند.

و به دلیل فرموده پیامبر r: (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ)^[266] «خداوند نماز هیچ زن بالغی را بدون روسری قبول نمی‌کند».

عورت مرد از ناف تا زانوهایش است همچنانکه در این باره حدیثی مرفوع از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش آمده که: (مَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَالرُّكْبَةِ عَوْرَةٌ)^[267] «عورت (مرد) بین ناف و زانوهایش است».

از جرهد أسلمی روایت است: پیامبر r از کنار من عبور کرد در حالی که جامه‌ای بر تن داشتم که رانم ظاهر شده بود. پیامبر r فرمود: (غَطُّ فَخْذِكَ فَإِنَّ الْفَخْذَ عَوْرَةٌ)^[268] «رانت را بپوشان چون ران عورت است».

تمام اعضای زن غیر از صورت و دستهایش هنگام نماز، عورت است:

به دلیل فرموده پیامبر r: (الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ)^[269] «همه‌ی زن عورت است».

در حدیثی دیگر می‌فرماید: (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ)^[270] «خداوند نماز هیچ زن بالغی را بدون روسری قبول نمی‌کند».

5- رو کردن به قبله: بدلیل فرموده خداوند متعال:

(قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُمَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ) (بقره : 150)

«(واز هر جا که بیرون رفتی) رو به سوی مسجدالحرام کن و (ای مؤمنان چه در سفر و چه در حضر در همه اقطار زمین به هنگام نماز) هر جا که بودید روبه سوی آن کنید».

و بدلیل اینکه پیامبر r به مردی که نمازش را بد خواند (مسی الصلاة) فرمود: (إِذَا قَمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاَسْبِغِ الوُضُوءَ ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ ... الْحَدِيثِ)^[271] «هرگاه خواستی نماز بخوانی به خوبی وضو بگیر سپس رو به قبله کن...».

اشکال ندارد که هنگام ترس شدید، و یا خواندن نفل بر سواری در سفر، استقبال قبله ترک شود:

خداوند متعال می‌فرماید:

(فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَالًا أَوْ رُكْبَانًا) (بقره : 239)

«و اگر (بخاطر جنگ یا خطر دیگری) ترسیدید در حالت پیاده یا سواره نماز را بخوانید».

ابن عمر درباره این آیه می‌گوید: (رَجَالًا أَوْ رُكْبَانًا) یعنی رو به قبله یا رو به غیر قبله، نافع گوید: ابن عمر حتماً آن را از پیامبر r نقل کرده است. [272]

از ابن عمر روایت است: (كان النبي r يسبح على راحته قبل أي وجه توجه، ويوتر عليها غير أنه لا يصلّي ليها المكتوبة) [273] «پیامبر r بر شترش به هر سویی که روی آن بود، نفل و وتر می‌خواند. البته فرایض را بر روی سواری نمی‌خواند».

فهرست

فایده

اگر کسی برای پیدا کردن قبله تلاش کرد و نمازش را به جهتی که به گمانش قبله بود خواند و بعداً برایش روشن شد که (در پیدا کردن قبله) دچار اشتباه شده است، اعاده نماز بر او لازم نیست:

از عامر بن ربیع روایت است: (كنا مع النبي r في سفر في ليلة مظلمة، فلم ندر أين القبلة فصلى كل رجل منا على حياله، فلما أصبحنا ذكرنا ذلك لرسول الله r، فنزل (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ [274])) «در شبی بسیار تاریک با پیامبر r در سفری بودیم و نمی‌دانستیم قبله کجاست، هر یک از ما به جهتی نماز خواند، وقتی صبح شد جریان را برای پیامبر r گفتیم. آنگاه آیه (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ) «به هر جا رو کنید قبله خدا آنجاست» نازل شد».

6- نیت: عبارت از قصد و اراده نمازی است که برای آن ایستاده و باید با قلبش آن را تعیین کند، مانند فرض ظهر یا عصر یا مثلاً سننهای آندو [275]، تلفظ نیت با زبان مشروع نیست، چون پیامبر r آنرا تلفظ ننموده است، بلکه هرگاه رسول الله r برای انجام نمازی بلند می‌شد بدون آنکه نیتی را تلفظ کند می‌فرمود: «الله أكبر»، و نمی‌گفت فلان نماز را برای خدا، رو به قبله، چهار رکعت، به عنوان امام یا مأوم، بجای می‌آورم، و نیز نمی‌گفت: نماز حاضر، قضا یا فرض وقت؛ این دو مورد بدعت‌اند، و هیچ کس تا بحال حتی یک لفظ از آنها را با سندی صحیح یا ضعیف یا مسند یا مرسل از پیامبر r و یا یکی از اصحاب او روایت نکرده و هیچ کدام از تابعین و امامان چهارگانه نیز آن‌ها را نپسندیده‌اند. - اه. [276]

چگونگی نماز: [277]

وقتی پیامبر r می‌خواست نماز بخواند رو به قبله و نزدیک به ستره می‌ایستاد و می‌فرمود: (إنما الأعمال بالنیات و إنما لكل امریء ما نوى) «صحت اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس تنها پاداش آنچه را که نیت کرده است می‌گیرد».

سپس پیامبر r نمازش را با گفتن الله اکبر شروع می‌کرد، دستهایش را هنگام گفتن (تکبیره الإحرام) بلند می‌کند، دست راست را بر دست چپ، روی سینه‌اش قرار می‌داد، سپس به زمین چشم می‌دوخت و قرائت را با خواندن دعاهای زیاد و متنوعی شروع

می‌کرد و در آن دعاها خدا را حمد و ستایش و ثنا می‌کرد و از شیطان رجیم به او پناه می‌برد (أعوذ بالله من الشيطان الرجيم)، سپس «بسم الله الرحمن الرحيم» را آهسته قرائت می‌کرد و آنگاه سوره فاتحه را آیه آیه می‌خواند (بعد از هر آیه‌ای مکثی کوتاه می‌کرد) و وقتی که از قرائت سوره فاتحه فارغ می‌شد با صدای بلند و کشیده آمین می‌گفت و بعد از فاتحه سوره‌ای دیگر می‌خواند که گاهی طولانی و گاهی هم کوتاه را انتخاب می‌کرد.

پیامبر^۲ در نماز صبح و در دو رکعت اول مغرب و عشاء سوره‌ی فاتحه و سوره‌ای دیگر را با صدای بلند می‌خواند، و در نماز ظهر، عصر و رکعت سوم مغرب و دو رکعت آخر عشاء، آن را صدای آهسته می‌خواند.

همچنین پیامبر^۲ فاتحه و سوره‌ی بعد از آن را در نمازهای جمعه و دو عید فطر و قربان و استسقاء (طلب باران) و کسوف (ماه و خورشید گرفتگی) را با صدای بلند می‌خواند.

پیامبر^۲ در رکعت آخر را کوتاه‌تر از دو رکعت اول و به اندازه نصف آن می‌خواند که گاهی به اندازه پانزده آیه به طول می‌انجامید و گاهی هم به خواندن سوره فاتحه در آنها اکتفا می‌کرد.

سپس وقتی از قرائت فارغ می‌شد قدری سکوت می‌کرد، پس از آن دستهایش را بلند کرده و الله اکبر می‌گفت و به رکوع می‌رفت و دو کف دستش را روی زانوهایش قرار می‌داد و بین انگشتانش فاصله می‌انداخت و دستهایش را محکم بر زانوهایش می‌گذاشت طوریکه گویا آنها را گرفته است. بین دو آرنج و پهلوهایش فاصله می‌انداخت و پشتش را هموار می‌کرد و تمام آن را در یک سطح قرار می‌داد به طوریکه اگر بر آن آب ریخته می‌شد، می‌ایستاد و نمی‌ریخت.

در رکوعش آرام می‌گرفت و سه بار می‌گفت: «سبحان ربی العظیم» و در حالت رکوع اذکار و ادعیه‌ی متنوعی را می‌خواند، و از قرائت قرآن در رکوع و سجود نهی می‌فرمود.

پس از «سمع الله لمن حمده» گفتن، از رکوع بلند می‌شد، و به هنگام راست شدن، دستهایش را بالا می‌برد و در حالی که ایستاده بود می‌گفت: «ربنا ولك الحمد». و گاهی بر آن اذکاری را می‌افزود، سپس الله اکبر گفته و برای سجده پایین می‌رفت و دستهایش را قبل از زانوهایش بر زمین قرار می‌داد و بر دو کف دستش قرار گرفته و آنها را باز می‌کرد و انگشتانش را رو به قبله به هم می‌چسباند و آنها را گاهی برابر شانه‌ها و گاهی برابر گوشهایش قرار می‌داد و بینی و پیشانی‌اش را محکم و استوار بر زمین می‌نهاد و می‌فرمود: به من امر شده تا بر هفت عضو سجده کنم: بر پیشانی و با دستش به بینی‌اش اشاره کرد و دو دست، دو زانو و سرپنجه‌ی پاها، و می‌فرمود: (لاصلاة لمن لا یصیب أنفه من الأرض ما یصیب الجبین) «کسی که بینی‌اش را همراه با پیشانی بر زمین نگذارد، نمازش صحیح نیست». و در سجده‌اش آرام می‌گرفت و سه بار «سبحان ربی الاعلی» می‌گفت، و انواع اذکار و ادعیه (مشروع) را در سجده می‌خواند، هر بار با دعا و ذکر، به زیاد دعا کردن در این رکن (سجود) امر می‌کرد سپس با الله اکبر گفتن، سرش را از

سجده بلند می‌کرد و پای چپش را پهن می‌کرد و با آرامش بر آن می‌نشست و پای راستش را (به حالت عمودی بر زمین) نصب می‌کرد و انگشتان این پا را رو به قبله می‌کرد و می‌فرمود: **(اللهم اغفر لي و ارحمني، و اجرني، وارفعني، واهدني، و عافني و ارزقني)** «خداوندا! مرا ببخش و به من رحم کن و مرا بی‌نیاز کن و مقام مرا بالا ببر و مرا هدایت فرما و به من سلامتی ببخش و مرا روزی ده». سپس الله اکبر می‌گفت و مانند سجده اول، سجده دوم را انجام می‌داد سپس با گفتن الله اکبر سرش را بلند می‌کرد و بر پای چپش با حالتی متعادل می‌نشست تا تمام اعضا در جای خودشان آرام گیرند سپس در حالی که بر زمین تکیه می‌زد برای رکعت دوم بلند می‌شد و رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا می‌آورد، با این تفاوت که رکعت دوم را کوتاه‌تر از رکعت اول می‌خواند.

پس بعد از پایان رکعت دوم برای تشهد می‌نشست، اگر نماز دو رکعتی بود مانند حالت جلوس بین دو سجده پای چپ را فرش کرده بر آن می‌نشست و در تشهد اول در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی نیز همین کار را انجام می‌داد و وقتی برای تشهد می‌نشست کف دست راستش را روی ران راستش و کف دست چپش را روی ران چپش قرار می‌داد، کف دست چپش را پهن می‌کرد و انگشتان دست راستش را مشت می‌کرد و با انگشت سبابه (به طرف قبله) اشاره و به آن نگاه می‌کرد، و به هنگام بلند کردن انگشت آن را تکان داده و دعا می‌خواند. می‌فرمود: **(لهي أشد على الشيطان من الحديد يعني السبابة)** «این عمل حرکت سبابه) برای شیطان از آهن سخت‌تر است».

سپس پیامبر² در هر دو رکعت تشهد می‌خواند و در تشهد اول و دوم بر خودش صلوات می‌فرستاد و آنرا برای امتش مشروع قرار داد و در نمازش (در تشهد) دعاهای متنوع می‌خواند.

سپس به طرف راستش سلام می‌داد و می‌فرمود: **«السلام عليكم و رحمة الله»** و به طرف چپش هم به همین ترتیب سلام می‌داد و بعضی اوقات «و برکاته» را به سلام اولش اضافه می‌کرد.

فهرست

ارکان نماز:

نماز، فرایض و ارکانی دارد که اصل آن را تشکیل می‌دهند به طوریکه اگر فرضی یا رکنی انجام نگیرد، آن نماز شرعاً اعتبار ندارد.

ارکان نماز عبارتند از :

1- تکبیره الاحرام :

از علی بن ابی طالب^t روایت است که پیامبر² فرمود :

(مفتاح الصلاة الطهور و تحريمها التكبير و تحليلها التسليم)^[278] «کلید نماز، وضو، تحريم آن، تکبيره الإحرام، و پایان آن سلام است».

از ابوهريره t روايت است که پیامبر r به کسی که نمازش را بد خوانده بود فرمود: (إذا قمت إلى الصلاة فكبر)^[279] «هرگاه خواستی نماز بخوانی، الله أكبر بگو».

2- ایستادن در نمازهای فرض برای کسی که توانایی دارد:

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) (بقره: 238)

«و فروتنانه برای خدا به پا خیزید».

پیامبر r به حالت ایستاده نماز می‌خواند و به عمران بن حصین هم دستور داد که به حالت ایستاده نماز بخواند و فرمود: (صل قائماً، فإن لم تستطع فقاعداً، فإن لم تستطع فعلى جنب)^[280] «ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی نشسته و اگر نتوانستی بر پهلو نماز بخوان».

3- خواندن فاتحه در هر رکعت:

از عباده بن صامت t روايت است که پیامبر r فرمود:

(لاصلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب)^[281] «کسی که سوره فاتحه را (در نمازش) نخواند، نمازش قبول نیست». و پیامبر r به کسی که نمازش را بد خوانده بود دستور داد که سوره فاتحه را بخواند: (ثم افعل ذلك في صلاتك كلها)^[282] «و این عمل (خواندن فاتحه) را در تمام رکعات نمازت انجام بده».

4 و 5- رکوع و آرامش در آن:

به دلیل فرموده خداوند متعال:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا رَكَعُوا وَ اسْجُدُوا ...) (حج: 77)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود کنید».

و به دلیل فرموده پیامبر r به کسی که نمازش را بد خوانده بود: (ثم اركع حتى تطمئن راعياً)^[283] «سپس رکوع را بجا بیاور تا اینکه در آن آرام بگیری».

6، 7- اعتدال بعد از رکوع و آرامش در آن:

از ابومسعود انصاری t روایت است که گفت : پیامبر r فرمود : (لاتجزی ء صلاة لایقیم الرجل فیها صلبه فی الركوع و السجود) [284] «نمازی که شخص در آن پشتش را هنگام رکوع و سجود راست نکند صحیح نیست».

و پیامبر r به کسی که نمازش را بد خوانده بود فرمود : (ثم ارفع حتی تعدل قائما) [285] «سپس بلند شو تا راست قرار گیری».

8 و 9- سجده، و آرامش در آن :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا رَكَعُوا وَ اسْجُدُوا ...) (حج : 77)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود کنید».

و به دلیل فرموده پیامبر r به کسی که نمازش را بد خوانده بود : (ثم اسجد حتی تطمئن ساجدا ثم ارفع حتی تطمئن جالسا، ثم اسجد حتی تطمئن ساجدا) [286] «سپس سجده کن تا در آن حالت آرام گیری، بعد سرت را بلند کن تا اینکه به حالت نشسته آرام گیری، سپس سجده کن تا اینکه در سجده آرام گیری».

اعضای سجده:

از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود : (أمرت أن أسجد علی سبعة أعظم : علی الجبهة و أشار بیده علی أنفه، و الیدین، و الركبتین و أطراف القدمین) [287] «به من امر شده است تا بر هفت عضو سجده برم، بر پیشانی و با دستش به بینی‌اش اشاره کرد، دو دست، دو زانو و سرپنجه‌های پاها». و نیز از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود : (لاصلاة لمن لا یصیب أنفه من الأرض ما یصیب جبینه) [288] «کسی که بینی‌اش همراه با پیشانی‌اش بر زمین قرار ندهد نمازش صحیح نیست».

10 و 11- نشستن بین دو سجده و آرامش در آن :

به دلیل فرموده پیامبر r : (لاتجزی صلاة لایقیم فیها الرجل صلبه فی الركوع و السجود) [289] «کسی که در رکوع و سجود پشتش را راست نکند نمازش صحیح نیست» و به دلیل اینکه پیامبر r به کسی که نمازش را بد خواند امر فرمود که این عمل را انجام بدهد، همانطور که ذکر آن در رکن سجده گذشت.

12- تشهد آخر :

از ابن مسعود t روایت است : (کنا نقول قبل أن یفرض علینا التشهد : السلام علی الله*) . اللام علی جبریل و میکائیل، فقال رسول الله r : لاتقولوا هكذا، ولكن قولوا :

التحيات لله...» [290] «قبل از آنکه تشهد بر ما فرض شود می‌گفتیم: سلام بر الله، سلام بر جبرئیل، و میکائیل، پیامبر r فرمود: این چنی نگویید، بلکه بگویید: التحیات لله...».

فهرست

فایده:

صحیح‌ترین لفظ تشهد، تشهدی است که ابن مسعود [روایت کرده و گفته است: در حالیکه دستم در دست پیامبر r بود تشهد را همانطوریکه سوره‌ای از قرآنرا به من یاد می‌داد آموخت: (التحيات لله والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا و على عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا عبده و رسوله) [291] «هر لفظی که بر سلام و ملک و بقاء دلالت کند فقط شایسته خداوند متعال است و هر دعایی که با آن تعظیم خداوند متعال مقصود باشد فقط لایق او است و هر صلوات و دعا و کلام پاکی فقط لایق خداوند متعال است، سلام، رحمت و برکات الله بر شما باد ای پیامبر، سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا، شهادت می‌دهم که هیچ معبود بر حق غیر از الله نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست».

فایده دیگر:

در باره فرموده‌ی پیامبر r (السلام عليك أيها النبي ورحمة الله و بركاته) حافظ ابن حجر در فتح الباری (2/314) می‌گوید:

در بعضی از طرق حدیث ابن مسعود تفاوتی بین زمان حیات پیامبر r و پس از او ذکر شده است. بدین صورت که در زمان پیامبر r سلام به لفظ خطاب، اما بعد از او به لفظ غایب (السلام على النبي) گفته می‌شد.

در «کتاب الاستئذان» صحیح بخاری، از طریق ابی معمر آمده که ابن مسعود بعد از روایت حدیث تشهد گفت: (و هو بین ظهرانینا، فلما قبض قلنا السلام یعنی على النبي) «(این در حالی بود که) پیامبر r در میان ما بود، زمانی که وفات کرد گفتیم السلام یعنی: على النبي». این روایت بخاری است.

و «ابوعوانه» در صحیح خود و «سراج» و «جوزفی» و «ابونعیم اصفهانی» و «بیهقی» از طرق متعدد تا «ابونعیم» شیخ بخاری با لفظ (فلما قبض قلنا السلام على النبي) به حذف لفظ «یعنی نقل کرده‌اند و همینطور «ابوبکر بن ابی شیبه» آن را از «ابونعیم» روایت کرده است.

سکبی در «شرح منهاج» پس از آنکه این روایت را تنها از «ابوعوانه» نقل کرده گوید: اگر این (اثر) از صحابه ثابت باشد، دلالت می‌کند بر اینکه بعد از پیامبر r خطاب در سلام (السلام عليك أيها النبي) واجب نیست. لذا گفته شود (السلام على النبي). می‌گویم (ابن

(حجر) : در صحت این روایت شکی نیست و متابعی قوی بر آن یافتیم. عبدالرزاق می‌گوید :

ابن جریر از عطا به ما خبر داد که صحابه در زمان حیات رسول الله ﷺ می‌گفتند :
(السلام علیک ایها النبی)، همین که وفات کرد گفتند : (السلام علی النبی). و اسناد صحیح است. - أه.

آلبانی در «صفه الصلاه» (ص 126) می‌گوید : این امر حتماً به دستور پیامبر ﷺ بوده است و اینک عایشه (رض) به همین صورت تشهد را به اصحاب یاد می‌داد که بگویند (السلام علی النبی) این مطلب را تأیید می‌کند.

«سراج» در مسندش (ج 1/2/9) این حدیث را آورده است «مخلص» در الفوائد (ج 1/54/11) به دو سند صحیح از عایشه آن را آورده است.

13- صلوات بر پیامبر ﷺ بعد از تشهد اخیر

به دلیل حدیث فضاله بن عبید أنصاری که می‌گوید : پیامبر ﷺ مردی را دید که نماز می‌خواند، و بدون اینکه خدا را ستایش کند و ثنای او را بگوید و بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستد نمازش را تمام کرد، پیامبر ﷺ فرمود : (عجل هذا) «این عجله کرد» سپس او را صدا زد و به او دیگران فرمود : (إذا صلی أحدکم فلیبدأ بتمجید ربه و الثناء علیه، و لیصل علی النبی ﷺ، ثم یدعو بما شاء)^[292]. «هرگاه یکی از شما خواست نماز بخواند ابتدا پروردگارش را به بزرگی یاد کند، او را ثنا گوید و بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستد سپس هر دعایی که خواست بخواند.

از ابومسعود روایت است : در حالیکه نزد پیامبر ﷺ بودیم، مردی آمد و نزد او نشست، گفت : ای رسول خدا، صلوات خدا بر تو باد، سلام را یاد گرفتیم حال چگونه در نماز بر تو صلوات بفرستیم؟ (ابومسعود) گوید : پیامبر ﷺ ساکت شد تا جایی که آروز کردیم ای کاش آن مرد از او سؤال نمی‌کرد، سپس فرمود : (إذا أنتم صلیتم علی فقولوا : اللهم صل علی محمد النبی الأمی و علی آل محمد ... الحدیث)^[293] : «وقتی خواستید بر من صلوات بفرستید بگویید : اللهم صل علی محمد النبی الأمی و علی آل محمد...» یعنی : خداوندا! بر محمد پیامبر اُمی و آل محمد صلوات بفرست. (*)

فایده:

بهترین الفاظ صلوات بر پیامبر ﷺ، آن است که کعب بن عجره نقل کرده، و می‌گوید : گفتیم ای رسول خدا دانستیم چگونه بر تو سلام بفرستیم، صلوات فرستادن بر تو چگونه است؟ فرمود : بگویید : (اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی آل ابراهیم إنک حمید مجید، اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت علی آل ابراهیم إنک حمید مجید)^[294] «خداوندا! بر محمد و آل محمد صلوات بفرست همچنانکه بر آل ابراهیم

صلوات فرستادی به تحقیق تو در هر حالی بسیار ستوده و بسیار بزرگ و با عظمتی، خداوندا! شرف و بزرگواری را که به محمد و آل محمد داده‌ای بیشتر گردان همچنانکه شرف و بزرگواری را برای آل ابراهیم بیشتر کرده‌ای به تحقیق تو در هر حالی بسیار ستوده و بسیار بزرگ و با عظمتی».

14- سلام :

به دلیل فرموده پیامبر r : (مفتاح الصلاة الطهور و تحريمها التكبير و تحليلها التسليم)^[295] «کلید نماز، وضو، تحریم آن تکبیر و پایان آن سلام دادن است».

فهرست

واجبات نماز:

1- تکبیرات انتقال از رکنی به رکنی دیگر و گفتن (سمع الله لمن حمده ربنا و لك الحمد) :

از ابوهریره روایت است : (ان رسول الله r إذا قام إلى الصلاة يكبر حين يقوم، ثم يكبر حين يركع، ثم يقول : سمع الله لمن حمده، حين يرفع صلبه من الركعة، ثم يقولو هوقائم : ربنا لك الحمد، ثم يكبر حين يهوي، ثم يكبر حين يرفع رأسه، ثم يكبر حين يسجد، ثم يكبر حين يرفع رأسه، ثم يفعل ذلك في الصلاة كلها حتى يقضيها، و يكبر حين يقوم من الثنتين بعد الجلوس)^[296]. «پیامبر r وقتی که می‌خواست نماز بخواند، هنگامی که می‌ایستاد می‌فرمود : الله اكبر، سپس وقتی به رکوع می‌رفت، الله أكبر می‌گفت و هنگام بلند شدن از رکوع می‌فرمود : سمع الله لمن حمده و وقتی راست می‌ایستاد می‌فرمود : ربنا لك الحمد. سپس وقتی برای سجده فرود می‌آمد می‌فرمود الله اكبر، و وقتی سرش را از سجده بلند می‌کرد و می‌فرمود الله اكبر و وقتی به سجده می‌رفت می‌فرمود : الله اكبر و وقتی سرش را بلند می‌کرد و می‌فرمود الله اكبر سپس این کار را تا پایان نمازش انجام می‌داد و پس از تشهد اول، هنگام بلند شدن به رکعت سوم الله اكبر می‌گفت. پیامبر r در حدیثی دیگر فرموده است : (صلوا كما رأيتموني أصلي)^[297] «نماز بخوانید همانطور که مرا دیدید نماز می‌خوانم».

و به کسی که نمازش را بد خوانده بود دستور داد که در بین ارکان نماز الله اكبر بگوید و فرمود : (إنه لاتتم صلاة لأحد من الناس حتى يتوضا فيضع الوضوء – یعنی مواضعه – ثم يكبر و يحمد الله عزوجل ويثني عليه، و يقرأ بما شاء من القرآن ثم يقول : الله اكبر، ثم يسجد حتى تظمنن مفاصله، ثم يقول : الله أكبر، و يرفع رأسه حتى يستوي قاعدا، ثم يقول : الله أكبر، ثم يسجد حتى تظمنن مفاصله .. ثم يرفع رأسه فيكبر، فإذا فعل ذلك فقد تمت صلاته)^[298] «نماز هیچ یک از مردم کامل نمی‌شود مگر اینکه به خوبی وضو بگیرد (یعنی به خوبی اعضای وضویش را بشوید) سپس الله اكبر بگوید و حمد و ثنای خدا را به جای آورد و هر اندازه که خواست قرآن بخواند، سپس الله اكبر گفته، به رکوع رود

بطوریکه مفاصلش آرام گیرند، سپس سمع الله لمن حمده بگوید بطوریکه راست بایستد، سپس الله اکبر گفته و به سجده برود بطوریکه مفاصلش آرام گیرند، سپس الله اکبر بگوید و سرش را (از سجده) بلند کند بطوریکه راست بنشیند سپس الله اکبر بگوید و (دوباره) سجده کند بطوریکه مفاصلش آرام گیرند سپس سرش را بلند کند و الله اکبر بگوید و وقتی که این کارها را انجام داد نمازش کامل شده است».

2- تشهد اول :

از ابن مسعود^[299] روایت است که رسول الله^r فرمود :

(إِذَا قَعَدْتُمْ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فَقُولُوا : التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَ الصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادَةِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، ثُمَّ لِيُتَخَيَّرَ أَحَدُكُمْ مِنَ الدَّعَاءِ أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ، فَلْيَدْعُ بِهِ رِيهَ عَزْوَجَلْ)^[299] «در هر دو رکعت که نشستید بگویید : سلام، دعا و هر کلام پاکی به خداوند متعال اختصاص دارد، سلام خدا بر شما باد ای پیامبر خدا، سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا، شهادت می‌دهم که هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. سپس هر دعایی را که دوست دارد انتخاب کند و با آن پروردگارش را بخواند».

و پیامبر^r به کسی که نمازش را به صورت ناصحیح خوانده بود دستور داد که تشهد اول را بخواند و فرمود : (فَإِذَا جَلَسْتَ فِي وَسْطِ الصَّلَاةِ فَاطْمَئِنِّ وَ افْتَرِشْ فَخْذَكَ الْيَسْرَى ثُمَّ تَشْهَدُ)^[300] «وقتی که در وسط نماز نشستی آرام بگیر و پای چپت را پهن کن (و روی آن بنشین) سپس تشهد بخوان».

3- بر نمازگزار واجب است که در وقت نماز خواندن، ستره‌ای در جلوی سجده‌گاهش قرار دهد تا مانع عبور دیگران از جلو نمازگزار و مانع نگاه کردن او به آن سوی ستره شود :

از سهل بن ابی حنمه روایت است که پیامبر^r فرمود :

(إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَصِلْ إِلَى سِتْرَةٍ، وَلْيَدْنِ مِنْهَا، لَا يَقْطَعِ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ).^[301]

«هرگاه یکی از شما خواست نماز بخواند، رو به ستره نماز بخواند و به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند».

از ابن عمر روایت است که پیامبر خدا^r فرمود : (لَا تَصِلْ إِلَّا إِلَى سِتْرَةٍ، وَلَا تَدْعُ أَحَدًا يَمُرُ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَإِنَّ أَبِي فَلَئِقَاتِلُهُ، فَإِنَّ مَعَهُ الْقَرِينَ)^[302] «نماز نخوان مگر رو به ستره و به کسی اجازه نده که از جلوی نماز شما عبور کند و اگر اصرار بر عبور (از جلو نمازت) کرد با او بجنگ چون شیطان با اوست».

ستره، با دیوار یا ستون یا عصایی که در زمین فرو برده شده و یا وسیله‌ی سواری (مانند شتر را) اگر در مقابل خود قرار دهد و نماز بخواند تحقق پیدا می‌کند، و کمترین اندازه ستره شرعی به اندازه پشتی پالان شتر است.^(*)

به دلیل حدیث موسی بن طلحه که از پدرش روایت کرده : پیامبر ﷺ فرمود :

(إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مَوْخِرَةِ الرَّحْلِ فَلْيُصَلِّ، وَ لَا يَبَالُ مِنْ مَرِّ وَرَاءِ ذَلِكَ) [303]
«هرگاه یکی از شما چیزی به اندازه پشتی پالان شتر را روبروی خود قرار دهد نمازش را بخواند و کسی که از آنسوی آن عبور می‌کند توجه نکند».

فهرست

نزدیک شدن نماز گزار به ستره:

از بلال روایت است : (أَنَّهُ صَلَّى وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجِدَارِ نَحْوُ مِنْ ثَلَاثَةِ أَرْعَاقِ) [304]
«پیامبر ﷺ نماز خواند در حالی که فاصله‌ی بین او و دیوار حدود سه ذراع [305] بود».

از سهل بن سعد روایت است : (كَانَ بَيْنَ مِصْلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بَيْنَ الْجِدَارِ مَمَرُ الشَّاةِ) [306]
«بین محل سجده پیامبر ﷺ و دیوار به اندازه عبور گوسفندی فاصله بود».

فهرست

هرگاه ستره‌ای انتخاب کرد اجازه ندهد چیزی میان او و ستره‌اش عبور کند

از ابن عباس روایت است : (أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَصَلِّي فَمَرَّتْ شَاةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَسَاعَاها إِلَى الْقِبْلَةِ حَتَّى أَلْزَقَ بَطْنَهُ بِالْقِبْلَةِ) [307]
«در حالیکه پیامبر ﷺ نماز می‌خواند، گوسفندی خواست از جلوش عبور کند، قبل از رسیدن گوسفند پیامبر ﷺ به طرف قبله حرکت کرد تا شکمش را به قبله (دیوار) چسباند».

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يَصَلِّي فَلَا يَدْخُلُ أَحَدًا يَمْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلِيَدْرَأَهُ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنْ أَبِي فَلْيَقَاتِلْهُ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ) [308]
«هرگاه یکی از شما نماز خواند اجازه ندهد کسی از جلوی او عبور کند، تا می‌تواند مانع او شود (برای اینکه از جلوی نمازش عبور نکند) و اگر سرپیچی کرد با او بجنگد زیرا او شیطان است».

عبور خر، زن و سگ سیاه از جلوی نماز گزار، در صورت نگذاشتن ستره نماز را باطل می‌کند

از عبدالله بن صامت از ابوذر روایت است که گفت : پیامبر ﷺ فرمود : (إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ يَصَلِّي، فَإِنَّهُ يَسْتَرُهُ إِذَا كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ آخِرَةِ الرَّحْلِ، فَإِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ آخِرَةِ

الرحل فإنه يقطع صلاته الحمار والمرأة والكلب الأسود، قلت : يا أبا ذر! مبال الكلب الأسود من الكلب الأحمر من الكلب الأصفر؟ قال : يا ابن أخي، سألت رسول الله ﷺ كما سألتني فقال : الكلب الأسود شيطان» [309] «هرگاه یکی از شما برای نماز ایستاد و در جلوی چیز دیگری مانند پشتی پالان شتر وجود داشت برای او ستره به حساب می‌آید، و اگر در جلوی چیز دیگری مانند پشتی پالان شتر وجود نداشت، عبور خر، زن، و سگ سیاه نمازش را باطل می‌کند، گفتیم (عبدالله بن صامت) ای ابوذر : سگ سیاه با سگ سرخ و زرد چه تفاوتی دارد؟ گفت : ای برادرزاده‌ام همین سؤالی را که از من کردی من از پیامبر ﷺ پرسیدم، فرمود : سگ سیاه شیطان است.»

حرمت عبور از جلوی نماز گزار:

از ابوجهیم روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (لو يعلم المار بین یدی المصلی ماذا علیه، لكان أن يقف أربعين خيرا له من أن يمر بين يديه) [310] «آن کسی که از جلوی نماز گزار عبور می‌کند اگر می‌دانست که مرتکب چه گناهی شده، چهل (سال، ماه، یا روز)...؟ توقف را بر عبور از جلوی نماز گزار ترجیح می‌داد.»

ستره ای امام برای مأموم ستره است:

از ابن عباس روایت است که گفت : (أقبلت راكبا على أتان و أنا يومئذ قد ناهزت الاحتلام و رسول الله ﷺ يصلي بالناس بمني، فمررت بين يدي الصف، فنزلت فأرسلت الأتان ترتع، و دخلت في الصف، فلم ينكر ذلك علي أحد) [311] «در حالی که سوار بر ماده خری بودم و در آستانه رسیدن به سن بلوغ قرار داشتم، آمدم و پیامبر ﷺ را دیدم که در منی برای مردم نماز می‌خواند، از جلوی صف عبور کردم، و پایین آمدم و ماده خر را رها کردم تا بچرد و من داخل صف شدم و هیچ کس مرا از این کار منع نکرد.»

فهرست

سنت‌های نماز:

سنت‌های نماز دو نوع هستند : قولی و فعلی

سنت‌های قولی:

1- دعای استفتاح:

بهترین آن، دعایی است که ابوهریره t روایت کرده و گفته است : پیامبر ﷺ وقتی در نماز تکبیر (احرام) می‌گفت قبل از خواندن فاتحه لحظه‌ای سکوت می‌کرد، گفتیم ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، در سکوتی که بین تکبیر و قرائت می‌کنی چه می‌گویی؟ پیامبر ﷺ فرمود : (اللهم باعد بيني وبين خطيئتي كما باعدت بين المشرق والمغرب، اللهم نقني من خطيئتي كما ينقي الثوب الأبيض من الدنس، اللهم اغسلني بالثلج والماء

و البرد^[312]» خداوندا! بین من و خطاهایم فاصله بیانداز همچنانکه بین مشرق و مغرب فاصله انداختنی، خداوندا! مرا از گناهانم پاک کن همچنانکه لباس سفید از چرک و آلودگی پاک می‌شود، خداوندا! مرا از خطاهایم با برف و آب و تگرگ بشوی.»

2- استعاذه (پناه بردن به خدا از شیطان) :

خداوند متعال می‌فرماید :

(فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) (نحل : 98)

«هنگامی که خواستی قرآن بخوانی از وسوسه‌های شیطان مطرود به خدا پناه ببر.»

ابوسعید خدری از پیامبر^r روایت کرده که : (أنه كان إذا قام إلى الصلاة استفتح ثم يقول أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم من همزه و نفخه و نفثه)^[313] «هنگامی که پیامبر^r می‌خواست نماز بخواند دعای استفتاح را می‌خواند، سپس می‌فرمود: أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، من همزه و نفخه و نفثه، یعنی به خدای شنوا و آگاه پناه می‌برم از شیطان رانده شده، از جنون، کبر، و شعر او.»

3- گفتن آمین :

از وائل بن حجر روایت است : (كان رسول الله^r إذا قرأ ولا الضالين قال آمين و رفع بها صوته)^[314] «پیامبر^r وقتی که ولا الضالین را می‌خواند، با صدای بلند می‌گفت : آمین» و از ابوهریره روایت است که پیامبر^r فرمود : (إذا أمن الإمام فأمنوا، فإن من وافق تأمينه تأمين الملائكة غفرله ما تقدم من ذنبه)^[315] «وقتی امام آمین گفت شما هم آمین بگویید چون کسی که آمین گفتنش همزمان با آمین گفتن ملائکه باشد گناهان (صغیره) پیشینش بخشوده می‌شود.»

4- قرائت بعد از فاتحه:

از ابوقتاده روایت است : (كان النبي^r يقرأ في الركعتين الأولى من صلاة الظهر بفاتحة الكتاب و سورتين، يطول في الأولى و يقصر في الثانية، و يسمع الآية أحيانا، و كان يقرأ في العصر بفاتحة الكتاب و سورتين، و كان يطول في الركعة الأولى من صلاة الصبح و يقصر في الثانية)^[316] «پیامبر^r در دو رکعت اول نماز ظهر فاتحه و دو سوره می‌خواند که رکعت اول را طولانی و دومی را کوتاهتر می‌کرد، و گاهی آیه را طوری می‌خواند که ما آن را می‌شنیدیم. و در نماز عصر فاتحه و دو سوره را قرائت می‌کرد، و رکعت اول نماز صبح را طولانی و رکعت دوم را کوتاهتر می‌خواند.»

از ابوقتاده روایت است : (كان النبي^r يقرأ في الركعتين الأولى من الظهر و العصر بفاتحة الكتاب و سورة، و يسمعا الآية أحيانا، و يقرأ في الركعتين الأخيرين بفاتحة

الكتاب^[317] «پیامبر r در دو رکعت اول نماز ظهر و عصر فاتحه و سوره‌ای را می‌خواند و گاهی آیه را طوری تلاوت می‌کرد که آن را می‌شنیدیم، و در دو رکعت آخر فاتحه را می‌خواند».

بعضی اوقات قرائت (سوره) در دو رکعت آخر سنت است؛ به دلیل حدیث أبوسعید: (أن النبي r كان يقرأ في صلاة الظهر في الركعتين الأوليين في كل ركعة قدر ثلاثين آية، وفي الأخيرين قدر خمس عشر آية، أو قال نصف ذلك، و في العصر في الركعتين الأوليين في كل ركعة قدر قراءة خمس عشر آية، و في الأخيرين قدر نصف ذلك)^[318] «پیامبر r در دو رکعت اول نماز ظهر در هر رکعت به اندازه سی آیه، و در دو رکعت آخر به اندازه پانزده آیه یا گفت نصف آن و در نماز عصر در دو رکعت اول در هر رکعت به اندازه پانزده آیه و در دو رکعت آخر به اندازه نصف آن قرائت می‌کرد».

سنت است که قرائت در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و عشاء، جهری و در نماز ظهر و عصر و رکعت سوم مغرب و دو رکعت آخر عشاء سری باشد.

5- تسبیح در رکوع و سجود :

از حذیفه روایت است : (صلیت مع النبي r فكان يقول في ركوعه : سبحان ربی العظیم، و فی سجوده : سبحان ربی الأعلى)^[319] «با پیامبر r نماز خواندم، در رکوعش می‌فرمود : سبحان ربی العظیم و در سجودش می‌فرمود : سبحان ربی الأعلى».

از عتبه بن عامر روایت است : (كان رسول الله r إذا ركع قال : سبحان ربی العظیم و بحمده، ثلاثاً، و إذا سجد قال : سبحان ربی الأعلى و بحمده ثلاثاً)^[320] «پیامبر r وقتی به رکوع می‌رفت سه بار می‌فرمود : سبحان ربی العظیم و بحمده و وقتی که به سجده می‌رفت سه بار می‌فرمود : سبحان ربی الأعلى و بحمده».

6- اضافه کردن یکی از دعاهای زیر، در اعتدال بعد از رکوع، و بعد از گفتن «ربنا و لك الحمد» : (ملء السماوات و ملء الأرض و ملء ما بينهما، و ملء ما شئت من شيء بعد)^[321] «(این حمد) به پُری آسمانها و زمین و آنچه بین آن دو است و به پُری چیزی که بعد از آنها می‌خواهی».

اگر خواست به همین دعای اضافی اکتفا کند و اگر خواست آن را با دعای زیر کامل نماید : (أهل الثناء والمجد، أحق ما قال العبد، و كلنا لك عبد، لا مانع لما أعطيت، ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد)^[322] «(خداوندا) تو لایق ثنا و بزرگی هستی، تو شایسته‌تر از آن هستی که بنده می‌گوید و همه‌ی ما بنده تو هستیم، آنچه تو عطا می‌کنی هیچ مانعی برای آن نیست و آنچه را تو منع می‌کنی هیچ عطا کننده‌ای برای آن نیست، مال و دارایی نفعی نمی‌رساند آنکه نفع می‌رساند فضل و رحمت تو است».

(ربنا و لك الحمد حمدا كثيرا طيبا مباركا عليه، كما يحب ربنا و يرضى) [323] «پروردگارا! ستایش فقط لایق تو است، ستایشی زیاد، خوب و مبارک، آنطوریکه پروردگارمان دوست دارد و به آن راضی می‌شود».

7- دعای بین دو سجده:

از حذیفه روایت است: (أَنْ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي) [324] «پیامبر ﷺ بین دو سجده می‌فرمود: (رب اغفرلی، رب اغفرلی)، پروردگارا مرا ببخش، پروردگارا مرا ببخش».

از ابن عباس روایت است: (أَنْ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ اجْبِرْنِي وَ اِهْدِنِي وَ ارْزُقْنِي) [325] «پیامبر ﷺ بین دو سجده می‌فرمود: اللهم اغفرلی و ارحمنی و اجبرنی و اهدنی و ارزقنی: خدوندا مرا ببخش و به من رحم کن و بی‌نیازم کن و هدایتم ده و روزیم رسان».

8- صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ بعد از تشهد اول؛ چراکه پیامبر ﷺ این کار را کرده است :

از عایشه آمده که گفت: (كُنَّا نَعْدُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ سِوَاكَ وَ طَهْرَهُ، فَيَبْعَثُهُ اللَّهُ فِيمَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَهُ مِنَ اللَّيْلِ، فَيَتَسَوَّكُ وَ يَتَوَضَّأُ، ثُمَّ يَصَلِّيُ تِسْعَ رَكَعَاتٍ لَا يَجْلِسُ فِيهِنَّ إِلَّا عِنْدَ الثَّمَانَةِ، فَيَدْعُو رَبَّهُ وَ يَصَلِّيُ عَلَى نَبِيِّهِ، ثُمَّ يَنْهَضُ وَ لَا يَسْلُمُ، ثُمَّ يَصَلِّيُ التَّاسِعَةَ، فَيَقْعُدُ، ثُمَّ يَحْمَدُ رَبَّهُ وَ يَصَلِّيُ عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ وَ يَدْعُو، ثُمَّ يَسْلُمُ ...) [326] «ما سواک و آب وضوی پیامبر ﷺ را برایش آماده می‌کردیم و خداوند در هر قسمتی از شب که می‌خواست او را بیدار می‌کرد، سواک می‌زد و وضو می‌گرفت، سپس نه رکعت نماز می‌خواند و تنها در رکعت هشتم می‌نشست و دعا می‌کرد و بر پیامبرش صلوات می‌فرستاد، آنگاه سلام نمی‌داد و بلند می‌شد، و رکعت نهم را می‌خواند و می‌نشست و پروردگارش را حمد می‌کرد و بر پیامبر صلوات می‌فرستاد و دعا می‌کرد و بعد از آن سلام می‌داد...».

9- دعای بعد از تشهد اول و دوم فرقی ندارد:

دعای بعد از تشهد اول: از ابن مسعود روایت است که گفت: پیامبر ﷺ فرمود: هرگاه بعد از دو رکعت نشستید بگویید: (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَ الصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، ثُمَّ لِيَتَخَيَّرَ أَحَدُكُمْ مِنَ الدَّعَاءِ أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ فَلْيَدْعُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ) [327] «هر لفظی که بر سلام و ملک و بقاء دلالت کند فقط شایسته خداوند متعال است، و هر دعایی که با آن تعظیم خداوند متعال مقصود باشد فقط لایق خدا است، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما ای پیامبر خدا، سلام بر ما و بندگان صالح خدا، شهادت می‌دهم که هیچ معبود بر حقی غیر از خدا نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. سپس هر دعایی را که دوست دارد اختیار کند و با آن خدای عزوجل را بخواند».

دعای بعد از تشهد دوم: از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: (إذا فرغ أحدكم من التشهد الآخر فليتعوذ بالله من أربع، من عذاب جهنم، و من عذاب القبر و من فقتنة المحيا و الممات، و من شر المسيح الدجال) [328] «هرگاه یکی از شما تشهد آخر را خواند از چهار چیز به خدا پناه ببرد، از عذاب جهنم، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و مرگ و از شر مسیح دجال».

10- سلام دوم (سلام به سمت چپ) :

پیامبر r دو سلام می‌داد: همچنانکه از ابن مسعود روایت است: (أن النبي r كان يسلم عن يمينه و عن يساره السلام عليكم و رحمة الله، و السلام عليكم و رحمة الله، حتى يری بياض خده) [329] «پیامبر r به طرف راست و چپش سلام می‌داد و می‌فرمود: السلام عيكم و رحمة الله، السلام عليكم و رحمة الله بطوریکه سفیدی گونه‌اش نمایان می‌شد». و بعضی اوقات به یک سلام بسنده می‌کرد، همچنانکه از عایشه روایت است که: (أن النبي r كان يسلم في الصلاة تسليمة واحدة تلقاء وجهه، يميل إلى الشق الأيمن شيئا) [330] «پیامبر r در نماز یک سلام روبرویش می‌داد و رویش را کمی به طرف راستش مایل می‌کرد».

فهرست

سنتهای فعلی:

1- بالا بردن دستها هنگام تکبیره الإحرام، و هنگام رکوع و بلند شدن از رکوع و بلند شدن از تشهد اول :

از ابن عمر روایت است: (أن رسول الله r كان يرفع يديه حذو منكبيه إذا افتتح الصلاة، و إذا كبر للركوع، و إذا رفع رأسه من الركوع رفعهما كذلك أيضا) [331] «پیامبر r وقتی شروع به نماز می‌کرد دستهایش را تا مقابل شانه‌هایش بلند می‌کرد، و هنگام تکبیر گفتن برای رکوع و بلند شدن از آن نیز همین کار را انجام می‌داد».

از نافع روایت است: (أن ابن عمر كان إذا دخل في الصلاة كبر و رفع يديه، و إذا ركع رفع يديه و إذا قال سمع الله لمن حمده رفع يديه، و إذا قام من الركعتين رفع يديه و رفع ذلك إلى النبي r) [332] «ابن عمر وقتی که شروع به نماز می‌کرد الله اکبر می‌گفت و دستهایش را بلند می‌کرد و وقتی که به رکوع می‌رفت دستهایش را بلند می‌کرد و وقتی که می‌گفت سمع الله لمن حمده نیز دستهایش را بلند می‌کرد، و وقتی که از دو رکعت (برای رکعت سوم) بلند می‌شد، دستهایش را بلند می‌کرد؛ ابن عمر این (حدیث) را به پیامبر r نسبت داده است».

سنت است گاهی در هر پایین رفتن و بالا آمدن نماز، دو دست بلند کرده شود؛ به دلیل حدیث مالک بن حویرث: (أنه رأى النبي r رفع يديه في صلاته، و إذا ركع، و إذا رفع رأسه من الركوع، و إذا سجد، و إذا رفع رأسه من السجود، حتى يحاذي بهما فروع

أذنيه) [333] «پیامبر r را در نماز دیدم هنگامی که به رکوع می‌رفت و نیز سرش را از رکوع بلند می‌کرد و نیز به سجده می‌رفت و سرش را از سجده بلند می‌کرد، دستهایش را بالا می‌برد بطوریکه آنها را در کنار گوشهایش قرار می‌داد».

2- قرار دادن دست راست روی دست چپ روی سینه :

از سهل بن سعد روایت است : (كان الناس يؤمرون أن يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعته اليسرى في الصلاة) «مردم امر می‌شدند به اینکه در نماز دست راستشان را روی ساعد چپشان قرار دهند» ابوحازم گفت : یقین دارم که سهل این دستور را به پیامبر r نسبت می‌داد. [334]

از وائل بن حجر روایت است : (صليت مع رسول الله r و وضع يده اليمنى على يده اليسرى على صدره) [335] «با پیامبر r نماز خواندم، (دیدم) دست راستش را بر روی دست چپش، روی سینه‌اش قرار داد».

3- نگاه کردن به محل سجده :

از عایشه (رض) روایت است : (لما دخل رسول الله r الكعبة ما خلف بصره موضع سجوده حتى خرج منها) [336] «وقتی پیامبر r وارد کعبه شد نگاهش از محل سجده‌گاهش تجاوز نکرد تا از آن بیرون شد».

4- انجام دادن اعمال مذکور در احادیث زیر رکوع :

از عایشه روایت است : (كان رسول الله r إذا ركع لم يشخص رأسه و لم يصوبه ولكن بين ذلك) [337] «پیامبر r وقتی به رکوع می‌رفت سرش را نه بلند می‌کرد و نه به زیر می‌افکند بلکه در حدی وسط قرار می‌داد». و از ابوحمید در توصیف نماز پیامبر r روایت است : (وإذا ركع أمكن يديه من ركبتيه ثم هصر ظهره) [338] «وقتی که به رکوع می‌رفت، با دستهایش زانوهایش را محکم می‌گرفت و سپس پشتش را خم می‌کرد».

از وائل بن حجر روایت است : (أن النبي r كان إذا ركع فرج أصابعه) [339] «پیامبر r وقتی به رکوع می‌رفت انگشتانش را از هم باز می‌کرد».

از ابوحمید روایت است : (أن رسول الله r ركع فوضع يديه على ركبتيه كأنه قابض عليهما، و وتر يديه فنحاهما عن جنبيه) [340] «پیامبر r به رکوع می‌رفت و دو دستش را روی دو زانویش قرار می‌داد مانند اینکه آنها را گرفته باشد و دو دستش را خم و از دو پهلویش دور می‌کرد».

5- بر زمین گذاشتن دستها قبل از زانوها هنگام رفتن به سجده :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا سجد أحدكم فلا يبرك كما يبرك البعير و ليضع يديه قبل ركبتيه)^[341] «هرگاه یکی از شما به سجده می‌رود همچون شتر زانو نزند بلکه دستهایش را قبل از زانوهایش (روی زمین) بگذارد».

6- انجام دادن حالات مذکور در احادیث زیر هنگام سجده :

از ابوحمید در توصیف نماز پیامبر r روایت است : (فإذا سجد وضع يديه غير مفترش و لا قابضهما و استقبال بأطراف أصابع رجليه القبلة)^[342] «وقتی که به سجده می‌رفت، دستهایش را روی زمین می‌گذاشت بدون اینکه آنها را بر زمین پهن یا به پهلوها جمع کند. و نوک انگشتان پایش را رو به قبله می‌کرد».

از براء روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا سجدت فضع كفيك و ارفع مرفقيك)^[343] «هرگاه به سجده رفتی، دو کف دستت را (روی زمین) قرار بده و آرنجهایت را از زمین بلند کن».

از عبدالله بن مالک ابن بحینه روایت است که : (أن النبي r كان إذا صلى فرج بين يديه حتى يبدو بياض إبطيه)^[344] «پیامبر r وقتی که نماز می‌خواند بین دستها با پهلوهایش فاصله می‌انداخت به اندازه‌ای که سفیدی زیر بغلش نمایان می‌شد».

از عایشه روایت است : (فقدت رسول الله r و كان معي علي فراشي فوجدته ساجدا راسا عقبية مستقبلا بأطراف أصابعه القبلة)^[345] «پیامبر r در بسترم بود، (شبانگاه) دیدم در بستر نیستم، (دنبالش گشتم) او را در حال سجده یافتم که پاشنه پاهایش را به هم چسبانده و نوک انگشتان پاهایش را رو به قبله کرده بود».

از وائل بن حجر روایت است : (أتيت المدينة فقلت : لانظرن إلى صلاة رسول الله r فذكر بعض الحديث و قال : ثم هوى، فسجد، فصار رأسه بين كفيه)^[346] «به مدینه آمدم و گفتم حتماً به نماز پیامبر r نگاه می‌کنم، (وائل) قسمتی از حدیث را ذکر کرد و گفت : سپس پیامبر r فرود آمد و به سجده رفت و سرش را بین دو کف دستش قرار داد».

از وائل بن حجر روایت است : (أن النبي r إذا سجد ضم أصابعه)^[347] «پیامبر r وقتی که به سجده می‌رفت انگشتانش را به هم می‌چسبانده».

از براء روایت است : (كان رسول الله r إذا سجد فوضع يديه بالأرض استقبال بكفيه و أصابعه القبلة)^[348] «پیامبر r وقتی که به سجده می‌رفت و دستهایش را روی زمین قرار می‌داد، دو کف دست و انگشتانش را رو به قبله می‌کرد».

7- نشستن بین دو سجده به حالتی که در احادیث زیر می‌آید :

از عایشه روایت است : (وكان يفرش رجله اليسرى و ينصب رجله اليمنى)^[349] «پیامبر r پای چپش را پهن و پای راستش را (روی زمین) نصب می‌کرد».

از ابن عمر روایت است : (من سنة الصلاة أن تنصب القدم اليمنى، و استقباله بأصابعها القبلة، و الجلوس على اليسرى)^[350] «نصب نمودن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن و نشستن بر پای چپ از سنتهای نماز است».

از طاوس روایت است : (قلنا لابن عباس في الإقعاء على القدمين، فقال : هي السنة، فقلنا له إنا لنراه جفاء بالرجل، فقال ابن عباس : بل هي سنة نبيك^r).^[351]

«از ابن عباس درباره إقعاء (نصب پاها و نشستن روی پاشنه‌ها) سؤال کردیم گفت : سنت است به او گفتیم، این کار جفا به پا است. ابن عباس گفت : نه، بلکه آن سنت پیامبر شما^r است».

8- برای یک لحظه نشستن بعد از سجده دوم (در رکعت اول و سوم) :

از ابوقلابه روایت است : مالک بن حویرث لیثی به ما خبر داد : (أنه رأى النبي^r يصلی، فإذا كان في وتر من صلاته لم ينهض حتى يستوي قاعدا)^[352] «پیامبر^r را دیدم که نماز می‌خواند، و هنگام خواندن رکعات فرد نمازش تا به صورت کامل نمی‌نشست، بلند نمی‌شد».

9- تکیه زدن بر زمین هنگام بلند شدن برای رکعت بعدی :

ایوب از ابوقلابه روایت نموده : (جاءنا مالک بن الحویرث فصلی بنا فی مسجدنا هذا، فقال : أنى لأصلی بکم و ما أريد الصلاة، ولكن أريد أن أريكم كيف رأيت النبي^r يصلی. قال أيوب : فقلت لأبي قلابة و يكف كانت صلاته؟ قال مثل صلاة شيخنا هذا – یعنی عمرو بن سلمة. قال أيوب : وكان ذلك الشيخ يتم التكبير، و إذا رفع رأسه عن السجدة الثانية جلس و اعتمد على الأرض ثم قام)^[353] «مالک بن حویرث نزد ما آمد و در این مسجدمان پیشنماز ما شد و گفت : من برای شما نماز می‌خوانم و منظورم نماز نیست بلکه می‌خواهم به شما نشان دهم چگونه پیامبر^r را دیدم نماز می‌خواند، ایوب گفت : به ابوقلابه گفتم : نمازش چگونه بود؟ گفت : مانند این نماز شیخ ما – یعنی عمرو بن سلمه – ایوب گفت : و آن شیخ، الله أكبر را می‌گفت و وقتی که سرش را از سجده دوم بلند می‌کرد می‌نشست سپس با تکیه بر زمین بلند می‌شد».

10- نشستن در دو تشهد به صورتی باشد که در این احادیث می‌آید :

از ابوحمید در توصیف نماز پیامبر^r روایت است : (فإذا جلس في الركعتين جلس على رجله اليسرى و نصب اليمنى، و إذا جلس في الركعة الآخرة قدم رجله اليسرى و نصب الأخرى و قعد على مقعدته)^[354] . «وقتی بعد از رکعت دوم می‌نشست روی پای چپش می‌نشست و پای راستش را نصب می‌کرد و وقتی در رکعت آخر می‌نشست پای چپش را زیر پای راستش می‌برد و پای راستش را نصب می‌کرد و روی نشیمنگاهش می‌نشست».

از ابن عمر روایت است : (أن رسول الله ﷺ كان إذا جلس في الصلاة وضع كفه اليمنى على فخذة اليمنى و قبض أصابعه كلها و أشار بأصبعه التي تلى الإبهام، و وضع كفه اليسرى على فخذة اليسرى) [355] «پیامبر ﷺ وقتی در نماز می‌نشست کف دست راستش را روی ران راستش قرار می‌داد و تمام انگشتانش را می‌بست و با انگشت سبابه اشاره می‌کرد و کف دست چپش را روی ران چپش قرار می‌داد».

از نافع روایت است : (كان عبدالله بن عمر رضي الله عنهما إذا جلس في الصلاة وضع يديه على ركبتيه و أشار بأصبعه و أتبعها بصره ثم قال : قال رسول الله ﷺ «لهي أشد على الشيطان من الحديد يعني السبابه») [356] «عبدالله بن عمر رضي الله عنهما وقتی در نماز می‌نشست دو دستش را روی دو زانویش قرار می‌داد و با انگشتش اشاره می‌کرد و به آن نگاه می‌کرد، سپس گفت پیامبر ﷺ فرمود : این انگشت سبابه برای شیطان از آهن سخت‌تر است».

فهرست

اذکار و دعاهای مشروع بعد از نماز:

1- از ثوبان روایت است : پیامبر ﷺ وقتی سلام نماز را می‌داد سه بار استغفار می‌کرد و می‌فرمود : (اللهم أنت السلام و منك السلام تباركت يا ذا الجلال و الإكرام) «خداوند! تو سلام هستی و سلامتی از طرف توست. خیرهایت فراوانند ای صاحب شکوه و بزرگواری».

ولید گفت ک به اوزاعی گفتم استغفار چگونه است؟ گفت : می‌گویی : أستغفر الله، أستغفر الله. [357]

2- از ابوزبیر روایت است : ابن زبیر بعد از هر نمازی که سلام می‌داد می‌گفت : (لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير لا حول و لا قوة إلا بالله لا إله إلا الله، ولا نعبد إلا إياه له النعمة وله الفضل و له الثناء الحسن، لا إله إلا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون) «هیچ معبود بر حقی غیر از خدا نیست، یکتای بدون شریک است، ملک و ستایش برای اوست و او بر هر چیزی توانا است. هیچ حرکت و قوتی نیست مگر به مشیت الله، هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست، تنها او را عبادت می‌کنیم، نعمت و فضل و ستایش نیکو برای اوست، هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست، عبادت‌مان خالصانه برای اوست گرچه کافران دوست نداشته باشند» و (ابن زبیر) گفت : پیامبر ﷺ این ادعیه را بعد از هر نمازی می‌خواند. [358]

3- از وراد مولای مغیره بن شعبه روایت است : مغیره بن شعبه به معاویه نوشت که: هرگاه نماز پیامبر ﷺ تمام می‌شد و سلام می‌داد و می‌فرمود : (لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير اللهم لا مانع لما أعطيت و لا معطي لما منعت و لا ينفع ذا الجد منك الجد) [359] «هیچ معبود بر حقی غیر از خدا نیست، تنها است و

هیچ شریکی برای او نیست ملک و ستایش برای او است و او بر هر چیزی توانا است خداوندا آنچه تو عطا می‌کنی هیچ مانعی برای آن نیست و آنچه را تو منع می‌کنی هیچ عطاکننده‌ای برای آن نیست و مال و دارایی نفعی نمی‌رساند آنکه نفع می‌رساند تویی».

4- از کعب بن عجره روایت است که پیامبر r فرمود : (معقبات لایخیب قائلهن - أو فاعلن - : ثلاث و ثلاثون تسبیحة، و ثلاث و ثلاثون تحمیدة، و أربع و ثلاثون تکبیرة، فی دبر کل صلاة) [360] «پس از هر نمازی اذکاری وجود دارند که گوینده یا انجام دهنده آنها هیچ وقت ناکام نمی‌ماند، سی و سه بار سبحان الله گفتن، سی و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن».

از ابوهریره روایت است : پیامبر r فرمود : (من سبح الله فی دبر کل صلاة ثلاثا و ثلاثین و حمد الله ثلاثا و ثلاثین، و کبر الله ثلاثاً و ثلاثین، فتلك تسعه و تسعون، و قال تمام المئة : لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، و هو علی کل شیء قدير غفرت خطایاه و إن کانت مثل زبد البحر) [361] «کسی که بعد از هر نماز سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار الله اکبر بگوید - این نود و نه - و صدا را با لا إله إلا الله وحده لا شریک له له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدير کامل کند گناهانش بخشوده می‌شود اگرچه مانند کف دریا (زیاد) باشد».

5- از معاذ بن جبل روایت است : روزی پیامبر r دستم را گرفت و به من فرمود : (یا معاذ والله إني لأحبك، فقلت : بأبي أنت و أمي، والله إني لأحبك. قال : یا معاذ إني أوصیک لاتدعن أن تقول دبر كل صلاة : اللهم أعنی علی ذکرک و شکرک و حسن عبادتک) [362] (ای معاذ به خدا قسم من ترا دوست دارم؛ گفتم : پدرم و مادرم فدایت به خدا قسم من هم تو را دوست دارم، فرمود : ای معاذ! به تو وصیت می‌کنم که بعد از هر نمازی این دعا را ترک نکن : اللهم أعنی علی ذکرک و شکرک و حسن عبادتک، خداوندا! مرا بر ذکر و شکر نعمتها و خوب انجام دادن عبادتت یاری فرما».

6- از ابو امامه روایت است که پیامبر r فرمود : (من قرأ آية الكرسي دبر كل صلاة مكتوبة لم يمنعه من دخول الجنة إلا أن يموت) [363] «هرکس بعد از هر نماز فرضی آیه الكرسي را بخواند تنها زنده بودنش مانع رفتن او به بهشت می‌شود (پس از مرگ به بهشت می‌رود)» . و محمد بن ابراهیم در روایتش (قل هو الله أحد) را هم اضافه کرده است.

7- از عقبه بن عامر روایت است : (أمرني رسول الله r أن أقرأ بالمعوذات دبر كل صلاة) [364] «پیامبر r به من امر کرد که بعد از هر نمازی «معوذتین» (سوره ناس و فلق) را بخوانم».

8- از ام سلمه روایت است : پیامبر r بعد از سلام دادن نماز صبح می‌فرمود : (اللهم إني أسألك علما نافعاً و رزقا طيباً و عملاً متقبلاً) [365] «خدایا از تو علمی نافع و رزقی پاک و عملی قبول شده را طلب می‌کنم».

مکروهات نماز:

1- بیهوده با لباس یا بدن بازی کردن :

از معیقب روایت است : (أن النبي r قال في الرجل يسوي التراب حيث يسجد قال : إن كنت فاعلا فواحدة)^[366] «پیامبر r درباره مردی که هنگام سجده، خاک محل سجده را صاف می‌کرد فرمود : اگر خواستی این کار را بکنی فقط یکبار انجام بده».

2- اختصار، و آن حالتی است که نمازگزار دستش را روی خالصه‌اش (خالی‌گاه کمرش) قرار دهد :

از ابوهریره r روایت است : (نهى أن يصلی الرجل مختصرا)^[367] «نهی شده است که شخص به حالت اختصار نماز بخواند».

3- نگاه کردن به آسمان :

از ابوهریره روایت است که : پیامبر r فرمود : (لینتهین أقوام عن رفعهم أبصارهم عند الدعاء في الصلاة إلى السماء أو لتخطفن أبصارهم)^[368] «آنانی که در هنگام دعا در نماز چشمانشان را به آسمان بلند می‌کنند، باید از این عملشان دست بکشند، وگرنه به شدت بینایی‌شان گرفته می‌شود».

4- نگاه کردن به اطراف بدون ضرورت :

از عایشه روایت است : از پیامبر r درباره نگاه کردن به اطراف در نماز سؤال کردم، فرمود : (هو اختلاس يختلسه الشيطان من صلاة العبد)^[369] «یک دزدی پنهانی است که شیطان از نماز بنده می‌رباید».

5- نگاه کردن به چیزی که انسان را به خود مشغول کند :

از عایشه روایت است که پیامبر r در لباسی نقش و نگار دار نماز خواند سپس فرمود : (شغلنتی أعلام هذه، إذهبوا بها إلى أبي جهم، و أتونی بأبجائيته)^[370] «نقش و نگارهای این (لباس) مرا به خود مشغول کرد، آن را برای ابوجهم ببرید و آنجائیه (لباس ساده و بدون نقش و نگار) او را برایم بیاورید».

6- (سدل الثوب) فروهستن لباس و پوشاندن دهان :

از ابوهریره روایت است که : (أن رسول الله r نهى عن السدل في الصلاة و أن يغطي الرجل فاه)^[371] «پیامبر r از فروهستن لباس و پوشاندن دهان در نماز نهی فرمود».

شمس الحق در عون المعبود (2/347) گوید : خطابی گوید : «سدل» یعنی فروهستن لباس بر تن به طوری که به زمین برسد.

و (شوکانی) در «نیل» گوید : أبو عبیده در (غریب الحدیث) می‌گوید : سدل این است که مرد بدون آنکه دو طرف لباسش را از جلو به خود بپیچد آن را رها کند، اگر آن را به خود بپیچد سدل محسوب نمی‌شود.

صاحب «نهایه» گوید : یعنی اینکه کسی با لباسش خود را بپیچاند و دستهایش را داخل آن قرار دهد و به همین حالت به رکوع و سجده برود.

(صاحب نهایه) گوید : و این شامل پیراهن و سایر لباسها می‌شود.

در ادامه می‌گوید : گفته شده که «سدل» حالتی است که شخص وسط ازارش (لباسش) را روی سرش قرار دهد و بدون آنکه دو طرف آن را روی شانه‌هایش قرار دهد آن را رها کند.

جوهری گوید : (سدل ثوبه، یسدله، سدلا) یعنی لباسش را فروهشته کرد. می‌توان این حدیث را بر تمامی این معانی حمل کرد، چون سدل در بین همه این حالات مشترک است و حمل (کلمه‌ای) مشترک بر تمامی معانی آن مذهب‌ی قوی است - آه.

7- خمیازه کشیدن :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (التثاؤب فی الصلاة من الشیطان، فإذا تثاؤب أحدکم فلیکظم ما استطاع)^[372] «خمیازه کشیدن در نماز از شیطان است، پس هرگاه کسی از شما خواست خمیازه بکشد تا می‌تواند آن را فرو برد».

8- انداختن آب دهان به طرف قبله یا به طرف راست خود :

از جابر روایت است که پیامبر r فرمود : (إن أحدکم إذا قام یصلی فإن الله تبارک و تعالی قبل وجهه، فلا یبصقن قبل وجهه و لاعن یمینه، ولیبصق عن یساره تحت رجله الیسری فإن عجلت به بادره فلیقل بثوبه هكذا، ثم طوی ثوبه بعضه علی بعض)^[373] «وقتی یکی از شما برای نماز می‌ایستد، خداوند تبارک و تعالی روبرویش است، پس هرگز نباید آب دهانش را به مقابل یا طرف راست خود بیاندازد، بلکه باید آن را به سمت چپ، زیر پای چپش بیاندازد و اگر به طور ناگهانی خارج شد فوراً با لباسش این کار را بکند، سپس پیامبر r (برای نشان دادن) طرفی از لباسش را به طرفی دیگر مالید».

9- داخل نمودن انگشتان در همدیگر :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا توضأ أحدکم فی بینه ثم أتى المسجد کان فی صلاة حتی یرجع، فلا یقل هكذا : و شبک بین أصابعه)^[374] «هرگاه یکی از شما در خانه‌اش وضو گیرد سپس به مسجد آید تا زمانی که باز می‌گردد در نماز است پس این کار را انجام ندهد و (برای نشان دادن) انگشتانش را در هم داخل نمود».

10- جمع کردن مو و لباس :

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر r فرمود : (أمرت أن أسجد على سبعة، لا أكف شعرا ولا ثوبا)^[375] «به من امر شده تا بر هفت (عضو) سجده برم و در حال سجده موی سر و لباسم را جمع نکنم».

11- قرار دادن زانوها قبل از دستها (روی زمین) هنگام رفتن به سجده :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا سجد أحدكم فلا يبرك كما يبرك البعير و ليضع يديه قبل ركبتيه)^[376] «هرگاه یکی از شما به سجده رفت، مانند شتر با زانوبر زمین ننشیند، بلکه دستهایش را قبل از زانوهایش (روی زمین) بگذارد».

12- پهن کردن ساعد روی زمین هنگام سجده :

از انس روایت است که پیامبر r فرمود :
(اعتدلوا في السجود، ولا يبسط أحدكم ذراعيه، انبساط الكلب)^[377] . «در سجده اعتدال را رعایت کنید و هیچ یک از شما مانند سگ ساعدهایش را پهن نکند».

13- نماز در حالت حاضر بودن غذا و یا تنگی وضو (ادرار و مدفوع) :

از عایشه روایت است : از پیامبر r شنیدم که می فرمود : (لاصلاة بحضرة الطعام، ولا وهو يدافعه الأخبثان)^[378] «در حالت حاضر بودن غذا و فشار ادرار و مدفوع، نمازی نیست».

14- پیشی گرفتن بر امام :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (أما يخشى أحدكم إذا رفع رأسه قبل الإمام أن يجعل الله رأسه رأس حمار، أو يجعل الله صورته صورة حمار)^[379] «آیا وقتی یکی از شما سرش را قبل از امام بلند می کند (از او پیشی می گیرد) نمی ترسد از اینکه خداوند سرش را مانند سر خر یا صورتش را مانند صورت خر بگرداند».

آنچه در نماز مباح است:

1- راه رفتن هنگام ضرورت :

از عایشه روایت است : (كان رسول الله ﷺ يصلي في البيت، و الباب عليه مغلق، فجئت فاستفتحت فمشى ففتح لي، ثم رجع إلى مصلاه، و وصفت أن الباب في القبلة).^[380]

«پیامبر ﷺ در خانه نماز می‌خواند، در از داخل قفل بود. من آمدم و در زدم، پیامبر حرکت کرد و در را برای من باز کرد سپس به محل نمازش بازگشت و (عایشه) اظهار کرد که در، در جهت قبله بود.»

2- حمل کودک :

از ابوقتاده روایت است : (أن رسول الله ﷺ كان يصلي و هو حامل أمامة بنت زينب بنت رسول الله ﷺ ولأبي العاص بن الربيع فإذا قام حملها و إذا سجد وضعها)^[381] «پیامبر ﷺ در حالی که امامه دختر ابو العاص بن ربیع و زینب، دختر پیامبر ﷺ را حمل می‌کرد، نماز می‌خواند وقتی که بلند می‌شد او را برمی‌داشت و وقتی به سجده می‌رفت او را روی زمین می‌گذاشت.»

3- کشتن عقرب و مار در نماز :

از ابوهریره روایت است : (أن رسول الله ﷺ أمر بقتل الأسودين في الصلاة، العقرب و الحية)^[382] «پیامبر ﷺ به کشتن عقرب و مار در نماز امر فرمودند.»

4- التفات به عقب و اشاره‌ی قابل فهم هنگام ضرورت :

از جابر روایت است : (اشتكى رسول الله ﷺ فصلينا وراءه و هو قاعد، فالتفت إلينا فرأنا قياما فأشار إلينا فقعدنا)^[383] «پیامبر ﷺ مریض بود، و در حالیکه نشسته نماز می‌خواند ما به او اقتدا کردیم، سپس رو به ما کرد و دید که ایستاده‌ایم، به ما اشاره کرد، و ما نشستیم.»

5- گرفتن آب دهان با لباس یا درآوردن دستمال از جیب :

به دلیل حدیثی که قبلاً از جابر^[384] درباره نهی از انداختن آب دهان رو به قبله، روایت شد.

6- دادن جواب سلام با اشاره، در پاسخ کسی که سلام کند :

از عبدالله بن عمر روایت است : (خرج رسول الله ﷺ إلى قباء يصلي فيه. فجاءته الأنصار فسلموا عليه و هو يصلي، قال : فقلت لبلال : كيف رأيت رسول الله ﷺ يرد عليهم حين كانوا يسلمون عليه و هو يصلي؟ قال : يقول هكذا، و بسط كفه و بسط جعفر بن عون كفه، و جعل بطنه أسفل، و جعل ظهره إلى فوق)^[385] «پیامبر ﷺ به قبا رفت تا در آنجا نماز بخواند،

انصار نزد او آمدند و در حالی که پیامبر در نماز بود بر او سلام کردند (ابن عمر) گوید : به بلال گفتم پیامبر r در حالی که در نماز بود و آنان (انصار) بر او سلام کردند چگونه جواب سلام آن را داد؟ گفت به این صورت : کف دستش را باز کرد، جعفر بن عون – راوی – هم کف دستش را باز کرد و کف دستش رو به پایین و پشت دستش را رو به بالا کرد».

7- سبحان الله گفتن مردان و دست زدن زنان، هنگام اتفاقی که در اثنای نماز روی می‌دهد :

از سهل بن سعد روایت است که پیامبر r فرمود : (یا أيها الناس مالکم حین نابکم شیء فی الصلاة أخذتم فی التصفیق، إنما التصفیق، للنساء، من نابه شیء فی صلاته فلیقل سبحان الله، فإنه لا یسمعه أحد حین یقول سبحان الله، إلا التفت...) [386] «ای مردم شما را چه شده، وقتی در نماز مسئله‌ای پیش می‌آید شروع به دست زدن می‌کنید، دست زدن مخصوص زنان است، هرگاه در نماز مسئله‌ای پیش آمد، بگویید : سبحان الله چون وقتی سبحان الله می‌گوئید هر کسی آنرا بشنود متوجه می‌شود...».

8- یادآوری اشتباه امام (فتح) :

از ابن عمر روایت است : (أن النبی صلی صلاة فقرأ فیها فلبس علیه، فلما انصرف قال لأبی : أصلیت معنا؟ قال نعم. قال : فما منعک؟) [387] «پیامبر r نمازی خواند و در قرائت قرآن دچار اشتباه شد وقتی سلام داد به اُبی (ابن کعب) فرمود : آیا با ما نماز خواندی؟ گفت بله، پیامبر r فرمود : پس چه چیزی تو را (از تصحیح اشتباهم) منع کرد؟».

9- لمس پای کسی که خوابیده :

از عایشه روایت است : (كنت أمد رجلی فی قبلة النبی r و هو یصلی، فإذا سجد غمزنی فرفعتها، فإذا قام مددتها) [388] «در حالیکه پیامبر r نماز می‌خواند، پاهایم را (در حال خواب) در محل سجده او دراز می‌کردم، وقتی به سجده می‌رفت، پایم را لمس می‌کرد، من هم آن را جمع می‌کردم و وقتی که بلند می‌شد، دوباره پایم را دراز می‌کردم».

10- درگیر شدن با کسی که قصد عبور از جلوی نمازگزار را دارد :

از ابوسعید روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود : (إذا صلی أحدکم إلى شیء یستره من الناس، فأراد أحد أن یجتاز بین یدیه فلیدفع فی نحره فإن أبی فلیقاتله فإنما هو شیطان) [389] «هرگاه یکی از شما رو به ستره‌ای که مانع بین او و مردم است نماز بخواند، و کس دیگری بخواهد از جلوی او عبور کند، باید به سینه‌ی او بزند و او را از این کار باز دارد و اگر سرپیچی کرد، با او درگیر شود؛ چون او شیطان است».

11- گریه کردن :

از علی روایت است : (ما كان فينا فارس يوم بدر غير المقداد، ولقد رأيتنا و ما فينا إلا نائم إلا رسول الله ﷺ تحت شجرة يصلى و يركب حتى أصبح) [390] «روز بدر در بین ما هیچ اسب سواری غیر از مقداد نبود می‌دید که همگی خوابیده بودیم، غیر از پیامبر ﷺ که تا صبح، زیر درختی نماز می‌خواند و گریه می‌کرد».

فهرست

باطل کننده های نماز:

1- یقین در باطل شدن وضو :

از عباد بن تمیم از عمویش روایت است که در خصوص کسی که در نماز احساس خروج چیزی می‌کند، از پیامبر ﷺ سؤال کرد. پیامبر ﷺ فرمود : (لا يفتل – أو لا ينصرف – حتى يسمع صوتا أو يجد ريحا) [391] «تا صدایی نشنود یا بویی را احساس نکند (از نماز) منصرف نشود».

2- بطور عمد ترک کردن رکنی از ارکان یا شرطی از شروط نماز بدون عذر :

به دلیل فرموده پیامبر ﷺ به کسی که نمازش را به صورت ناصحیح خوانده بود : (إرجع فصل فإنك لم تصل) [392] «برگرد و نماز بخوان زیرا تو نماز نخوانده‌ای». همچنین به دلیل اینکه پیامبر ﷺ به شخصی که به اندازه در همی از پشت پایش خشک مانده بود، دستور داد که وضو و نمازش را اعاده کند. [393]

3- خوردن و آشامیدن عمدی :

ابن منذر می‌گوید : علماء اجماع کرده‌اند بر اینکه اگر کسی در نماز فرض، عمداً بخورد یا بیاشامد لازم است نمازش را اعاده کند [394]. و نزد جمهور علماء نماز سنت نیز همینطور است؛ چون چیزی که فرض را باطل کند، سنت را نیز باطل می‌کند.

4- حرف زدن عمدی بدون مصلحت در نماز :

از زید بن أرقم روایت است : (كنا نتكلم في الصلاة يكلم الرجل منا صاحبه و هو إلى جنبه في الصلاة، حتى نزلت : (وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ)، فأمرنا بالسكوت و نهينا عن الكلام) [395] «در نماز با هم صحبت می‌کردیم، مردی از ما با کسی که کنارش نماز می‌خواند صحبت می‌کرد تا آیه (وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) نازل شد، سپس به سکوت امر شدیم و از صحبت کردن (در نماز) منع شدیم».

5- خندیدن :

ابن منذر نقل کرده که خندیدن، به اجماع نماز را باطل می‌کند. [396]

6- عبور زن بالغ، خر یا سگ سیاه از بین سجده‌گاه نمازگزار و ستره‌اش :

به دلیل فرموده پیامبر r : (إذا قام أحدكم يصلي، فإنه يستتره إذا كان بين يديه مثل آخره الرجل فإذا لم يكن بين يديه مثل آخره الرجل فإنه يقطع صلاته الحمار و المرأة والكلب الأسود)^[397] «هرگاه یکی از شما نماز خواند و در مقابل او چیزی مانند پشتی پالان شتر وجود داشت، برای او ستره به حساب می‌آید و اگر در مقابلش چیزی مانند پشتی پالان شتر وجود نداشت، عبور زن، خر و سگ سیاه نمازش را باطل می‌کند».

فهرست

نماز سنت

فضیلت نماز سنت:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إن أول ما يحاسب به العبد يوم القيامة من عمله صلاته، فإن صلحت فقد أفلح و أنجح، و إن فسدت فقد خاب و خسر، فإن انتقص من فريضة شيئاً قال الرب تبارك و تعالى : أنظروا هل لعبدى من تطوع، فيكمل بها ما انتقص من الفريضة ثم يكون سائر عمله على ذلك)^[398] «اولین چیزی که در روز قیامت انسان از آن محاسبه می‌شود، نماز است، اگر نمازش صحیح باشد، رستگار شده و نجات می‌یابد و اگر خراب و ناقص باشد، زیانکار و خسارتمند می‌شود، و اگر در فرائض نقصی باشد خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید : ببینید آیا بنده‌ام نماز سنت دارد تا با آن کاستی‌های نمازهای فرضش کامل شود؛ سپس سایر اعمالش نیز به همین ترتیب مورد محاسبه قرار می‌گیرد».

مستحب بودن خواندن نماز های سنت در خانه:

از جابر روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا قضى أحدكم الصلاة فى مسجده فليجعل لبيته نصيباً من صلاته، فإن الله جاعل فى بيته من صلاته نورا)^[399] «هرگاه کسی از شما نماز (فرض) را در مسجد خواند قسمتی از نمازها را برای خانه بگذارد؛ چون خداوند به واسطه نماز نوری را در خانه‌اش قرار می‌دهد».

از زید بن ثابت روایت است که پیامبر r فرمود : (عليكم بالصلاة فى بيوتكم، فإن خير صلاة المرء فى بيته إلا الصلاة المكتوبة)^[400] «در خانه‌هایتان نماز بخوانید؛ چون بهترین نماز شخص، نماز در خانه‌اش است غیر از نمازهای فرض (که باید در مسجد خوانده شوند)».

انواع نماز سنت:

نماز سنت دو نوع است : مطلق و مقید

سنت مقید به سنتهای رواتب قبل و بعد از نماز (فرض) گفته می‌شود و بر دو نوع می‌باشد : سنت مؤکده و غیر مؤکده.

سنت مؤکده ده رکعت است :

از ابن عمر روایت است : (حفظت عن النبي r عشر ركعات : ركعتين قبل الظهر و ركعتين بعدها، و ركعتين بعد المغرب، و ركعتين بعد العشاء، و ركعتين قبل صلاة الصبح، و كانت ساعة لا يدخل على النبي r فيها. فحدثتني حفصة أنه كان إذا أذن المؤذن و طلع الفجر صلى ركعتين)^[401] «از پیامبر r ده رکعت را به خاطر سپردم، دو رکعت قبل از ظهر، دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشاء، دو رکعت قبل از نماز صبح، و آن وقتی بود که کسی بر پیامبر r وارد نمی‌شد، حفصه به من خبر داد که وقتی مؤذن اذان می‌گفت و فجر طلوع می‌کرد، پیامبر r دو رکعت نماز می‌خواند».

از عایشه (رض) روایت است : (أن النبي r كان لا يدع أربعاً قبل الظهر، و ركعتين قبل الغداة)^[402] «پیامبر r چهار رکعت (سنت) قبل از ظهر و دو رکعت (سنت) قبل از نماز صبح را ترک نمی‌کرد».

سنتهای غیر مؤکده عبارتند از : دو رکعت قبل از نمازهای عصر، مغرب و عشاء :

از عبدالله بن مغفل روایت است که پیامبر r فرمود : (بين كل أدنين صلاة، بين كل أدنين صلاة، ثم قال في الثالثة لمن شاء)^[403] «بین هر اذان و اقامه نماز است، بین هر اذان و اقامه نماز است و در سومین بار فرمود : برای کسی که بخواهد».

مواظبت کردن بر چهار رکعت قبل از نماز عصر مستحب است :

از علی روایت است : (كان النبي r يصلي قبل العصر أربع ركعات يفصل بينهما بالتسليم على الملائكة المقربين و من تبعهم من المسلمين و المؤمنين)^[404] «پیامبر r قبل از نماز عصر چهار رکعت نماز می‌خواند و بین هر (دو رکعت) با درود بر ملائکه مقربین و مسلمین و مؤمنین و پیروان آنان، فاصله می‌انداخت».

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : (رحم الله امرا صلى قبل العصر أربعاً)^[405] «رحمت خدا بر کسی باد که قبل از عصر چهار رکعت (نماز سنت) می‌خواند».

روایاتی که درباره قرانت پیامبر r در بعضی از این نمازها آمده است :

از عایشه روایت است : پیامبر r فرمود : (نعمت السورتان يقرأ بهما في ركعتين قبل الفجر «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون»)^[406] «چه نیکو است که دو سوره «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون» در دو رکعت قبل از نماز صبح خوانده شود».

از ابوهریره روایت است : (أن رسول الله r قرأ في ركعتي الفجر «قل يا أيها الكافرون» و «قل هو الله أحد»)^[407] «پیامبر r در دو رکعت (سنت) صبح «قل يا أيها الكافرون» و «قل هو الله أحد» می‌خواند».

از ابن عباس روایت است : (أن رسول الله r كان يقرأ في ركعتي الفجر في الأولى منهما قولوا آمنا بالله وما أنزل إلينا الآية التي في البقرة و في الآخرة منهما : آمنا بالله و اشهد

بأنا مسلمون» [408] «پیامبر r در رکعت اول نماز (سنت) صبح (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا) را که در سوره بقره است، و در رکعت دوم آیة (آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشهد بأنا مسلمون) را می‌خواند».

از ابن مسعود روایت است : (ما أحصى ما سمعت رسول الله r يقرأ فى الركعتين بعد المغرب و فى الركعتين قبل الفجر بقل يا أيها الكافرون و قل هو الله أحد) [409] «آنقدر شنیده‌ام که رسول الله r در دو رکعت (سنت) بعد از نماز مغرب و دو رکعت قبل از نماز صبح سوره‌های «قل يا أيها الكافرون» و «قل هو الله أحد» را می‌خواند، که نمی‌توانم آن را بشمارم».

فهرست

وتر

حکم و فضیلت وتر:

نماز وتر سنتی مؤکده است که پیامبر r بر خواندن آن تشویق و ترغیب کرده است :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إن الله وتر، يحب الوتر) [410] «خداوند

وتر (تنها) است و وتر را دوست دارد».*

از علی روایت است : خواندن نماز وتر همانند نمازهای فرض، الزامی نیست، ولیکن پیامبر r نماز وتر خوانده و فرموده : (يا أهل القرآن أوتروا فإن الله وتر يحب الوتر) [411] «ای اهل قرآن! (نماز) وتر بخوانید؛ چراکه خداوند وتر (تنها) است و وتر را دوست دارد».

وقت وتر:

خواندن نماز وتر بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر جایز است ولی خواندن آن در یک سوم آخر شب اجر بیشتری دارد، از عایشه روایت است : (من كل الليل قد أوتر رسول الله r، من أول الليل و أوسطه و آخره، فانتهی وتره إلى السحر) [412] «پیامبر r در تمام شب وتر را خوانده است، در اول، وسط، و در آخر شب و و تراو به سحر منتهی می‌شد».

برای کسی که بیم دارد آخر شب بیدار نشود مستحب است که وترش را اول شب بخواند همچنانکه برای کسی که گمان می‌کند آخر شب بیدار می‌شود، تأخیر آن سنت است :

از ابوقتاده روایت است که پیامبر r به ابوبکر فرمود : **(متی توتر)** «کی وتر می‌خوانی؟» گفت : می‌خواهم (بعد بلند می‌شوم) و وتر می‌خوانم، پیامبر r به ابوبکر فرمود : **(أخذت بالحزم أو بالوثيقة)** [413] «محکم کاری و احتیاط کردی» و به عمر فرمود : **(أخذت بالقوة)** «کارت همراه با قدرت و نیرو بود».

از عایشه روایت است : **(كان النبي r يصلی و أنا راقدة معترضة علی فراشه، فإذا أراد أن یوتر أیقظنی فأوترت)** [414] «پیامبر r نماز می‌خواند در حالیکه من روی بسترش خوابیده بودم، وقتی می‌خواست نماز وتر بخواند مرا بیدار می‌کرد و من هم نماز وتر را می‌خواندم».

تعداد رکعات وتر و چگونگی آن:

کمترین حد نماز وتر یک رکعت است. از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : **(صلاة اللیل متنی متنی، فإذا خشی أحدکم الصبح صلی رکعة واحدة توتر له ما قد صلی)** [415] «نماز شب دو رکعت دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بیم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد یک رکعت نماز بخواند و با آن نمازهای قبلی‌اش را وتر کند».

جایز است نماز وتر، سه یا پنج یا هفت یا نه رکعت خوانده شود :

از عایشه روایت است : **(ما كان رسول الله r یزید فی رمضان ولا فی غیره علی إحدى عشرة رکعة، یصلی أربعا فلاتسأل عن حسنهن و طولهن، ثم یصلی ثلاثا)** [416] «پیامبر r چه در رمضان و چه در غیر رمضان از یازده رکعت بیشتر نمی‌خواند چهار رکعت می‌خواند که از خوبی و طولانی بودن آن سؤال نکن، سپس چهار رکعت می‌خواند که از خوبی و طولانی بودن آن سؤال نکن. سپس سه رکعت می‌خواند».

از عایشه روایت است : **(كان رسول الله r یصلی من اللیل ثلاث عشرة رکعة، یوتر من ذلك بخمس لایجلس فی شی إلا فی آخرها)** [417] «پیامبر r، در شب سیزده رکعت نماز می‌خواند، پنج رکعت آخر را با یک سلام وتر می‌خواند. تنها در رکعت آخر آن (برای تشهد) می‌نشست».

از عایشه روایت است : **(كنا نعد له r سواکه و طهوره، فیبعثه الله ما شاء أن یبعثه من اللیل فیتسوک و یتوضأ، و یصلی تسع رکعات لایجلس فیها إلا فی الثامنة، فیزکر الله و یحمده و یدعوه، ثم ینهض ولا یسلم، ثم یقوم فیصلی التاسعة، ثم یقعد فیزکر الله و یحمده و یدعوه، ثم یسلم تسلیما یسمعا، ثم یصلی رکعتین بعدما یسلم و هو قاعد، تلك إحدى عشرة رکعة یا بنی، فلما أسن نبی الله r و أخذ اللحم أوتر بسبع، و صنع فی الرکتین مثل صنیهه الأول، فتلک تسع یا بنی)** [418] «ما سواک و آب وضوی پیامبر r را آماده می‌کردیم،

از ابومالک اشجعی (سعد بن طارق) روایت است : (قلت لأبي : يا أبت إنك قد صليت خلف رسول الله ﷺ و أبي بكر و عمر و عثمان و علي هاهنا بالكوفة، نحواً من خمس سنين. فكانوا يقنتون في الفجر؟ فقال : أي بني محدث) «به پدرم گفتم : ای پدر! تو پشت سر پیامبر ﷺ ابوبکر، عمر، عثمان و همچنین پشت سر علی همین جا در کوفه نزدیک پنج سال نماز خواندی آیا آنان در نماز صبح قنوت می‌خواندند؟ (پدرم) جواب داد : ای پسر! (این کار) بدعت است».

محال است که پیامبر ﷺ عملی را تا پایان عمر (مبارکش) هر صبح بعد از رکوع انجام داده و با صدای بلند بگوید : (اللهم اهدني فيمن هديت وتولني فيمن توليت) و همواره اصحابش پشت سر او آمین بگویند ولی این امر برای امت معلوم نشود تا جایی که نه تنها اکثر امتش بلکه جمهور اصحاب و یا تمام آنها، آنرا ضایع کرده باشند بطوریکه بعضی از آنها بگویند آن بدعت است، همانطور که سعد بن طارق اشجعی گفته است. [423]

فهرست

نماز شب (قیام اللیل):

نماز شب^(*) [424]، سنتی استحبابی و از مهمترین ویژگیهای متقین است. خداوند متعال می‌فرماید :

(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ. كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ. وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ) (ذاریات : 15-19)

«پرهیزگاران (متقین) در میان باغهای بهشت و چشمه‌ساران خواهند بود، دریافت می‌دارند چیزهایی را که پروردگارشان به ایشان مرحمت فرموده باشد؛ چراکه آنان پیش از آن (در سرای جهان) از زمره نیکوکاران بوده‌اند. آنان اندکی از شب می‌خفتند و در سحرگاهان درخواست آمرزش می‌کردند و در اموال و دارایی‌هایشان حقی و سهمی برای گدایان و بینوایان تهی‌دست بود».

از ابومالک اشجعی روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (إن في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها و باطنها من ظاهرها، أعدّها الله تعالى لمن أطعم الطعام، و ألان الكلام، و أدام الصيام، و صلى بالليل و الناس نيام) [425] «در بهشت اتاقهایی است که از درون، بیرون آنها و از بیرون درون آنها نمایان است، خداوند آنها را برای کسی آماده کرده است که (به فقرا) طعام می‌دهند، و به نرمی سخن می‌گویند، و شبانگاهان در حالی که مردم در خوابند نماز می‌خوانند».

تأکید بر استحباب نماز شب در رمضان بیشتر است :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r بر قیام رمضان تشویق می‌کرد بدون آنکه بر الزامی بودن آن امر کند و می‌فرمود: **(من قام رمضان إيمانا و احتسابا غفر له ماتقدم من ذنبه)** [426] «کسی که از روی ایمان و به امید پاداش الهی شبهای ماه رمضان را با نماز زنده بدارد همه‌ی گناهان (صغیره‌ی) پیشین بخشوده خواهد شد».

تعداد رکعات نماز شب :

حداقل آن یک رکعت و حداکثر آن یازده رکعت است، به دلیل حدیث عایشه: **(ما كان رسول الله r يزيد في رمضان ولا في غيره على إحدى عشرة ركعة)** [427] «پیامبر r چه در رمضان و چه در غیر رمضان بیش از یازده رکعت نمی‌خواند».

مشروعیت جماعت در نماز شب در رمضان :

از عایشه (رض) روایت است که پیامبر r شبی در مسجد نماز خواند، جماعتی از مردم پشت سرش اقتدا کردند، شب بعد نماز خواند و مردم بیشتری به وی اقتدا کردند، سپس در شب سوم یا چهارم مردم (برای تراویح) در مسجد منتظر ماندند، ولی پیامبر r به مسجد نرفت، وقتی صبح شد فرمود: **(قد رأيت الذي صنعتم، ولم يمنعني من الخروج إليكم إلا أني خشيت أن تفرض عليكم)** «آنچه را که دیشب انجام دادید (جمع شدنشان در مسجد) دیدم، تنها چیزی که مانع آمدنم به سوی شما شد، این بود که بیم داشتم بر شما فرض گردد» عایشه می‌گوید این واقعه در رمضان روی داد. [428]

از عبدالرحمن بن قاری روایت است: **(خرجت مع عمر بن الخطاب ليلة في رمضان إلى المسجد، فإذا الناس أوزاع متفرقون، يصلي الرجل لنفسه، و يصلي الرجل فيصل إلى بصلاته الرهط، فقال عمر: إني أرى لو جمعت هؤلاء على قاري واحد لكان أمثل، ثم عزم فجمعهم على أبي بن يمامون عنها أفضل من التي يقومون - يريد آخر الليل - و كان الناس يقولون أوله)** [429] «در شبی از شبهای رمضان با عمر بن خطاب به مسجد رفتم، در آن هنگام مردم متفرق و پراکنده بودند، هر کس برای خودش نماز می‌خواند، یکی به تنهایی نماز می‌خواند، و دسته‌ای به او اقتدا می‌کردند، عمر گفت به نظرم اگر اینها را پشت سر یک امام جمع کنم بهتر است، سپس تصمیم گرفت و آنها را پشت سر ابی بن کعب جمع کرد، پس از آن شبی دیگر با او خارج شدم، در حالیکه مردم پشت سر امامشان نماز می‌خواندند، عمر گفت: این بدعت خوبی است البته کسانی که می‌خوانند و در آخر شب بیدار می‌شوند اجرشان بیشتر از کسانی است که اول شب نماز می‌خوانند، عبدالرحمن گوید: مردم در آن زمان اول شب نماز می‌خواندند».

مستحب بودن خواندن نماز شب با خانواده در غیر رمضان :

از ابوسعید روایت است که پیامبر r فرمود: **(إذا أيقظ الرجل أهله من الليل فصليا - أو صلى ركعتين جميعا - كتبنا من الذاکرين الله كثيرا و الذاکرات)** [430] «هرگاه مرد شبانه

همسرش را بیدار کند و با هم نماز بخوانند، از جمله کسانی به حساب می‌آیند که بسیار ذکر و یاد خدا می‌کنند».

قضای نماز شب:

از عائشه روایت است: (كان رسول الله ﷺ إذا فاتته الصلاة من الليل من وجع أو غيره صلى من النهار ثنتي عشرة ركعة)^[431] «پیامبر ﷺ وقتی که نماز شب را بخاطر بیماری یا غیره فوت می‌شد در روز دوازده رکعت می‌خواند».

از عمر بن خطاب روایت است: پیامبر ﷺ فرمود: (من نام عن حزبه من الليل أو من شئ منه فقرأه ما بين صلاة الفجر و صلاة الظهر كتب له كأنما قرأه من الليل)^[432] «اگر کسی نتوانست بدلیل خواب ماندن حزب مقررش یا قسمتی از آن را در شب بخواند، و آن را در فاصله نمازهای صبح و ظهر بخواند، بمنزله اینست که آن را در شب خوانده است».

کسی که به نماز شب عادت دارد، مکروه است آنرا ترک کند:

از عبدالله بن عمر و بن عاص روایت است: پیامبر ﷺ به من فرمود: (يا عبدالله لاتكن مثل فلان، كان يقوم الليل فترك قيام الليل)^[433] «ای عبدالله مانند فلانی مباش که نماز شب می‌خواند، سپس آن را ترک کرد».

فهرست

نماز ضحی (نماز اوابین):

مشروعیت نماز ضحی:

از ابوهریره روایت است: (أوصاني خليلي ﷺ بثلاث: بصيام ثلاثة أيام في كل شهر، و ركعتي الضحى، و أن أوتر قبل أن أنام)^[434] «دوست و محبوبم پیامبر ﷺ مرا به سه چیز سفارش کرد: به روزه گرفتن سه روز در هر ماه و دو رکعت نماز ضحی و خواندن نماز وتر قبل از آنکه بخوابم».

فضیلت نماز ضحی:

از ابوذر روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (يصبح على كل سلامي من أحدكم صدقة، فكل تسبيحة صدقة، وكل تحميدة صدقة، و كل تهليلة صدقة، و كل تكبيرة صدقة، و أمر بالمعروف صدقة، ونهي عن المنكر صدقة، و يجزي من ذلك ركعتان يركعهما من الضحى)^[435] «در هر روز بخاطر هر بند و مفصلی بر شما صدقه لازم است، پس هر سبحان الله، و الحمد لله، و لا إله إلا الله، و هر الله أكبر صدقه است و همچنین امر به معروف و نهی از منکر صدقه به حساب می‌آید و خواندن دو رکعت نماز ضحی جای همه آنها را می‌گیرد».

تعداد رکعات نماز ضحی :

با توجه به احادیثی که ذکر شد حداقل آن دو رکعت و حداکثر آن هشت رکعت است :

از أم هانی روایت است : (أن النبی r یوم فتح مكة اغتسل فی بیتها فصلی ثمان رکعات)^[436] «پیامبر r روز فتح مکه در خانه‌ی من غسل کرد و هشت رکعت نماز خواند».

بهترین اوقات ادای نماز ضحی :

از زید بن أرقم روایت است : پیامبر r بر اهل قبا وارد شد در حالی که (اهل قبا) نماز ضحی می‌خواندند، فرمود : (صلاة الأوابین إذا رمضت الفصل)^[437] من الضحی)^[438] «نماز اوابین هنگامی است که سُم بچه شتر از شدت گرمای شن قبل از ظهر (ضحی) می‌سوزد».

فهرست

نماز بعد از وضو (سنت وضو):

از ابوهریره روایت است پیامبر r هنگام نماز صبح به بلال فرمود : (یا بلال أخبرنی بأرجی عمل عملته فی الإسلام، فانی سمعت دف نعلیک بین یدی فی الجنة، قال ما عملت عملاً أرجی عندی انی لم أتطهر طهوراً فی ساعة من لیلٍ أو نهار إلا صلیت بذلک الطهور ما کتب لی أن أصلی)^[439] «ای بلال به من بگو امیدوارکننده‌ترین عملی که در اسلام انجام دادی کدام است، زیرا من صدای کفشهایت را پیشاپیش خودم در بهشت شنیدم، بلال گفت : امیدوار کننده‌ترین کاری که انجام داده‌ام این بوده است که در طول شبانه روز هیچ وضویی نگرفتم، مگر اینکه آنچه برایم مقدر شده بود، نماز خواندم».

نماز استخاره:

هر کس قصد انجام کاری مهمی نمود، مستحب است در مورد آن از خداوند متعال طلب خیر (استخاره) کند همانطور که در این حدیث آمده است :

از جابر روایت است : پیامبر r استخاره در تمام کارها را مانند سوره‌ای از قرآن به ما یاد می‌داد و می‌فرمود هرگاه کسی از شما خواست کار مهمی را انجام دهد دو رکعت نماز غیر فرض بخواند؛ سپس بگوید : (اللهم انی استخیرک بعلمک و أستقدرک بقدرتک، وأسألك من فضلک العظیم. فانک تقدر و لا أقدر، و تعلم، و لا أعلم و أنت علام الغیوب، اللهم ان کنت تعلم أن هذا الأمر خیر لی فی دینی و معاشی و عاقبة أمری – أو قال فی عاجل أمری و آجله – فاقدره لی و إن کنت تعلم أن هذا الأمر شر لی فی دینی و معاشی و عاقبة أمری – أو قال : فی عاجل أمری و آجله – فاصرفه عنی و اصرفنی عنه، و اقدر لی الخیر حیث کان ثم رضنی به و یسمى حاجته)^[440] «خداوندا! به سبب علمت از تو طلب خیر می‌کنم و به سبب قدرتت از تو طلب قدرت می‌کنم و از فضل عظیم تو

می‌خواهم، چون تو توانایی و من ناتوانم، و تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو بسیار دانای غیبی، خداوندا اگر می‌دانی که این کار ... برای دین، دنیا و عاقبت کارم – یا فرمود برای حال یا آینده‌ام – خیر است آنرا برای من مقدر کن و اگر می‌دانی که این کار ... به مصلحت دین، دنیا و عاقبت کارم – یا فرمود برای حال یا آینده‌ام – نیست، آنرا از من دور کن و مرا از آن منصرف نما و خیر را هر جا که هست برایم مقدر فرما و مرا از آن خشنود نما، سپس حاجتش را بیان کند».

فهرست

نماز کسوف و خسوف (خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی):

وقتی ماه یا خورشید گرفتگی شد مستحب است کسی بانگ دهد و بگوید: (الصلاة جامعة) «نماز برپاست».

از عبدالله بن عمر روایت است: (لما كسفت الشمس على عهد رسول الله r نودی: إن الصلاة جامعة)^[441] «وقتی خورشید گرفتگی در زمان پیامبر r روی دادند داده شد که: إن الصلاة جامعة».

هنگامیکه مردم در مسجد جمع شدند، امام باید دو رکعت را به صورتی که در این حدیث آمده بخواند:

از عایشه روایت است: (خسفت الشمس في حياة النبي r، فخرج إلى المسجد فصل الناس وراءه فكبر، فاقرأ رسول r قراءة طويلة، ثم كبر، فركع ركوعاً طويلاً، ثم قال: سمع الله لمن حمده، فقام ولم يسجد، وقرأ قراءة طويلة، هي أدنى من القراءة الأولى، ثم كبر وركع ركوعاً طويلاً، وهو أدنى من الركوع الأول، ثم قال سمع الله لمن حمده، ربنا و لك الحمد ثم سجد، ثم قال في الركعة الآخرة مثل ذلك، فاستكمل أربع ركعات في أربع سجادات وانجلت الشمس قبل أن ينصرف)^[442] «در زمان پیامبر r خورشید گرفتگی روی داد، و پیامبر r به مسجد رفت، و مردم پشت سر او صف بستند؛ سپس پیامبر r الله اکبر گفت و قرائتی طولانی خواند؛ سپس با گفتن الله اکبر به رکوع رفت و رکوع را طولانی نمود، سپس سمع الله لمن حمده گفت و ایستاد به سجده نرفت، بلکه قرائتی طولانی که از قرائت اول کوتاهتر بود، خواند؛ سپس الله اکبر گفت و رکوعی طولانی نمود که از رکوع اول کمتر بود سپس فرمود: سمع الله لمن حمده ربنا و لك الحمد، سپس به سجده رفت و رکعت دوم را مثل رکعت اول خواند، تا اینکه چهار رکوع را با چهار سجده (در دو رکعت) کامل کرد و قبل از آنکه سلام دهد خورشید، نمایان شد».

خواندن خطبه بعد از نماز کسوف:

سنت است امام بعد از خواندن نماز کسوف برای مردم خطبه بخواند و آنها را وعظ و ارشاد و تذکر دهد و آنها را به عمل صالح تشویق نماید: از عایشه روایت است که پیامبر r

روزی که خورشید گرفته شد نماز خواند ... سپس (عایشه) چگونگی نماز را ذکر کرد و گفت: بعد از آن (پیامبر r) سلام داد در حالی که خورشید نمایان شده بود؛ سپس برای مردم خطبه خواند و درباره خورشید و ماه گرفتگی فرمود: **(إنهما آیتان من آیات الله، لایخسفان لموت أحد ولألحیاته، فإذا رأیتموهما فافرعوا إلى الصلاة)** [443] «آن دو (خورشید و ماه) از آیات و نشانه‌های خدا هستند و به خاطر مرگ و تولد هیچ کس گرفته نمی‌شوند؛ پس وقتی که (گرفتن) آنها را دیدید به خواندن نماز پناه آورید».

از اسماء روایت است: **(لقد أمر النبی r بالعناقة فی کسوف الشمس)** [444] «پیامبر r هنگام خورشید گرفتگی به آزاد کردن برده دستور داد».

از ابوموسی روایت است: خورشید گرفته شد، پیامبر r به حالت ترس بلند شد، بیم آن داشت که قیامت برپا شود؛ پس به مسجد آمد و نمازی را با طولانی‌ترین قیام و رکوع و سجود خواند بطوریکه هیچوقت او را در چنین حالتی ندیده بودم و فرمود: **(هذه الآيات التي يرسل الله لاتكون لموت أحد ولألحیاته ولكن يخوف الله بها عباده فإذا رأیتم شیئا من ذلك فافزعوا إلى ذکره و دعائه و استغفاره)** [445] «این نشانه‌هایی که خدا بر بندگانش می‌فرستد به مناسبت مرگ با تولد هیچ کس روی نمی‌دهند بلکه خداوند با آنها برای بندگانش می‌فرستد به مناسب مرگ با تولد هیچ کس روی نمی‌دهند بلکه خداوند با آنها بندگان خود را می‌ترساند. پس هرگاه چیزی از آنها را مشاهده کردید به ذکر و دعا و استغفار متوسل شوید».

ظاهر این فرموده پیامبر r (فافزعوا - بشتابید) الخ وجوب را می‌رساند؛ بنابراین نماز کسوف فرض کفایی است همچنانکه ابوعرانه در صحیح‌اش (2/398) تحت عنوان «بیان وجوب صلاة الكسوف» ذکر کرده و سپس بعضی از احادیث صحیح در مورد امر به نماز کسوف را آورده است. قول به وجوب این نماز از ظاهر کلام ابن خزیمه در صحیحش (2/38) نیز فهمیده می‌شود که می‌گوید:

(باب الأمر بالصلاة عند کسوف الشمس و القمر) وی همچنین بعضی از احادیث را درباره امر به نماز کسوف آورده است.

حافظ (ابن حجر) در فتح الباری (2/527) می‌گوید:

جمهور علما معتقدند که نماز کسوف سنت موکده است ولی ابوعرانه در صحیح‌اش به وجوب آن تصریح کرده است و این نظریه را از کسی دیگر ندیده‌ام مگر آنچه که از مالک نقل شده که حکم آرا مانند حکم جمعه دانسته است و «زین بن منیر» وجوب آن را از ابوحنیفه نقل کرده است. همچنین بعضی از مصنفان حنفی مذهب گفته‌اند که نماز کسوف واجب است» [446].

فهرست

نماز استسقاء (طلب باران):

هرگاه باران نبارد و خشکسالی روی دهد، مستحب است مردم برای طلب باران به مصلی بروند و امام برای آنان دو رکعت نماز بخواند و به کثرت دعا و طلب مغفرت بپردازد و طرف راست عبایش را به طرف چپش برگرداند :

از عباد بن تمیم از عمویش عبدالله بن زید روایت است : (خرج النبي r إلى المصلى يستسقى، و استقبل القبلة فصلی رکعتین، و قلب رداءه، قال سفیان فأخبرني المسعودی عن أبي بكر قال : جعل اليمين على الشمال)^[447] «پیامبر r برای خواندن نماز باران به طرف مصلی خارج شد، رو به قبله کرد و دو رکعت نماز خواند؛ سپس عبایش را برگردانید. سفیان گوید : مسعودی به نقل از ابوبکر به من گفت : طرف راست (عبایش) را به طرف چپش برگرداند».

از عباد بن تمیم روایت است : (رأيت النبي r لما خرج يستسقى، قال : فحول إلى الناس ظهره، و استقبل القبلة يدعو، ثم حول رداءه ثم صلى لنا ركعتين، جهر فيهما بالقراءة)^[448] «پیامبر r را هنگامیکه برای نماز باران بیرون رفت دیدم، پشت به مردم و رو به قبله ایستاد و دعا کرد؛ سپس عبایش را برگرداند و دو رکعت نماز را با قرائت جهری برای ما خواند».

فهرست

سجده تلاوت:

ابن حزم در «المحلی» (5/10)، (5/106) گوید :

در قرآن کریم چهارده (آیه) سجده به شرح زیر وجود دارد :

اولین آن در آخر سوره «اعراف»، 2- سوره «رعد»، 3- سوره «نحل»، 4- سوره «سبحان - إسرائ»، 5- سوره «کهيعص - مريم»، 6- اول سوره «حج»، در اواخر سوره «حج» سجده‌ای وجود ندارد، 7- سوره «فرقان»، 8- سوره «نمل»، 9- سوره «التنزيل»، 10- سوره «ص»، 11- سوره «حم فصلت»، 12- آخر سوره «نجم»، 13- سوره «إذا السماء انشقت - انشقاق»، آیه (لایسجدون)، 14- آخر سوره «اقرا باسم ربك - علق».

حکم سجده تلاوت:

(ابن حزم) گوید : سجده تلاوت فرض نیست اما دارای فضیلت است، و می‌توان آن را در نماز فرض و سنت و در غیر نماز و هنگام طلوع و غروب و زوال آفتاب و رو به قبله و غیر آن و با طهارت و بدون طهارت، انجام داد. اھ.

اما دلیل اینکه سجده تلاوت فرض نیست بلکه مستحب است، اینست که پیامبر r سوره «والنجم» را خواند و به سجده رفت [449]، در حالیکه زید بن ثابت «والنجم» را بر پیامبر r خواند و (پیامبر) به سجده نرفت [450]. تا نشان دهد که سجده نبردن هم جایز است همچنین حافظ (ابن حجر) در فتح الباری (2/555) این را ذکر کرده است، ابن حزم در محلی (5/111) می‌گوید :

بخاطر اینکه این سجده، نماز بحساب نمی‌آید پیامبر r بدون وضو و بدون رو کردن به قبله هر طوری که ممکن بود آن را بجای می‌آورد، پیامبر r فرمود : (صلاة الليل و النهار مثنی مثنی) [451] «نماز (سنت) شب و روز دو رکعت دو رکعت است» پس آنچه که کمتر از دو رکعت باشد، نماز نیست مگر اینکه دلیل قاطعی درباره آن بیاید که ثابت کند نماز است مانند طواف و وتر و نماز جنازه، و این در حالی است که هیچ نصی مبنی بر اینکه سجده تلاوت نماز باشد وجود ندارد. اھ.

فضیلت سجده تلاوت:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان يبكي يقول : يا ويله، أمر بالسجود فسجد فله الجنة و أمرت بالسجود فعصيت فلي النار) [452] «وقتی انسان آیه سجده را می‌خواند و سجده را بجای می‌آورد» شیطان به گوشه‌ای می‌رود و گریه می‌کند و می‌گوید : وای بر من، انسان مأمور به سجده گردید، و به سجده رفت پس بهشت برای او است، و من مأمور به سجده شدم اما سرپیچی کردم پس جهنم برای من است».

آنچه در سجده تلاوت خوانده می‌شود:

از عایشه (رض) روایت است : پیامبر r شبانه در سجده‌های تلاوت بارها این دعا را تکرار می‌کرد : «سجد وجهی للذی خلقه و شق سمعه و بصره بحوله و قوته» [453] «سجده برد صورت من برای ذاتی که آن را خلق کرد و با توان و قدرت خود حس شنوایی و بینایی را به او داد».

از علی روایت است : وقتی پیامبر r به سجده می‌رفت می‌فرمود : (اللهم لك سجدت، و بك آمنت، و لك أسلمت، أنت ربی، سجد وجهی للذی شق سمعه و بصره تبارك الله أحسن الخالقين) [454] «خداوندا! برای تو سجده بردم، به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم، تو پروردگار من هستی، سجده برد صورتم برای آنکه شنوایی و بینایی به او بخشیده، خداوند خیر و برکتش چه فراوان است و نیکوترین آفرینندگان است».

از ابن عباس روایت است : نزد پیامبر r بودم، که مردی آمد و گفت : دیشب در خواب دیدم که پای درختی نماز می‌خواندم، (آیه) سجده را خوانده و سجده بردم، درخت با سجده‌ام سجده کرد، شنیدم که درخت می‌گفت : (اللهم احطط عني بها وزرا، و اكتب لي بها أجرا،

واجعلها لي عندك ذخرا) «خداوندا! به خاطر این سجده گناهم را پاک کن و به خاطر آن اجر و پاداشی را برایم بنویس، و آنرا نزد خود برای من ذخیره گردان».

ابن عباس گوید: (فرأيت النبي r قرأ السجدة، فسجد، فسمعتة يقول في سجوده مثل الذي أخبره الرجل عن قول الشجرة)^[455]. «پیامبر r را دیدم که (آیه سجده) را خواند و به سجده رفت، و شنیدم که در سجده‌اش همان دعایی را که آن مرد از قول درخت نقل کرد، می‌خواند».

فهرست

سجده شکر:

مستحب است انسان هنگام برخورداری از نعمت یا دفع بلا و مصیبت و یا دریافت خبری مسرت بخش به تبعیت از پیامبر اکرم r به سجده افتد.

از ابوبکره روایت است: (أن النبي r كان إذا أتاه أمر يسره أو يسر به خر ساجدا شكر الله تبارك و تعالی)^[456] «هرگاه امری خوشایند برای پیامبر r روی می‌داد به شکرگزاری خدای تبارک و تعالی سجده می‌برد». این سجده، حکمش همان حکم سجده تلاوت است.

سجده سهو

ثابت شده که پیامبر r در نماز سهو کرده است و در حدیث صحیح آمده که فرمود: (إنما أنا بشر أنسى كما تنسون، فإذا نسيت فذكروني)^[457] «من بشری هستم که مانند شما فراموش می‌کنم پس هرگاه چیزی را فراموش کردم، آن را به من یادآوری کنید».

و برای امتش احکامی را درباره سجده سهو بیان کرده است که آنرا در زیر خلاصه می‌کنیم:^[458]

1- هرگاه در نماز فرضی که دو تشهد دارند، تشهد اول را فراموش کرد و ننشست

از عبدالله بن بحینه روایت است: (صلى لنا رسول الله r ركعتين من بعض الصلوات، ثم قام فلم يجلس، فقام الناس معه. فلما قضى صلاته و نظرنا تسليمة كبر قبل التسليم فسجد سجدتين و هو جالس، ثم سلم)^[459] «پیامبر r در یکی از نمازها (نماز ظهر) دو رکعت نماز خواند و برای تشهد اول ننشست و بلند شد، مردم هم با او بلند شدند، وقتی که نمازش را تمام کرد و منتظر سلامش بودیم، قبل از آنکه سلام دهد، الله اکبر گفت و نشسته دو سجده برد، سپس سلام داد».

از مغیره بن شعبه روایت است که پیامبر r فرمود: (إذا قام أحدكم من الركعتين فلم يستقم قائما فليجلس، فإذا استتم قائما فلا يجلس و يسجد سجدة السهو)^[460] «هرگاه

یکی از شما تشهد اول را ترک کرد و بلند شد، اگر به طور کامل بلند نشده بود، باید بنشیند و اگر کاملاً بلند شده بود، ننشیند و دو سجده سهو را بجای بیاورد».

2- اگر پنج رکعت بخواند

از عبدالله^t روایت است: (أن رسول الله ﷺ صلى الظهر خمسا، فقيل له: أزيد في الصلاة؟ فقال: و ما ذاك؟ قال: صليت خمسا، فسجد سجدتين بعد ما سلم)^[461] «پیامبر ﷺ نماز ظهر را پنج رکعت خواند، به او گفته شد آیا به نماز اضافه شده است؟ فرمود: چی شده؟ گفتند پنج رکعت خواندی؛ سپس پیامبر ﷺ بعد از آنکه سلام داده بود دو سجده برد».

3- هرگاه تعداد رکعات نمازی را کمتر خواند و سلام داد

از ابوهریره^t روایت است: (أن رسول الله ﷺ انصرف من اثنتين، فقال له ذواليدین: أقصرت الصلاة أم نسيت يا رسول الله؟ قال رسول الله ﷺ: أصدق ذواليدین؟ فقال الناس: نعم فقام رسول الله ﷺ فصلی اثنتين أخريين ثم سلم، ثم كبر فسجد مثل سجوده أو أطول، ثم رفع)^[462] «پیامبر ﷺ بعد از خواندن دو رکعت سلام داد. ذوالیدین به او گفت: ای رسول خدا آیا نماز را کوتاه کردی یا فراموش کردی؟ پیامبر ﷺ فرمود: آیا ذوالیدین راست می‌گوید؟ مردم گفتند: بله، پیامبر ﷺ بلند شد و دو رکعت دیگر نماز خواند و سلام داد، سپس الله اکبر گفت و مانند سجده‌های دیگرش یا طولانی‌تر از آنها سجده برد سپس سرش را بلند کرد».

از عمران بن حصین روایت است: (أن رسول الله ﷺ صلى العصر فسلم في ثلاث ركعات ثم دخل منزله، فقام إليه رجل يقال له الخرباق، وكان في يديه طول. فقال: يا رسول الله فذكر له صنيعه، و خرج غضبان يجر رداءه حتى انتهى إلى الناس فقال: «أصدق هذا؟» قالوا نعم. فصلی ركعة ثم سلم. ثم سجد سجدتين، ثم سلم)^[463] «پیامبر ﷺ نماز عصر را خواند، و در رکعت سوم سلام داد، سپس وارد خانه‌اش شد، مردی به نام خرباق که دستهایی بلند داشت بلند شد و نزد پیامبر ﷺ رفت و جریان را برایش تعریف کرد. پیامبر ﷺ با ناراحتی و در حالیکه عبایش به زمین کشیده می‌شد خارج شد تا به مردم رسید، فرمود: آیا این مرد راست می‌گوید؟ گفتند: بله، پس پیامبر ﷺ یک رکعت خواند و سلام داد سپس دو سجده برد و سلام داد».

4- هرگاه نداند که چند رکعت خوانده است

از ابراهیم از علقمه از عبدالله^t روایت است: پیامبر ﷺ نماز خواند. (ابراهیم گوید: اضافه یا کم خواند)^(*) وقتی سلام داد به او گفتند ای رسول خدا آیا در نماز چیزی تازه اضافه شده است؟ فرمود: چه شده؟ گفتند: نماز را چنین و چنان خواندی، (عبدالله) گفت: پیامبر ﷺ دو زانو و رو به قبله نشست و دو سجده برد، سپس سلام داد، و رو به ما کرد و فرمود: (إنه لو حدث في الصلاة شيئا أنباتكم به ولكن إنما أنا بشر أنسى كما تنسون، فإذا نسيت فذكروني و إذا شك أحدكم في صلاته فليتحرر الصواب، فليتم على ثم ليسجد سجدتين)^[464] «اگر در نماز امری پیش می‌آمد، به شما خبر می‌دادم. ولی من هم بشرم، و مانند شما

فراموش می‌کنم پس اگر چیزی را فراموش کردم، به یادم بیاورید. و اگر کسی از شما در نمازش شک کرد برای از بین بردن شک تلاش کند، سپس نمازش را براساس آن تمام کند؛ بعد از آن دو سجده ببرد».

تلاش برای اطمینان به این صورت است: فکر کند که در نماز چه سوره‌هایی را خوانده است؛ اگر به یادش آمد که دو سوره خوانده است می‌داند که دو رکعت خوانده نه یک رکعت، و گاهی به یاد می‌آورد که تشهد اول را خوانده پس می‌داند که دو رکعت خوانده نه یک رکعت و سه رکعت خوانده نه دو رکعت، گاهی هم به یاد می‌آورد که تنها فاتحه را در یک رکعت و بعد در یک رکعت دیگر خوانده بنابراین می‌داند که چهار رکعت خوانده نه سه رکعت و در موارد دیگر نیز به همین گونه است، پس وقتی که برای رسیدن به آنچه نزدیکتر به صواب است، تلاش کرد شک برطرف می‌شود و در این مورد هیچ فرقی بین امام و منفرد نیست».^[465]

اگر تلاش کرد ولی نتوانست هیچ صورتی را ترجیح دهد باید یقین را که همانا حداقل نماز است مبنا قرار دهد، چنانکه در حدیث آمده است:

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر r فرمود: (إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِكْ صَلَاتَهُ؟ ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا؟ فليطرح الشك و ليبن على ما استيقن ثم يجسد سجدتين قبل أن يسلم. فإن كان صلى خمسا شفعن له صلاته، و إن كان صلى إتماما لأربع كانتا ترغيما للشيطان)^[466] «هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شک شد و ندانست چند رکعت - سه یا چهار رکعت - خوانده است باید شک را از خود دور کند و بر یقین بنا کند، و از آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس قبل از آنکه سلام بدهد دو سجده ببرد، پس اگر پنج رکعت خوانده باشد با انجام این دو سجده نمازش زوج می‌شود و اگر نمازش را چهار رکعت تمام خوانده باشد این دو سجده سب خواری و زبونی شیطان است».

حکم سجده سهو:

سجده سهو واجب است؛ چراکه پیامبر r همانطور که در احادیث گذشته ذکر شد به آن امر فرموده و هرگاه در نمازش سهوی رخ می‌داد سجده می‌برد و حتی یکبار هم پیش نیامد که سهوی را در نماز مرتکب شود ولی سجده نبرد.

محل انجام سجده سهو:

واضح‌ترین اقوال بیانگر این است که محل سجده‌ی سهو بر حسب اینکه علت آن اضافه کردن چیزی در نماز یا وجود نقصی در آن، و یا شک و تلاش برای حصول اطمینان یا شک و مبنا قرار دادن یقین باشد، فرق می‌کند. این قول علاوه بر اینکه عمل به تمام احادیث سجده را در بردارد^(*)، تفاوت‌های معقولی را هم بیان کرده است:

اگر نقصی در نماز روی دهد مانند ترک تشهد اول، نقص آن باید جبران شود، و آن بوسیله سجده سهو قبل از سلام جبران می‌شود، چون سلام، پایان نماز است، و اگر چیزی به نماز مانند یک رکعت اضافه شد، سجده سهو باید بعد از سلام ادا شود؛ چراکه در یک نماز دو افزوده (رکعت اضافی و سجده سهو) با هم جمع نمی‌شوند، و چون سجده سهو برای خوار کردن شیطان است، و بمنزله نمازی مستقل است که نقض نماز را جبران می‌کند، و پیامبر اکرم^۲ دو سجده سهو را بمنزله یک رکعت به حساب آورده است.

همچنین اگر در نماز شک کرد و برای رسیدن به صواب تلاش کرد، در اینصورت نمازش را کامل کرده است و دو سجده برای خوار کردن شیطان است، لذا باید بعد از سلام باشد و اگر سلام داد در حالی که قسمتی از نمازش را نخوانده بود سپس آنرا کامل کرد نمازش کامل و سلام اول اضافی به حساب می‌آید و در این حالت سجده سهو باید بعد از سلام باشد؛ چراکه سجده در این صورت تنها برای خوار کردن شیطان است.

اما هرگاه شک کرد ولی نتوانست صواب را تشخیص دهد، دو حالت پیش می‌آید، یا چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، اگر پنج رکعت خوانده باشد دو سجده نمازش را زوج می‌کند تا مانند حالتی باشد که شش رکعت خوانده نه پنج رکعت و در این حالت سجده سهو قبل از سلام است.

در این قولی که ما تأیید کردیم، علاوه بر اینکه به همه احادیث عمل شده، مطابق با قیاس صحیح نیز، در مواردی که نصی وجود ندارد، می‌باشد، و این الحاق غیر منصوص (آنچه در روایت نیامده) به آنچه منصوص است (در روایت آمده) می‌باشد.^[467]

سجده سهو برای ترک سنتی از سنتهای نماز:

اگر کسی از روی فراموشی سنتی را ترک کرد، می‌تواند سجده سهو برد، چون پیامبر^۲ می‌فرماید: **(لکل سهو سجدتان)**^[468] «برای هر سهوی دو سجده هست» و این سجده سنت است و واجب نیست تا فرع (سجده سهو) حکمی بالاتر از اصل (سنت ترک شده در نماز) به خود نگیرد.^[469]

فهرست

نماز جماعت

حکم نماز جماعت:

نماز جماعت بر هر نماز گزار (مرد) فرض عین است مگر آنکه عذری داشته باشد :

از ابوهریره روایت است که پیامبر^۲ فرمود: **(والذی نفسی بیده، لقد هممت أن أمر بحطب فيحطب ثم أمر بالصلاة فيؤذن لها، ثم أمر رجلا فيؤم الناس، ثم أخالف إلى رجال فأحرق عليهم بيوتهم، والذی نفسی بیده، لو يعلم أحدهم أنه يجد عرقا سمينا أو مرمتين**

حسنتین لشهد العشاء [470] «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست قصد کردم که دستور دهم تا هیزم جمع کنند، سپس به گفتن اذان و اقامه‌ی نماز امر کنم آنگاه مردی را مأمور کنم تا برای مردم امامت کند سپس بسوی مردانی بروم که در نماز جماعت حاضر نشده‌اند، و خانه‌هایشان را بر سر آنها بسوزانم. قسم به ذاتی که جانم در دست اوست اگر اینها می‌دانستند که استخوانی پرگوشت یا دو نیزه زیبا (مخصوص تعلیم شکار) نصیبشان می‌شود، در نماز عشاء حاضر می‌شدند».

از ابوهریره روایت است: (أتی النبی r رجل أعمى فقال يا رسول الله، إنه ليس لي قائد يقودني إلى المسجد، فسأل رسول الله r أن يرخص له فيصلي في بيته، فرخص له، فلما ولي دعاه فقال: هل تسمع النداء بالصلاة؟ فقال نعم. قال: فأجب) [471] «مردی نابینا نزد پیامبر r آمد و گفت: ای رسول خدا! راهنمایی ندارم که مرا به مسجد ببرد، از پیامبر r خواست به او اجازه دهد تا نمازش را در خانه بخواند، پیامبر r به او اجازه داد. وقتی (مرد نابینا) پشت کرد که برود، پیامبر r او را صدا زد و فرمود: آیا صدای اذان را می‌شنوی؟ (آن مرد) گفت: بله. پیامبر r فرمود: پس اجابت کن».

از عبدالله روایت است: (من سره أن يلقي الله غدا مسلما، فليحافظ على هؤلاء الصلوات حيث ينادي بهن، فإن الله شرع لنبيكم سنن الهدى، وإنهن من سنن الهدى، و لو أنكم صليتم في بيوتكم كما يصلي هذا المتخلف في بيته لتركتم سنة نبيكم، و لو تركتم سنة نبيكم لضللتم، و ما من رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم يعمد إلى مسجد من هذه المساجد إلا كتب الله له بكل خطوة يخطوها حسنة، و يرفعه بها درجة، و يحط عنه بها سيئة، و لقد رأيتنا و ما يتخلف عنها إلا منافق معلوم النفاق، و لقد كان الرجل يؤتى به يهادى بين الرجلين حتى يقام في الصف) [472] «هر کس دوست دارد فردا (روز قیامت) با الله در حالت مسلمانی ملاقات کند، باید بر این نمازها در هر جائیکه ندا داده می‌شود، محافظت کند؛ چراکه خداوند برای پیامبرتان سننهای هدایت را وضع کرده است و اینها سننهای هدایتند، و چنانچه شما همانند این متخلف در خانه‌هایتان نماز بخوانید به راستی سنت پیامبرتان را ترک کرده‌اید و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید گمراه می‌شوید. هر کس به نحو احسن وضو بگیرد، سپس به یکی از این مساجد برود، خداوند با هر گامی که بر می‌دارد حسنه‌ای را برای او می‌نویسد و به واسطه آن درجه‌ای از او را بالا می‌برد و گناهی را از او پاک می‌کند و ما می‌دیدیم که تنها منافقین معلوم النفاق از نماز جماعت تخلف می‌کردند. و شخص را در حالی به مسجد و صف نماز می‌آوردند که در میان شانه‌های دونفر حمل می‌شد».

از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود: (من سمع النداء فلم يأتها، فلا صلاة له، إلا من عذر) [473] «کسی که اذان را بشنود و به سوی آن (یعنی به مسجد) نرود، نمازش صحیح نیست مگر اینکه عذری داشته باشد».

فضیلت نماز جماعت:

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود: **(صلاة الجماعة تفضل صلاة الفذ بسبع و عشرين درجة)** [474] «نماز جماعت بیست و هفت درجه بر نماز فرادا برتری دارد». از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(صلاة الرجل في الجماعة تضعف على صلاته في بيته و في سوقه خمسا و عشرين ضعفا، و ذلك أنه إذا توضأ فأحسن الوضوء، ثم خرج إلى المسجد لا يخرج إلا الصلاة، لم يخط خطوة إلا رفعت له بها درجة، و حط عنه بها خطيئة، فإذا صلى لم تزل الملائكة تصلي عليه مادام في مصلاه، اللهم صل عليه، اللهم ارحمه، و لا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة)** [475] «نماز جماعت بیست و پنج برابر نمازی که در خانه و بازار خوانده می‌شود، ثواب دارد؛ بدان جهت که وقتی شخص به خوبی وضو می‌گیرد و تنها برای خواندن نماز به مسجد رود، با هر قدمی که برمی‌دارد، درجه‌ای بالا می‌برود و گناهی از او بخشوده می‌شود، پس هنگامی که نماز خواند تا زمانی که در محل نمازش است، ملائکه بر او درود می‌فرستند (و می‌گویند) خداوندا! بر او صلوات بفرست، خداوندا! به او رحم کن، و تا زمانی که هر کدام از شما در انتظار نماز باشد گویا در نماز است».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(من غدا إلى المسجد وراح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح)** [476] «هر کس به مسجد رفت و آمد کند، در هر رفت و آمدی، الله (وسایل) پذیرایی‌ای برایش در بهشت آماده می‌کند».

آیا زنان در نماز جماعت حاضر شوند:

برای زنان جایز است که به مساجد بروند و در نماز جماعت شرکت کنند به شرطی که از چیزهایی که شهوت برانگیز است و موجب فتنه می‌شود از جمله آرایش و بوی خوش، بپرهیزند. [477]

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود: **(لا تمنعوا نساءكم المسجد و بیوتهن خیر لهن)** [478] «زنان را از رفتن به مساجد منع نکنید ولی خانه‌هایشان برای آنان بهتر است».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(أیما امرأة أصابت بخورا فلا تشهد معنا العشاء الآخرة)** [479] «هر زنی که خوشبویی استعمال کند، نباید با ما در نماز (جماعت) عشا حاضر شود».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(لا تمنعوا إماء الله مساجد الله، لکن و لیخرجن و هن تفلات)** [480] «زنان را از رفتن به مساجد منع نکنید لیکن آنان، بدون استعمال بوی خوش بیرون شوند».

خانه‌هایشان برای آنان بهتر است:

اگرچه به زن اجازه رفتن به مسجد داده شده است ولی اگر نمازش را در خانه بخواند بهتر است، از ام حمید ساعدیه روایت است که او نزد پیامبر r آمد و گفت: ای رسول خدا من نماز پشت سر تو را دوست دارم پیامبر r فرمود: **(قد علمت أنك تحبب الصلاة معي و صلاتك في بيتك خير لك من صلاتك في حجرتك، و صلاتك في دارك. و صلاتك في مسجد قومك، و صلاتك في مسجد قومك خير لك من صلاتك في مسجدي)** [481] «می دانستم که تو دوست داری با من نماز بخوانی، اما نماز در اتاقت بهتر از نماز در حجرهات است و نماز در حجرهات بهتر از نماز در خانهات است و نماز در مسجد قومت است و نماز در مسجد قومت بهتر از نماز در مسجد من است».

فهرست

آداب رفتن به مسجد:

از ابوقتاده روایت است: پشت سر پیامبر r نماز می خواندیم (که او) سر و صدای افرادی را شنید، وقتی نمازش را تمام کرد فرمود: **(ما شأنکم؟ قالوا: استعجلنا إلى الصلاة، قال: فلاتفعلوا، إذا أتيتم الصلاة فعليكم بالسكينة، فما أدركتم فصلوا، و ما فاتكم فأتوا)** [482] «شما را چه شده است؟ گفتند برای رسیدن به نماز عجله کردیم فرمود: این کار را نکنید، هرگاه برای نماز می آید به آرامی بیایید، به هر اندازه از نماز رسیدید آنرا بخوانید و هر قدر را که از دست دادید (بعد از سلام دادن امام) کامل کنید».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(إذا سمعتم الإقامة فامشوا إلى الصلاة و عليكم بالسكينة و الوقار، و لاتسرعوا، فما أدركتم فصلوا و ما فاتكم فأتوا)** [483] «هرگاه اقامه را شنیدید به سوی نماز بروید و (هنگام رفتن) آرامش و وقار را حفظ کنید و شتاب نکنید به هر اندازه از نماز رسیدید آنرا بخوانید و هر قدر را که از دست دادید (بعد از سلام دادن امام) کامل کنید».

از کعب بن عجره روایت است که پیامبر r فرمود: **(إذا توضأ أحدكم فأحسن وضوءه ثم خرج عامدا إلى المسجد فلا يشبكن بين أصابعه فإنه في صلاة)** [484] «هرگاه یکی از شما وضویی کامل گرفت و سپس به قصد مسجد خارج شد، انگشتانش را در هم فرو نکند، چون او در نماز است».

دعای خروج از خانه:

از انس روایت است که پیامبر r فرمود: **(من قال - یعنی إذا خرج من بيته - بسم الله توكلت على الله و لا حول و لا قوة إلا بالله، يقال له: هديت و كفيت و وقيت و تنحي عنه الشيطان)** [485] «کسی که هنگام خروج از خانه اش بگوید: بسم الله، توكلت على الله و لا حول و لا قوة إلا بالله، به او گفته می شود: هدایت داده شدی و کفایت شدی، و (از هر بدی و شری) محافظت شدی، و شیطان از او دور می شود».

از ابن عباس روایت است: کنار پیامبر r خوابیده بودم... و ضمن توصیف نماز شب پیامبر r گفت، مؤذن اذان داد و پیامبر r به طرف مسجد خارج شد در حالی که می‌فرمود: (اللهم اجعل فی قلبی نورا و فی لسانی نورا، و اجعل فی سمعی نورا، و اجعل فی بصری نورا، و اجعل من خلفی نورا، و من أمامی نورا و اجعل فی فوقی نورا و من تحتی نورا اللهم أعظنی نورا)^[486] «خداوندا! در قلب، زبان، شنوایی و بینایی‌ام روشنایی قرار بده، و پشت سر، جلو، بالا و پایینم را نورانی گردان، خداوندا! به من نوری عطا کن».

دعای ورود به مسجد:

از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت است که پیامبر r وقتی وارد مسجد می‌شد می‌فرمود: (أعوذ بالله العظیم و بوجهه الکریم و سلطانه القديم من الشیطان الرجیم)^[487] «پناه می‌برم به خدای بزرگ و به وجه کریم و سلطان قدیمش از شیطان مطرود».

از فاطمه دختر پیامبر r روایت است که گفت: پیامبر r وقتی وارد مسجد می‌شد می‌فرمود: (بسم الله، والسلام علی رسول الله، اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی أبواب رحمتک) «به نام خدا، سلام بر رسول خدا، خداوندا گناهانم را بیامرز و درهای رحمتت را بر من بگشای» و وقتی که (از مسجد) خارج می‌شد می‌فرمود: (بسم الله، والسلام علی رسول الله، اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی أبواب فضلک)^[488]. «بنام خدا و سلام بر رسول الله، بار خدایا گناهانم را بیامرز و درهای فضلت را بر من بگشای».

تحیه المسجد:

هرگاه کسی وارد مسجد شود، واجب است قبل از آنکه بنشیند دو رکعت نماز بخواند. از ابوقتاده روایت است که پیامبر r فرمود: (إذا دخل أحدکم المسجد فلا یجلس حتی یصلی رکعتین)^[489] «هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، تا دو رکعت نماز نخواند، بنشیند».

و دلیل گفته‌مان بر وجوب تحیه المسجد اینست که ظاهر امر برای وجوب می‌باشد و دلیلی که حکم آنرا از ظاهر آن (وجوب) تغییر دهد وجود ندارد، بجز حدیث طلحه بن عبیدالله که می‌گوید: یک نفر اعرابی (بادیه‌نشین) با سری ژولیده نزد پیامبر r آمد و گفت ای رسول خدا، خداوند چه نمازهایی را بر من فرض کرده است؟ پیامبر r فرمود: (الصلوات الخمس إلا أن تطوع شیئا...)^[490] «نمازهای پنج‌گانه، مگر اینکه خودت چیزی اضافه بخوانی».

به نظر من استدلال به این حدیث بر عدم وجوب تحیه المسجد جای بحث دارد؛ چراکه درست نیست آنچه را که در مقام تعلیم و در مراحل اولیه دین آمده، دست‌آویزی قرار دهیم برای رد کردن مسائلی که پس از آن بوده است، وگرنه لازم می‌آید که تمام واجبات شرعی را در نمازهای پنج‌گانه‌ای مذکور خلاصه کنیم، که این خرق اجماع و ابطال تمام شریعت است. پس حق این است که دلیل صحیحی که متأخر است پذیرفته شده و به مقتضای آن اعم

از وجوب، سنت و غیره، عمل شود. در این مورد بین علما اختلاف نظر وجود دارد و آنچه گفتیم ارجح است.^[491]

همچنین امر پیامبر^r به تحیه المسجد در حالت خواندن خطبه جمعه وجوب را تأکید می‌کند:

اگرچه امام در حال خطبه باشد تحیه المسجد باید خوانده شود:

از جابر بن عبدالله روایت است: (جاء رجل و النبی^r یخطب الناس یوم الجمعة، فقال: أصلیت یا فلان؟ قال: لا، قال: قم فارکع)^[492] «پیامبر^r روز جمعه در حال خطبه بود که مردی وارد مسجد شد، پیامبر^r فرمود: فلانی آیا نماز خواندی، گفت: خیر، فرمود: پس بلند شو و (دو رکعت) نماز بخوان».

فهرست

هرگاه نماز فرض برپا شد، غیر از آن نمازی نیست:

از ابوهریره^e روایت است که پیامبر^r فرمود: (إذا أقيمت الصلاة فلا صلاة إلا المكتوبة)^[493] «هرگاه نماز فرض اقامه شد نمازی غیر از آن نیست».

از مالک بن بحینه روایت است: در حالی که نماز اقامه شده بود پیامبر^r مردی را دید که دو رکعت نماز می‌خواند، وقتی پیامبر^r سلام داد، مردم دور او جمع شدند و پیامبر^r به او فرمود: (أصبح أربعاً؟ أصبح أربعاً؟!)^[494] «آیا نماز صبح چهار رکعت است؟! آیا نماز صبح چهار رکعت است?!».

فضیلت رسیدن به تکبیره الإحرام امام

از انس روایت است که پیامبر^r فرمود: (من صلى لله أربعين يوماً في جماعة يدرك التكبيرة الأولى كتب له براءتان: براءة من النار، و براءة من النفاق)^[495] «هرکس چهل روز نمازش را در جماعت با تکبیره الإحرام بخواند، برایش دو برائت نوشته می‌شود: برائت (نجات) از آتش جهنم و برائت از نفاق».

کسی در حالی به مسجد وارد شود که امام از نماز فارغ شده است

از سعید بن مسیب روایت است: مردی از انصار در حال احتضار (دم مرگ) بود، گفت: حدیثی را صرفاً به خاطر طلب ثواب از خدا برایتان بازگو می‌کنم. از پیامبر^r شنیدم که می‌فرمود: (إذا توضأ أحدكم فأحسن الوضوء ثم خرج إلى الصلاة، لم يرفع قدمه اليمنى إلا كتب الله عز وجل له حسنة، ولم يضع قدمه اليسرى إلا حط الله عز وجل عنه سيئة، فليقرب أحدكم أو ليبعد، فإن أتى المسجد فصلى في جماعة غفر له، وإن أتى المسجد و قد صلوا بعضاً و بقي بعض صلى ما أدرك، و أتم ما بقى، كان كذلك، فإن أتى المسجد و قد

صلوا فاتم الصلاة كان كذلك [496] «هرگاه یکی از شما به نحو احسن وضو بگیرد و سپس برای نماز بیرون شود با هر گامی که با پای راستش برمی‌دارد، خداوند عزوجل برای او حسنه‌ای می‌نویسد، و با هر قدمی که با پای چپش روی زمین می‌گذارد، خداوند عزوجل گناهی را از او کم می‌کند؛ پس هر کدام از شما دوست دارد فاصله‌ی بین قدمهایش را کم یا زیاد کند و چون به مسجد بیاید و نمازش را با جماعت بخواند گناهان او بخشوده می‌شود و اگر به مسجد آمد و دید که مردم قسمتی از نماز را خوانده بودند، باقیمانده‌ی نماز را با جماعت بخواند، و بقیه را خودش تکمیل کند، این مانند کسی است که تمام نماز را به جماعت خوانده است؛ و هرگاه به مسجد آمد و دید که نماز جماعت تمام شده، نمازش را بخواند در این صورت هم مانند کسی است که به نماز جماعت رسیده است».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(من توطأ فأحسن وضوءه ثم راح فوجد الناس قد صلوا أعطاه الله عزوجل مثل أجر من صلاها و حضرها لا ينقص ذلك من أجورهم شيئاً)** [497] «هرکس به نحو احسن وضو گیرد و سپس به مسجد برود و ببیند که مردم نماز را خوانده‌اند، خداوند عزوجل به او مانند اجر کسی که نماز را با جماعت خوانده، می‌دهد، بدون اینکه از اجر آنان چیزی کم کند».

فهرست

امام در هر حالتی که بود باید مقتدی به او اقتداء کند

از علی بن ابی‌طالب و معاذبن جبل روایت است که گفتند: پیامبر r فرمود: **(إذا أتى أحدكم الصلاة والإمام على حال فليصنع كما يصنع الإمام)** [498] «هرگاه یکی از شما برای نماز (به مسجد) آمد، امام را در هر حالتی دید، به او اقتدا کند».

چه وقت یک رکعت به حساب می‌آید؟

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(إذا جئتم إلى الصلاة و نحن سجدو فاسجدوا، ولا تعدوها شيئاً و من أدرك الركعة فقد أدرك الصلاة)** [499] «هرگاه برای نماز آمدید و ما در حال سجده بودیم شما هم به سجده بروید و آنرا (رکعتی) به حساب نیاورید و کسی که رکوع را در یابد، رکعت را دریافته است».

کسی که قبل از رسیدن به صف، رکوع برد

از ابوبکره روایت است: **(أنة انتهى إلى النبي r و هو راع، فرجع قبل أن يصل إلى الصف، فذكر ذلك للنبي r فقال: زادك الله حرصاً و لاتعد)** [500] «او در حالی که پیامبر r به رکوع رفته بود به مسجد وارد شد و قبل از اینکه به صف برسد رکوع برد، جریان را برای پیامبر r بازگو کرد. پیامبر r فرمود: خداوند حرص تو را زیاد کند اما تکرار نکن».

از عطاء روایت است که ابن زبیر روی منبر می‌گفت: **(إذا دخل أحدكم المسجد و الناس ركوع، فليركع، حتى يدخل، ثم يدب راعياً حتى يدخل في الصف، فإن ذلك**

السنة^[501]» هرگاه یکی از شما در حالی داخل مسجد شد که مردم در حال رکوع بودند، به رکوع برود تا داخل نماز شود سپس در همان حال رکوع، داخل صف شود چون این کار سنت پیامبر است.»

از زید بن وهب روایت است: (خرجت مع عبدالله - یعنی ابن مسعود - من داره إلی المسجد، فلما توسطنا المسجد ركع الإمام فكبر عبدالله و ركع و ركعت معه، ثم مشينا حتى انتهينا إلی الصف حين رفع القوم رؤوسهم فلما قضی الإمام الصلاة قمت و أنا أرى أنى لم أرك. فأخذ عبدالله بيدى و أجلسنى ثم قال: إنك قد أدركت)^[502]» باعبدالله بن مسعود از خانه‌اش به طرف مسجد خارج شدیم وقتی به وسط مسجد رسیدیم امام به رکوع رفت، عبدالله، الله أكبر گفت و به رکوع رفت و من هم با او به رکوع رفتم، سپس (در همان حال) حرکت کردیم، وقتی مردم سرشان را بلند کرد، به صف رسیدیم. وقتی امام نمازش را تمام کرد، بلند شدم چون گمان می‌کردم که به یک رکعت نرسیده‌ام، عبدالله دستم را گرفت و مرا نشان داد و گفت: به رکعت رسیدی.»

امام به تخفیف نماز امر شده است:

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: (إذا صلى أحدكم للناس فليخفف فإن فيهم الضعيف و السقيم و الكبير فإذا صلى لنفسه فليطول ما شاء)^[503]» هرگاه یکی از شما برای مردم امامت کرد نمازش را سبک بخواند چون در میان آنها ضعیف، بیمار و مسن وجود دارد و اگر خودش به تنهایی نماز خواند هر اندازه که می‌خواند نمازش را طولانی کند.»

طولانی کردن رکعت اول توسط امام:

از ابوسعید روایت است: (لقد كانت صلاة الظهر تقام فيذهب الذاهب إلی البقيع فيقضى حاجته ثم يتوضأ ثم يأتي و رسول الله في الركعة الأولى مما يطولها)^[504]» نماز ظهر برپا می‌شد، بطوریکه اگر کسی به بقیع می‌رفت و قضای حاجت می‌کرد سپس وضو می‌گرفت و بر می‌گشت، هنوز پیامبر در رکعت اول بود. چون رکعت اولش را طولانی می‌کرد.»

وجوب تبعیت از امام و تحریم پیشی گرفتن از او:

از انس روایت است که پیامبر فرمود: (إنما جعل الإمام ليؤتم به فإذا كبر فكبروا و إذا سجد فاسجدوا، و إذا رفع فارفعوا...)^[505]» همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود؛ لذا هرگاه تکبیر گفت: تکبیر بگویید و هرگاه سجده برد، سجده کنید، و هرگاه بلند شد، بلند شوید...»

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: (أما يخشى أحدكم إذا رفع رأسه قبل الإمام أن يجعل الله رأسه رأس حمار، أو يجعل الله صورته صورة حمار)^[506]» آیا یکی از شما

نمی‌ترسد از اینکه چون سرش را قبل از امام بلند کند، خداوند سر و صورتش را به شکل سر و صورت خر درآورد».

فهرست

چه کسی شایسته‌تر به امامت است؟

از ابومسعود انصاری روایت است که پیامبر r فرمود: (يَوْمَ الْقَوْمِ أَقْرَاهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَعْلَمُهُمْ بِالسَّنَةِ، فَإِنْ كَانُوا فِي السَّنَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةَ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ سَلْمًا وَ لَا يُؤْمِنُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ، وَ لَا يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ عَلَى تَكْرِمَتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ) [507] «مردم را قاری‌ترینشان به کتاب خدا امامت کند، اگر در قرائت مساوی بودند آگاهترین آنها به سنت، اگر در سنت مساوی بودند کسی که در هجرت مقدم است، اگر در هجرت مساوی بودند کسی که زودتر اسلام آورده است، و هیچ کس به جای صاحب خانه (یا امام مسجد) امامت نکند و در جای مخصوص او ننشیند مگر به اجازه‌ی او».

این حدیث دلالت می‌کند بر اینکه صاحب خانه و امام دائم و مانند اینها از دیگران به امامت شایسته‌تراند، مگر اینکه خودشان (صاحب خانه و امام دائم) اجازه دهند به دلیل فرموده پیامبر r: (وَ لَا يُؤْمِنُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ...).

امامت کودک:

از عمرو بن سلمه روایت است: (لَمَّا كَانَتْ وَقْعَةُ أَهْلِ الْفَتْحِ بَادِرِ كُلِّ يَوْمٍ بِإِسْلَامِهِمْ، وَ بَدْرِ أَبِي قَوْمِي بِإِسْلَامِهِمْ فَلَمَّا قَدِمَ قَالَ: جَنَّتْكُمْ وَ اللَّهُ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ r حَقًّا، فَقَالَ: صَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي حِينِ كَذَا، وَ صَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي حِينِ كَذَا، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤْذِنِ أَحَدَكُمْ وَ لِيُؤْمِكُمْ أَكْثَرَكُمْ قَرَأْنَا، فَنَظَرُوا فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَكْثَرَ قَرَأْنَا مِنِّي، لَمَّا كُنْتُ أَتْلُقِي مِنَ الرِّكْبَانِ، فَقَدِمُونِي بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ أَنَا ابْنُ سِتٍّ أَوْ سَبْعِ سَنِينَ) [508] «وقتی واقعه فتح مکه روی داد هر قومی در مسلمان شدن عجله می‌کرد، پدرم قبل از قومش اسلام آورد، وقتی برگشت گفت: به خدا قسم از نزد کسی آمده‌ام که حقیقتاً پیامبر است و گفته است: فلان نماز را در فلان وقت و فلان نماز را در فلان وقت بخوانید و هرگاه وقت نماز فرا رسید یکی از شما اذان بگوید و کسی که بیشتر قرآن می‌داند برای شما امامت کند، نگاه کردند کسی غیر از من را نیافتند که بیشتر قرآن بداند؛ چون قرآن را از کاروانیان یاد گرفته بودم؛ پس مرا امام خودشان قرار دادند در حالیکه در آن هنگام شش یا هفت سال سن داشتم».

کسی که نماز فرض می‌خواند می‌تواند به کسی که نماز نفل می‌خواند اقتدا کند و برعکس:

از جابر روایت است: (أَنَّ مَعَاذَ بْنَ جَبَلٍ كَانَ يَصَلِّيُ مَعَ النَّبِيِّ r ثُمَّ يَرِعُ فَيُؤْمِ قَوْمَهُ) [509] «معاذ بن جبل با پیامبر r نماز می‌خواند؛ سپس برمی‌گشت و همان نماز را برای قومش امامت می‌کرد».

از یزید بن اسود روایت است : (أنه صلى مع رسول الله ﷺ و هو غلام شاب، فلما صلى إذا رجلان لم يصليا في ناحية المسجد، فدعا بهما، فجىء بهما ترعد فرائصهما، فقال : ما منعكما أن تصليا معنا؟ قالوا : قد صلينا في رحالنا فقال : لاتفعلوا، إذا صلى أحدم في رحله ثم أدرك الإمام و لم يصل فليصل معه فإنها له نافلة) [510] «زمانیکه نوجوانی بودم، با پیامبر ﷺ نماز خواندم، وقتی که پیامبر ﷺ نمازش را تمام کرد، دو مرد را در گوشه مسجد دید که با آنها نماز نخواندند، پیامبر ﷺ آندو را طلبید، آنها را پیش پیامبر آوردند در حالیکه بدنشان می لرزید، فرمود : چرا با ما نماز نخواندید؟ گفتند : در منزلمان نماز خوانده بودیم، پیامبر ﷺ فرمود : این کار را نکنید، هرگاه یکی از شما نمازش را در منزل خوانده بود سپس به مسجد آمد و دید که امام نماز نخوانده است، وقتی که امام شروع به نماز کرد، با او نماز بخواند زیرا آن برای او نفل به حساب می آید».

اقتدای مقیم به مسافر:

از ابن عمر روایت است : (صلى عمر بأهل مكة الظهر فسلم في ركعتين ثم قال: أتموا صلاتكم يا أهل مكة فإننا قوم سفر) [511] «عمر برای اهل مکه نماز ظهر را به امامت کرد بعد از دو رکعت سلام داد و گفت : ای اهل مکه نمازتان را تمام کنید، ما مسافریم».

هرگاه مسافر به مقیم اقتدا کند، نمازش را کامل بخواند:

از موسی بن سلمه هذلی روایت است : (سألت ابن عباس كيف أصلى إذا كنت بمكة إذا لم أصل مع الإمام؟ فقال : ركعتين : سنة أبي القاسم) [512] «از ابن عباس پرسیدم هرگاه در مکه (مسافر) باشم و نمازم را با امام نخوانم، چگونه بخوانم؟ گفت : دو رکعت، سنت ابوالقاسم است».

از ابومجلز روایت است که گفت : به ابن عمر گفتم : (المسافر يدرك ركعتين من صلاة القوم – یعنی المقيمين – أتجزيه الركعتان أو يصلى بصلاتهم؟ فضحك و قال : يصلى بصلاتهم) [513] «مسافر به دو رکعت نماز مقیم می رسد آیا این دو رکعت برایش کافی است، یا همانند آنان کامل بخواند؟ (ابن عمر) خندید و گفت : همانند آنان کامل بخواند».

کسی که توانایی قیام دارد اگر به امامی نشسته (به دلیل ناتوانی یا بیماری) اقتدا کند با او بنشیند:

از عایشه روایت است : (صلى رسول الله ﷺ في بيته و هو شاك، فصلى جالسا و صلى وراءه قوم قياما، فأشار إليهم أن اجلسوا، فلما انصرف قال : إنما جعل الإمام ليؤتم به فإذا ركع فاركعوا، و إذا رفع فارفعوا و إذا صلى جالسا فصلوا جلوسا) [514] «پیامبر ﷺ مریض بود و به حالت نشسته در خانه نماز خواند، گروهی به او (ایستاده) اقتدا کردند. (پیامبر ﷺ) به آنان اشاره کرد که بنشینند، وقتی سلام داد فرمود : امام برای این است که به او اقتدا شود؛ پس هرگاه به رکوع رفت به رکوع بروید، و هرگاه بلند شد، بلند شوید، و هرگاه نشسته نماز خواند شما نیز نشسته نماز بخوانید».

از انس روایت است: پیامبر r از اسب افتاد و طرف راست بدنش زخمی شد، برای عیادت او به خانه‌اش رفتیم که وقت نماز فرا رسید (پیامبر r) نشسته برای ما امامت کرد، ما هم نشسته پشت سر او نماز خواندیم. وقتی نماز تمام شد فرمود: **(إنما جعل الإمام ليؤتم به، فإذا كبر، فكبروا، و إذا سجد فاسجدوا، و إذا رفع، فارفعوا و إذا قال سمع الله لمن حمده فقولوا ربنا و لك الحمد و إذا صلى قاعدا فصلوا قعودا أجمعون)** [515] «امام برای این است که به او اقتداء شود، پس هرگاه الله أكبر گفت، الله أكبر بگویید، و هرگاه به سجده رفت سجده کنید، و اگر بلند شد، بلند شوید، و وقتی گفت سمع الله لمن حمده، بگویید ربنا و لك الحمد و اگر نشسته نماز خواند، شما همگی نشسته نماز بخوانید».

اگر مقتدی یک نفر باشد، باید در سمت راست امام و شانه به شانه او بایستد:

از ابن عباس (رض) روایت است: **(بت فی بیت خالتي میمونة فصلی رسول الله r العشاء، ثم جاء فصلی أربع ركعات، ثم نام، ثم قام فجنبت فقامت عن يساره فعلني عن يمينه)** [516] «شبى در خانه خاله‌ام میمونه ماندم، پیامبر r بعد از خواندن نماز عشاء (به خانه) آمد و چهار رکعت نماز خواند؛ و خوابید سپس نیمه شب بلند شد و به نماز ایستاد، من آمدم و سمت چپش ایستادم، پیامبر مرا در سمت راست خود قرار داد».

دو نفر و بیشتر پشت سر امام صف ببندند:

از جابر روایت است: **(قام رسول الله r ليصلى فجنبت، فقامت عن يساره فأخذ بيدي فأدراني حتى أقامني عن يمينه، ثم جاء جبار بن صخر فقام عن يسار رسول الله r فأخذ بأيدينا جميعاً فدفعنا حتى أقامنا خلفه)** [517] «پیامبر r بلند شد که نماز بخواند من هم بلند شدم و در سمت چپش ایستادم. پیامبر r دستم را گرفت و مرا چرخانید تا اینکه در سمت راست خود قرار داد. سپس جبار بن صخر آمد و در سمت چپ پیامبر r ایستاد. پیامبر r دست هر دوی ما را گرفت و هول داد تا اینکه ما را پشت سر خود قرار داد».

اگر مقتدی یک زن باشد، پشت سر امام بایستد:

از انس بن مالک روایت است: **(أن رسول الله r صلى به وبأمه أو خالته، قال: فأقامني عن يمينه، و أقام المرأة خلفنا)** [518] «پیامبر r برای او و مادر یا خاله‌اش امامت کرد، او را در سمت راست خود و زن را پشت سر ما قرار داد».

فهرست

راست کردن صف‌ها واجب است:

بر امام واجب است تا صف‌های نماز را راست نکرده، شروع به نماز نکند و نمازگزاران را به راست کردن صف‌ها امر کند، خودش این کار را بر عهده بگیرد یا شخصی دیگر را مأمور کند:

از انس روایت است که پیامبر r فرمود: **(سوا صفوفکم فإن تسوية الصف من تمام الصلاة)** [519] «صفهائتان را راست کنید؛ چون راست کردن صفوف از کمال نماز است».

از ابومسعود روایت است که پیامبر r قبل از نماز به شانه‌هایشان دست می‌کشید و می‌فرمود: **(استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبکم...)** [520] «صفهائتان را راست کنید و اختلاف نکنید که (با اختلاف) قلبهائتان از هم دور می‌شود».

از نعمان بن بشیر روایت است: پیامبر r چنان صفهای ما را راست می‌کرد که گویا تیر (قداح) [521] را راست می‌کند تا اینکه یقین کرد که (راست کردن صفها را) یادگرفتیم، سپس روزی به مسجد آمد، نزدیک بود تکبیره الإحرام بگوید، مردی را دید که سینه‌اش از صف بیرون آمده بود، فرمود: **(عباد الله، لتسون صفوفکم أو لیخالفن الله بین وجوهکم)** [522] «ای بندگان خدا، صفهائتان را راست کنید و گرنه خداوند بین شما اختلاف و تفرقه می‌اندازد».

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود: **(أقیموا الصفوف، و حاذوا بین المناكب و سدوا الخلل ولینوا بأیدی إخوانکم و لاتذروا فرجات للشیطان و من وصل صفا وصله الله، و من قطع صفا، قطعه الله)** [523] «صفهائتان را راست کنید و شانه‌هایتان را کنار هم قرار دهید و فاصله‌های خالی را ببندید (در راست کردن صفها) به نرمی از برادرانتان اطاعت کنید و برای شیطان جاهای خالی نگذارید و کسی که صفی را وصل کند خداوند او را وصل می‌کند و کسی که بین صفی قطع کند خداوند او را قطع می‌کند».

از انس روایت است که پیامبر r فرمود: **(رصوا صفوفکم، و قاربوا بینها، و حاذوا بالأعناق فوالذی نفسی بیده، انی لأرى الشیطان یدخل من خلل الصف كأنها الحذف)** [524] «صفهائتان را فشرده کنید و فاصله‌ها را پر کنید و گردنهایتان را در یک راستا قرار دهید. قسم به کسی که جانم در دست اوست شیطان را می‌بینم که مانند گوسفند کوچک از جاهای خالی صف داخل می‌شود».

چگونگی راست کردن صف ها:

از انس روایت است که پیامبر r فرمود: **(أقیموا صفوفکم، فانی أراکم من وراء ظهری)** «صفهائتان را راست کنید زیرا من شما را از پشت سرم می‌بینم» و انس می‌گوید: **(وکان أحدنا یلرزق منکبه بمنکب صاحبه و قدمه بقدمه)** [525] «و هر یک از ما شانه‌ها و پاهایش را به شانه‌ها و پاهای بغل دستی خویش می‌چسباند».

نعمان بن بشیر گوید: **(رأیت الرجل منا یلرزق کعبه بکعبه صاحبه)** [526] «هریک از ما قوزک پایش را به قوزک پای فرد مجاور خود می‌چسباند».

صفوف مردان و زنان:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(خیر صفوف الرجال أولها، و شرها آخرها و خیر صفوف النساء آخرها و شرها أولها)** [5271] «بهترین (با فضیلت‌ترین) صفوف مردان صف اول و بدترین (کم‌فضیلت‌ترین) صفوف آنها صف آخر است، و بهترین صفوف زنان صف آخر و بدترین صفوف آنها صف اول است».

فضیلت صفوف اول و صفوف سمت راست:

از براء بن عازب روایت است که پیامبر r فرمود: **(إن الله و ملائکته یصلون علی الصفوف الأول)** [5281] «خدا و ملائکه‌ی او بر صفهای او نماز، صلوات می‌فرستند».

همچنین از براء t روایت است: وقتی که پشت سر پیامبر r نماز می‌خواندیم، دوست داشتیم در سمت راست او بایستیم؛ چون بعد از سلام رو به ما می‌کرد، (براء) گوید: از او شنیدم که می‌فرمود: **(رب قتی عذابک یوم تبعث عبادک)** [5291] «پروردگارا، روزی که بندگانت را زنده می‌کنی مرا از عذابت محفوظ بفرما».

فهرست

چه کسی پشت سر امام می‌ایستد؟

از ابومسعود انصاری روایت است که پیامبر r فرمود: **(لیلینی منکم أولوا الأحلام والنهی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم)** [5301] «کسانی از شما پشت سر من بایستند، که دارای عقل و خرد (بیشتری) هستند».

تشکیل صف میان ستونها مکروه است:

از معاویه بن قره از پدرش روایت است: **(کنا نھی أن نصف بین السواری علی عهد رسول الله r و نطرد عنها طردا)** [5311] «زمان پیامبر r از تشکیل صف بین ستونها نهی می‌شدیم و وقتی که بین ستونها (برای نماز) می‌ایستادیم ما را از این کار باز می‌داشتند».

این حکم مربوط به نماز جماعت است، اما اگر کسی نمازش را تنها بخواند به شرطی که ستره بگذارد اشکالی ندارد که نمازش را بین دو ستون بخواند:

از ابن عمر روایت است: **(دخل النبی r البیت و أسامة بن زید و عثمان بن طلحة و بلال فأطال ثم خرج، کنت أول الناس دخل علی أثره، فسألت بلالا، أين صلی؟ قال: بین العمودین المقدمین)** [5321] «پیامبر r با اسامه بن زید و عثمان بن طلحه و بلال داخل کعبه شد و مدت زیادی در آنجا ماند، سپس بیرون آمد، من اولین کسی بودم که به دنبال او وارد شدم، از بلال سؤال کردم (پیامبر r) کجا نماز خواند؟ گفت بین دو ستون جلویی».

عذرهای ترک جماعت:

1- سرما و باران:

از نافع روایت است : (إن ابن عمر أذن بالصلاة في ليلة ذات برد وريح، ثم قال : ألا صلوا في الرحال، ثم قال : إن رسول الله ﷺ كان يأمر المؤذن إذا كانت ليلة ذات برد و مطر يقول ألا صلوا في الرحال) [5331] «ابن عمر شبی سرد که باد به شدت می‌وزید برای نماز اذان داد و سپس گفت در خانه‌هایتان نماز بخوانید. سپس گفت : پیامبر ﷺ به مؤذن امر می‌کرد که اگر شبی سرد و بارانی بود، بگویند در خانه‌هایتان نماز بخوانید».

2- حاضر بودن غذا :

از ابن عمر روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (إذا وضع عشاء أحدكم و أقيمت الصلاة فابدأوا بالعشاء و لا يعجل حتى يفرغ منه) «وقتی شامتان حاضر شد و نماز بر پا شد ابتدا شامتان را بخورید و (برای نماز) عجله نکنید تا غذایتان را صرف کنید».

هرگاه هنگام اقامه نماز غذا را جلوی ابن عمر می‌گذاشتند، تا غذایش را نمی‌خورد به نماز نمی‌رفت، در حالی که قرأت امام را می‌شنید. [534]

3- هنگام فشار آوردن ادرار و مدفوع :

از عایشه روایت است : از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود : (لاصلاة بحضرة طعام و لا و هو يدافع الأخبثين) [5351] «هنگام آماده شدن غذا و فشار آوردن ادرار و مدفوع، نماز صحیح نیست».

فهرست

نماز مسافر

قصر نمازهای ظهر، عصر و عشا بر مسافر واجب است:

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا) (نساء : 101)

«هرگاه در زمین به مسافرت پرداختید و نماز را کوتاه خواندید گناهی بر شما نیست اگر ترسیدید که کافران بلایی به شما برسانند و به فتنه‌ای گرفتارتان گردانند».

از یعلی بن امیه روایت است : از عمر بن خطاب درباره آیه : (إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا) سؤال کردم و گفتم : با توجه به این آیه قصر نماز به وقتی اختصاص دارد که از کافران در امان نباشیم ولی الان مردم در امنیت هستند، عمر گفت : من هم مثل تو از این امر شگفت‌زده شدم و از پیامبر ﷺ در این باره سؤال کردم، پیامبر ﷺ فرمود : (صدقة

تصدق الله بها عليكم فاقبلوا صدقته» [536] «صدقه‌ای است که خداوند به شما داده است، پس صدقه‌اش را قبول کنید».

از ابن عباس روایت است: (فرض الله الصلاة على لسان نبيكم r في الحضر أربعا وفي السفر ركعتين و في الخوف ركعة) [537] «خداوند از زبان پیامبر r نماز را بر شما؛ در حضر چهار رکعت، در سفر دو رکعت و هنگام ترس، یک رکعت واجب کرده است».

از عمر روایت است: (صلاة السفر ركعتان، و صلاة الجمعة ركعتان و الفطر و الأضحى ركعتان تمام غير قصر، على لسان محمد r) [538] «از زبان محمد r نماز سفر دو رکعت و نماز جمعه دو رکعت و نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، کامل‌اند، نه قصر».

از عایشه روایت است: (الصلاة أول ما فرضت ركعتين، فأقرت صلاة السفر، وأتمت صلاة الحضر) [539] «ابتدا که نماز فرض شد، دو رکعت، دو رکعت بود، نماز سفر به حال خود (دو رکعتی) باقی ماند و نماز حضر کامل (چهار رکعتی) شد».

از ابن عمر روایت است: با پیامبر r، ابوبکر، عمر و عثمان مسافرت کرده‌ام و ندیده‌ام که هیچکدام از آنها تا وقتی که فوت کردند از دو رکعت بیشتر بخوانند. و خداوند می‌فرماید:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (احزاب: 21)

«به راستی رسول الله برای شما الگوی خوبی است» [540].

مسافت قصر:

علما در تعیین مسافت قصر اختلاف نظر بسیار دارند، به طوری که ابن منذر و دیگران در این باره بیشتر از بیست قول را ذکر کرده‌اند، قول راجح این است که حد معینی برای مسافت قصر وجود ندارد؛ و هر اندازه در لغت عرب که پیامبر قومه را با آن خطاب کرده است، به آن سفر گفته می‌شود، معتبر است؛ چون اگر برای مسافت سفر غیر از آنچه ذکر کردیم حدی می‌بود پیامبر r قطعاً از بیان آن چشم‌پوشی نمی‌کردند و اصحاب هم از سؤال کردن درباره آن، غافل نمی‌ماندند و در عدم نقل آن برای ما اتفاق نمی‌کردند» [541].

فهرست

مکانی که از آنجا قصر می‌شود:

جمهور علما اتفاق نظر دارند بر اینکه شرط قصر نماز، شروع سفر و خروج از آبادی است. و تا وقتی که مسافر به اول خانه‌های آبادی برنگردد مدت قصر نمازش تمام نمی‌شود. ابن منذر گوید: از این که پیامبر r در مسافرت‌هایش قبل از خروج از مدینه نمازش را قصر کند اطلاعی ندارم. و انس می‌گوید: (صلیت الظهر مع النبی r بالمدينة

أربعاً و بذى الحليفة ركعتين^[542]» نماز ظهر را در مدینه با پیامبر r چهار رکعت و نماز عصر را در ذوالحلیفه دو رکعت خواندم.»

اگر مسافر برای انجام کاری اقامت کرد و (از ابتدا) قصد اقامت نداشت تا وقتی که برمی‌گردد نمازش را قصر کند:

از جابر روایت است: (أقام النبي r بتبوك عشرین يوماً يقصر الصلاة)^[543] «پیامبر r بیست روز در تبوک اقامت کرد و نمازش را قصر می‌کرد».

ابن قیم گوید: پیامبر r برای امت بیان فرموده است که اگر کسی بیشتر از این مدت اقامت کند، نمی‌تواند نمازش را قصر کند، اقامت پیامبر این مدت بطول انجامیده.^[544]

پس اگر قصد اقامت بیش از نوزده روز را کرد باید نمازهایش را کامل بخواند. همچنانکه ابن عباس t گوید: (أقام النبي r تسعة عشر يقصر، فنحن إذا سافرنا تسعة عشر قصرنا و إن زدنا أتمنا)^[545] «پیامبر r نوزده روز اقامت کرد و نمازش را قصر کرد و ما هم وقتی که نوزده روز مسافرت کنیم قصر می‌کنیم و اگر از نوزده روز بیشتر بمانیم نمازمان را کامل می‌خوانیم».

فهرست

جمع بین دو نماز

اسباب جمع:

1- سفر:

از انس روایت است: (كان رسول الله r إذا ارتحل قبل أن تزيغ الشمس آخر الظهر إلى وقت العصر ثم نزل فجمع بينهما فإن زاغت الشمس قبل أن يرتحل صلى الظهر ثم ركب)^[546] «پیامبر r وقتی که قبل از زوال خورشید سفر می‌کرد، نماز ظهر را تا وقت عصر به تأخیر می‌انداخت؛ سپس توقف می‌کرد و آن دو (ظهر و عصر) را با هم می‌خواند؛ و اگر قبل از شروع سفر، خورشید زوال می‌کرد، نماز ظهر را می‌خواند و بعد از آن حرکت می‌کرد».

از معاذ روایت است: (أن النبي r كان في غزوة تبوك إذا ارتحل قبل أن تزيغ الشمس، آخر الظهر حتى يجمعها إلى العصر، يصليها جميعاً، و إذا ارتحل بعد زيف الشمس، صلى الظهر و العصر جميعاً ثم سار، و كان إذا ارتحل قبل المغرب آخر المغرب حتى يصلها مع العشاء و إذا ارتحل بعد المغرب عجل العشاء فصلاها مع المغرب)^[547] «پیامبر r در غزوه تبوک وقتی که قبل از زوال خورشید حرکت می‌کرد، ظهر را به تأخیر می‌انداخت و به هنگام عصر، با نماز عصر جمع می‌کرد و هرگاه بعد از زوال خورشید حرکت می‌کرد، نماز ظهر و عصر را با هم می‌خواند و پس از آن حرکت می‌کرد و اگر قبل از مغرب

سفر می‌کرد نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا آنرا با عشاء بخواند؛ ولی اگر بعد از غروب آفتاب حرکت می‌کرد، نماز عشا را جلو می‌انداخت و با مغرب می‌خواند».

و نیز از معاذ روایت است: **(أنهم خرجوا مع رسول الله ﷺ عام تبوك، فكان رسول الله ﷺ يجمع بين الظهر و العصر و المغرب و العشاء قال: فأخر الصلاة يوما، ثم خرج فصلي الظهر و العصر جميعا، ثم دخل، ثم خرج فصلي المغرب و العشاء جميعا)** [548] «آنها با پیامبر ﷺ برای جنگ تبوک خارج شدند و پیامبر ﷺ نماز ظهر را با عصر و نماز مغرب را با عشا با هم جمع می‌کرد، (معاذ) گوید: پیامبر ﷺ روزی نماز را به تأخیر انداخت و سپس خارج شد و نماز ظهر و عصر را با هم خواند، سپس داخل (خیمه) شد سپس خارج شد و نماز مغرب و عشا را با هم خواند».

2- باران :

از نافع روایت است: **(أن عبد الله بن عمر كان إذا جمع الأمراء بين المغرب و العشاء في المطر جمع معهم)** «زمانی که باران می‌بارید امرأ در بین مغرب و عشاء جمع می‌کردند، عبدالله بن عمر هم همراه آنان (دو نماز را) جمع می‌کرد».

از هشام بن عروه روایت است که: «پدرم عروه و سعید بن مسیب و ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام بن مغیره مخزومی نماز مغرب و عشا را در شب بارانی هرگاه می‌خواستند جمع می‌کردند و کسی ایراد نمی‌گرفت» [549].

از موسی بن عقبه روایت است که: عمر بن عبدالعزیز هنگام باران، نماز مغرب و عشاء را با هم جمع می‌کرد و سعید بن مسیب و عروه بن زبیر و ابوبکر بن عبدالرحمن و بزرگان آن زمان با آنان نماز می‌خواندند و ایرادی بر این کار نمی‌گرفتند» [550].

از ابن عباس روایت است: **(صلى رسول الله ﷺ الظهر و العصر جميعا، والمغرب و العشاء جميعا في غير خوف و لاسفر)** [551] «پیامبر ﷺ در غیر خوف و سفر، نماز ظهر را با عصر و مغرب را با عشا جمع کرد» و در حدیثی دیگر از او روایت است که: **(جمع رسول الله ﷺ بين الظهر و العصر، و المغرب و العشاء بالمدينة في غير خوف و لامطر)** [552] «پیامبر ﷺ در غیر خوف و باران بین ظهر و عصر و مغرب و عشا در مدینه جمع کرد» (*).

این روایت ابن عباس بیانگر اینست که جمع نماز به خاطر باران در زمان پیامبر ﷺ امر معروفی بوده است و گرنه در ذکر نفی باران به عنوان سبب توجیه کننده برای جواز جمع فایده‌ای نبود. [553]

3- هنگام ضرورت :

از ابن عباس روایت است: **(صلى رسول الله ﷺ الظهر و العصر جميعا بالمدينة في غير خوف و لاسفر)** «پیامبر ﷺ در مدینه در غیر زمان خوف و سفر نماز ظهر و عصر را با هم

جمع کرد» ابوزبیر گفت : از سعید پرسیدم چرا این کار را کرد؟ گفت : همانطور که تو از من سؤال کردی، از ابن عباس سؤال کردم گفت : (أراد أن لا يخرج أحداً من أمته) [554] «خواست کسی از امتش را به سختی نیاندازد».

همچنین از او (ابن عباس) روایت است که : (جمع رسول الله ﷺ بين الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدينة في غير خوف و لامطر قيل لابن عباس، ما أراد إلى ذلك؟ قال : أراد أن لا يخرج أمته) [555] «پیامبر ﷺ در مدینه در غیر ترس و باران نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را باهم جمع کرد. به ابن عباس گفته شد : چرا این کار را کرد؟ گفت : خواست امتش را سختی نیافتد».

امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (5/219) گوید :

«جماعتی از علما بر این عقیده هستند که جمع در حضر هنگام ضرورت برای کسی که آنرا به عادت تبدیل نکند، جایز است. و این قول ابن سیرین و اشهب از اصحاب مالک است، همچنین این رأی را خطابی از قفال و شاشی کبیر از اصحاب شافعی از ابواسحاق مروزی از جماعتی از اصحاب حدیث نقل کرده‌اند و ابن منذر هم آنرا ترجیح داده است. ظاهر قول ابن عباس هم که گفته است : (أراد أن لا يخرج أمته) و جواز آنرا به بیماری و غیره نسبت نداد، این نظریه را تأیید می‌کند. والله أعلم»

فهرست

نماز جمعه

نماز جمعه بر چه کسی واجب است؟

نماز جمعه بر هر فرد مسلمانی فرض است. مگر پنج گروه زیر :

1- برده‌ای که در مالکیت سیدش است.

2- زن.

3- کودک.

4- بیمار.

5- مسافر.

خداوند متعال می‌فرماید :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (جمعه : 9)

«ای مؤمنان هنگامیکه روز جمعه برای نماز ندا داده شد به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و خرید و فروش را رها سازید این برای شما بهتر و سودمندتر است اگر بدانید».

از طارق بن شهاب روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود: **(الجمعة حق واجب على كل مسلم في جماعة إلا أربعة، عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض)**^[556] «خواندن نماز جمعه همراه با جماعت بر هر فرد مسلمانی واجب است، مگر بر چهار گروه؛ برده‌ای که در مالکیت سیدش است، زن، کودک، و بیمار».

از ابن عمر روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود: **(ليس على المسافر جمعة)**^(*) «جمعه بر مسافر واجب نیست».

تشویق بر خواندن نماز جمعه:

از ابوهریره روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود: **(من اغتسل ثم أتى الجمعة فصلى ما قدر له، ثم أنصت حتى يفرغ من خطبته، ثم يصلى معه غفرله ما بينه وبين الجمعة الأخرى و فضل ثلاثة أيام)**^[557] «هرکس در روز جمعه غسل کند و به نماز جمعه برود و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند؛ سپس تا فراغت (امام) از خطبه سکوت کند، سپس با او نماز بخواند، گناهان (صغیره) بین این جمعه و جمعه دیگرش و سه روز اضافه بر آن بخشوده می‌شود».

همچنین از ابوهریره روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود: **(الصلوات الخمس، و الجمعة إلى الجمعة، و رمضان إلى رمضان مكفرات ما بينهن إذا اجتنبت الكبائر)**^[558] «نمازهای پنج‌گانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان، گناهان بین خود را از بین می‌برند به شرطی که از گناهان کبیره دوری شود».

برحذر داشتن از سستی در نماز جمعه:

از ابن عمر و ابوهریره روایت است که آنان از رسول الله^ﷺ شنیدند که روی منبرش می‌فرمود: **(لينتهين أقوام عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن من الغافلين)**^[559] «افرادی که جمعه را ترک می‌کنند باید از این عملشان دست بکشند وگرنه خداوند بر قلبهای آنها مهر (غفلت) می‌زند، سپس در زمره غافلان قرار می‌گیرند».

از عبدالله روایت است که پیامبر^ﷺ به گروهی که نماز جمعه را ترک می‌کردند فرمود: **(لقد هممت أن أمر رجلا يصلى بالناس، ثم أحرق على رجال يتخلفون عن الجمعة بيوتهم)**^[560] «تصمیم داشتم که شخصی را مأمور کنم تا برای مردم نماز بخواند سپس بروم و خانه‌های مردانی را که به نماز جمعه نمی‌آیند بر سرشان آتش بزنم».

از ابوجعد ضمیری روایت است که پیامبر r فرمود : (من ترک ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله علی قلبه)^[561] «کسی که سه جمعه را از روی بی‌توجهی، ترک کند خداوند بر قلبش مهر می‌زند».

از اسامه بن زید روایت است که پیامبر r فرمود : (من ترک ثلاث جمعات من غیر عذر کتب من المنافقین)^[562] «کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند، از منافقین به حساب می‌آید».

وقت نماز جمعه:

وقت نماز جمعه همان وقت نماز ظهر است و قبل از آن نیز جایز است :

از انس بن مالک t روایت است : (أن النبی r کان یصلی الجمعة حین تمیل الشمس)^[563] «پیامبر r نماز جمعه را هنگام زوال خورشید می‌خواند».

از جابر بن عبدالله روایت است که : از او سؤال شد چه وقتی پیامبر r نماز جمعه را می‌خواند؟ گفت : (کان یصلی ثم نذهب إلى جمالنا فنریحها حین تزول الشمس)^[564] «نماز جمعه را می‌خواندغ سپس نزد شترانمان می‌رفتیم و هنگام زوال خورشید آنها را باز می‌گرداندیم».

فهرست

خطبه:

خطبه واجب است؛ چون از یک طرف پیامبر r در تمام جمعه‌ها آنرا می‌خواند و هیچوقت آنرا ترک نمی‌کرد و از طرف دیگر می‌فرماید : (صلوا كما رأیتمونی أصلی)^[565] «همانگونه که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم، نماز بخوانید».

روش پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه:

پیامبر r می‌فرماید : (إن طول صلاة الرجل و قصر خطبته منة من فقهه فأطیلوا الصلاة و أقصروا الخطبة و إن من البیان لسحرا)^[566] «طولانی بودن نماز خطیب و کوتاه بودن خطبه‌اش نشانه‌ای از فقیه بودن او است؛ پس نماز را طولانی و خطبه را کوتاه کنید و به راستی که برخی سخنان سحرآمیزند».

از جابر بن سمره روایت است : (كنت أصلى مع النبی r الصلوات، فكانت صلاته قصداً، و خطبته قصداً)^[567] «نمازها را با پیامبر r می‌خواندم، در نماز و خطبه‌اش حد وسط را رعایت می‌کرد».

از جابر بن عبدالله روایت است : (كان رسول الله ﷺ إذا خطب احمرت عيناه و علا صوته و اشتد غضبه كانه منذر جيش يقول صباحكم و مساءكم) [568] «پیامبر ﷺ وقتی خطبه می‌خواند چشمانش سرخ و صدایش بلند می‌شد و عصبانیتش شدت پیدا می‌کرد انگار از آمدن لشکری هشدار می‌دهد و می‌گوید : دشمن صبح و شام به شما حمله می‌کند».

خطبه حاجت:

پیامبر ﷺ خطبه‌ها و موعظه‌ها و درس‌هایش را با این خطبه که به خطبه حاجت معروف است شروع می‌کرد : [569]

(إن الحمد لله، نحمده، و نستعينه، و نستغفره، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، و من يضل فلا هادي له، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله).

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) (آل عمران : 102)

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) (نساء : 1)

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا) (احزاب : 70 و 71)

أَمَّا بَعْدُ :

(فان أصدق الحديث كتاب الله، و خير الهدى، هدى محمد ﷺ و شر الأمور محدثاتها، و كل محدثة بدعة، و كل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار) [570]

«سپاس و ستایش تنها لایق خداست، او را شکر می‌گوییم و از او یاری می‌جوییم و از او طلب آمرزش می‌کنیم، و پناه می‌بریم به خدا از شرارت نفس‌هایمان و از بدیهای اعمالمان، هر کسی که خدا او را هدایت کند گمراه کننده‌ای برایش نیست، و کسی را که گمراه کند، هدایت کننده‌ای برایش نیست».

«و شهادت می‌دهم که هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست، یکتا است، شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده او است».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنچنانکه باید از خدا بترسید و نمیرید مگر آنکه مسلمان باشید».

«ای مردمان از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید، پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت، و از (خشم) خدایی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید و بپرهیزید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید، (وصله رحم را نادیده گیرید) زیرا بیگمان خداوند مراقب شما است.»

«ای مؤمنان از خدا بترسید و سخن حق و درست بگویید، در نتیجه خدا (توفیق خیرتان می‌دهد و) اعمالتان را اصلاح می‌کند و گناهانتان را می‌بخشاید هر کس که از خدا و پیامبرش فرمانبرداری کند قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد.»

«اما بعد راستترین سخن، کتاب خدا است و بهترین روش و سنت، روش و سنت محمد ص است و بدترین امور چیزهای ساختگی است و هر ساخته شده‌ای (در دین) بدعت و هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی در آتش است.»

کسی که در خطبه‌های پیامبر ص و اصحاب او دقت کند در می‌یابد که خطبه‌های آنها دربرگیرنده مطالبی است از قبیل بیان هدایت، توحید، ذکر صفات پروردگار، اصول کلی ایمان، دعوت به سوی خدا، ذکر نعمتهای الهی؛ نعمتهایی که باعث محبت خداوند در قلب بندگانش می‌شود، و روزهایی که آنها را از عذابش می‌ترساند.

همچنین در می‌یابد که پیامبر ص و اصحاب در خطبه‌های خود مردم را به ذکر و شکر امر کرده‌اند، ذکر و شکر که موجب پیدایش محبت خداوند در قلب آنها می‌شد، و طوری عظمت و اسماء و صفات خدا را ذکر می‌کردند و مردم را به طاعت و شکر و ذکر دعوت می‌نمودند که قلب آنها مملو از محبت به خدا می‌شد به طوری که شنوندگان جلسه را ترک می‌کردند در حالی که خدا را دوست داشتند و خدا هم آنها را دوست داشت. پیامبر ص در خطبه‌هایش بسیار قرآن می‌خواند خصوصاً سوره «ق» را [571]، ام هشام بنت حرث بن نعمان گوید: **(ما حفظت ق إلا من فی رسول الله ص مما یخطب بها علی المنبر)** [572] «سوره ق را حفظ نکردم مگر از زبان پیامبر ص که هنگام خطبه بسیار آنرا بر منبر تکرار می‌کرد.»

وجوب سکوت و حرمت سخن گفتن هنگام خطبه:

از ابوهریره روایت است که پیامبر ص فرمود: **(إذا قلت لصاحبی یوم الجمعة أنصت و الإمام یخطب فقد لغوت)** [573] «هرگاه هنگام خطبه امام به دوستت گفتی ساکت شو، سخن باطلی گفته‌ای.»

جمعه با چه درک می شود:

نماز جمعه دو رکعت و بصورت جماعت است پس اگر کسی که جمعه بر او واجب نیست به نماز جمعه نیاید یا عذری داشته باشد، باید نماز ظهر را چهار رکعت بخواند و کسی که یک رکعت را دریابد جمعه را دریافته است :

از ابوهریره روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود : **(من أدرك ركعة من صلاة الجمعة فقد أدرك الصلاة)** [574] «کسی که یک رکعت از نماز جمعه را دریابد نماز (جمعه) را دریافته است».

خواندن نماز قبل از نماز جمعه و بعد از آن:

از ابوهریره روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود : **(من اغتسل يوم الجمعة ثم أتى المسجد فصلى ما قدر له، ثم أنصت حتى يفرغ من خطبته، ثم يصلى معه، غفر له ما بينه وبين الجمعة الأخرى و فضل ثلاثة أيام)** [575] «کسی که روز جمعه غسل کند سپس به نماز جمعه برود و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند سپس تا فارغ شدن (امام) از خطبه ساکت شود؛ سپس با او نماز بخواند، گناهان (صغیره‌ی) بین این جمعه و جمعه دیگرش و سه روز اضافه بخشوده می‌شود».

پس هر کس قبل از نماز جمعه به مسجد بیاید، تا زمانی که امام به مسجد می‌آید، هر آنچه را که می‌خواند بدون محدودیت نماز بخواند.

اما آنچه امروزه به نام سنت قبل از جمعه معروف است اصلی در سنت صحیح ندارد و معلوم است که : «پیامبر^ﷺ بعد از آنکه بلال اذان را می‌گفت شروع به خطبه می‌کرد و بطور قطع هیچ کسی بلند نمی‌شد تا دو رکعت نماز سنت بخواند و اذان جمعه بیش از یکی نبوده، پس چه وقتی آنها سنت جمعه را خواندند؟» [576]

اما بعد از نماز جمعه می‌تواند چهار رکعت یا دو رکعت نماز سنت بخواند (به دلیل احادیث زیر) :

از ابوهریره روایت است که پیامبر^ﷺ فرمود : **(إذا صلى أحدكم الجمعة فليصل بعدها أربعاً)** [577] «هرگاه یکی از شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند».

از ابن عمر روایت است که : **(أن النبي ﷺ كان لا يصلى بعد الجمعة حتى ينصرف فيصل ركعتين في بيته)** [578] «پیامبر^ﷺ بعد از جمعه نماز نمی‌خواند تا بیرون می‌رفت سپس دو رکعت را در خانه می‌خواند».

آداب روز جمعه:

مستحب است کسی که در نماز جمعه شرکت می‌کند اعمالی را که در احادیث زیر آمده انجام دهد :

از سلمان فارسی روایت است که پیامبر r فرمود : (لايغتسل رجل يوم الجمعة ويتطهر ما استطاع من الطهر، و يدهن من دهنه، أو يمس من طيب بيته، ثم يخرج فلا يفرق بين اثنين، ثم يصلي ما كتب له، ثم ينصت إذا تكلم الإمام، إلا غفرله ما بينه وبين الجمعة الأخرى) [579] «هر کس در روز جمعه غسل و در حد توان نظافت و از روغن و بوی خوش خانه‌اش استفاده کند؛ سپس به مسجد برود و بین هیچ دوفری فاصله نیاندازد و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند، سپس وقتی امام شروع به خطبه کرد ساکت شود، گناهان (صغیره) او از این جمعه تا جمعه بعدی بخشوده می‌شود».

از ابوسعید روایت است : (من اغتسل يوم الجمعة، و لبس من أحسن ثيابه، و مس من طيب إن كان عنده ثم أتى الجمعة فلم يتخط أعناق الناس، ثم صلى ما كتب الله له، ثم أنصت إذا خرج إمامه حتى يفرغ من صلاته كانت كفارة لما بينها وبين الجمعة التي قبلها) [580] «هر کس در روز جمعه غسل کند و از بهترین لباسهایش بپوشد و اگر بوی خوش نزد او بود، استفاده کند، سپس به نماز جمعه برود و از روی گردن مردم قدم بر ندارد، سپس آنچه خداوند برای او مقدر کرده نماز بخواند؛ سپس از هنگامی که امام برای خطبه خارج می‌شود تا موقع تمام شدن نماز ساکت شود، (جمعه او) کفاره گناهانی می‌شود که بین این جمعه و جمعه قبل انجام داده است».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا كان يوم الجمعة كان على كل باب من أبواب المسجد ملائكة يكتبون الناس على قدر منازلهم الأول فالأول، فإذا جلس الإمام طووا الصحف و جاءوا يستمعون الذكر، و مثل المهجر كمثل الذي يهدي بدنة ثم كالذي يهدي بقرة، ثم كالذي يهدي الكباش، ثم كالذي يهدي الدجاجة ثم كالذي يهدي البيضة) [581] «وقتی که روز جمعه فرا می‌رسد؛ در کنار هر یک از درهای مسجد فرشته‌ای قرار می‌گیرد و درجات مردم را به ترتیب بر حسب وارد شدنشان، یکی پس از دیگری می‌نویسند، و وقتی که امام شروع به خواندن خطبه کند دفترهایشان را در هم می‌پیچند و به خطبه گوش می‌دهند. و ثواب کسی که زود به مسجد می‌آید، مانند کسی است شتری را قربانی کرده، و سپس مانند کسی که گاوی را قربانی کرده، و سپس مانند کسی که قوچی را قربانی کرده، سپس مانند کسی که مرغی را قربانی کرده، سپس مانند کسی که تخم مرغی را قربانی کرده است».

فهرست

اذکار و دعاهای مستحب روز جمعه:

1- صلوات و سلام بسیار بر پیامبر r فرستادن :

از اوس بن اوس روایت است که پیامبر r فرمود : (إن من أفضل أيامكم يوم الجمعة، فيه خلق آدم، وفيه قبض، وفيه النفخة، وفيه الصعقة، فأكثرُوا على من الصلاة فيه فإن صلاتكم معروضة علي، قالوا : يا رسول الله، وكيف تعرض عليك صلاتنا و قد أرتمت؟ فقال : إن الله عزوجل حرم على الأرض أن تأكل أجساد الأنبياء) [582] «به راستی از بهترین روزهای شما روز جمعه است، که در آن آدم خلق شده، و در آن فوت کرده، و دو صور (که با یکی می‌میرند و دیگری زنده می‌شوند) در آن دمیده می‌شود؛ پس در روز جمعه بسیار صلوات بر من بفرستید که صلوات شما بر من عرضه می‌شود، گفتند : ای رسول خدا! چگونه صلوات ما بر تو عرضه می‌شود در حالی که جسد تو پوسیده است؟ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده که اجساد پیامبران را بخورد (از بین ببرد)».

2- خواندن سوره کهف :

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر r فرمود : (من قرأ سورة الكهف في يوم الجمعة أضاء له من النور ما بين الجمعتين) [583] «کسی که در روز جمعه سوره کهف را بخواند در فاصله بین دو جمعه نوری برایش روشن می‌شود».

3- دعای زیاد به امید مصادف شدن با ساعت اجابت دعا :

از جابر t روایت است که پیامبر r فرمود : (يوم الجمعة اثنتا عشرة ساعة، لا يوجد فيها عبد مسلم يسأل الله عزوجل شيئاً إلا آتاه، فالتمسوها آخر ساعة بعد صلاة العصر) [584] «روز جمعه دوازده ساعت است (در این میان ساعتی هست که) هر بنده مسلمانی در آن ساعت از خداوند چیزی بخواهد حتماً به او می‌دهد، آن را در آخرین ساعت روز جمعه بعد از نماز عصر جستجو کنید».

فهرست

خواندن نماز جمعه در مسجد جامع:

از عایشه روایت است : (كان الناس ينتابون يوم الجمعة من منازلهم و العوالی و (...)[585] «مردم گاه گاهی از منازلشان که در روستاهای اطراف و عوالی (که در فاصله چهار مایلی و بیشتر از مدینه بودند) برای جمعه (به مدینه) می‌آمدند».

از زهری روایت است که : (أن أهل ذی الحلیفة كانوا يجتمعون مع النبی r و ذلک علی مسیرة ستة أمیال من المدینة) [586] «اهل ذوالحلیفه با پیامبر r جمعه می‌کردند و ذوالحلیفه در فاصله شش مایلی مدینه قرار داشت».

از عطاء بن ابی رباح روایت است : (كان أهل منی يحضرون الجمعة بمكة) [587] «اهل منی برای نماز جمعه به مکه می‌آمدند».

حافظ ابن حجر در تلخیص (2/55) گوید :

«نقل نشده که پیامبر r به کسی اجازه داده باشد تا در یکی از مساجد مدینه یا روستایی از روستاهای نزدیک آن نماز جمعه برگزار کند».

هرگاه جمعه و عید در یک روز باشند^[588]

اگر جمعه و عید در یک روز قرار بگیرند کسی که نماز عید بخواند، نماز جمعه از او ساقط می‌شود :

از زید بن ارقم روایت است که پیامبر r نماز عید را خواند سپس اجازه داد که نماز جمعه خوانده نشود و فرمود : **(من شاء أن یصلی فلیصل)**^[589] «هر کس می‌خواهد (نماز جمعه) بخواند، بخواند».

مستحب است امام برای کسانی که نماز عید را نخوانده‌اند و کسانی که می‌خواهند در جمعه شرکت کنند، نماز جمعه برگزار کند

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : **(قد اجتمع فی یومکم هذا عیدان، فمن شاء أجزاء من الجمعة و انا مجمعون)**^[590] «در این روز دو عید قرار گرفته‌اند، پس کسی که می‌خواند، نماز عید (بجای جمعه) برایش کفایت می‌کند (و لازم نیست نماز جمعه بخواند) ولی ما نماز جمعه را برگزار می‌کنیم».

فهرست

نماز دو عید (فطر و قربان)

حکم نماز دو عید:

نماز دو عید بر مردان و زنان واجب است؛ چون پیامبر r همواره آنرا انجام داده است و مردم را به خروج برای ادای آن امر فرموده : از ام عطیه روایت است : **(أمرنا أن نخرج العواتق و ذوات الخدور)**^[591] «به ما امر شد تا جاریه‌های بالغ و اهل خدور را (برای نماز عیدین) خارج کنیم».

از حفصه بنت سیرین روایت است : ما از خارج شدن جاریه‌هایمان در روز عید جلوگیری می‌کردیم، زنی آمد و در قصر بنی خلف مسکن گزید، نزد او رفتم، گفت که همسر خواهرش در دوازده غزوه با پیامبر r شرکت داشته است و خواهرش در شش غزوه به همراه او بود، خواهرش گفت : ما به مریضها خدمت می‌کردیم و مجروحین را مداوا می‌نمودیم، گفت ای رسول خدا اگر یکی از ما جلبات (لباس گشاد) نداشته باشد عدم خروج او گناه محسوب می‌شود؟ پیامبر r فرمود : **(تلبسها صاحبها من جلبابها، فلیشهدن الخیر و دعوة المؤمنین)**^[592] «دوستش با جلبشان او را بیوشاند پس باید (زنان) در خیر و دعای مؤمنان حضور داشته باشند».

وقت نماز دو عید:

از یزید بن خمیر رحبی روایت است که: عبدالله بن بسر صحابی پیامبر r روز عید فطر یا قربان با مردم خارج شد، تأخیر امام را ناپسند دانست و گفت: **(إنا كنا قد فرغنا ساعتنا هذه، و ذلك حين التسبیح)** [593] «ما (زمانی که با پیامبر r نماز عید می‌خواندیم) در این لحظه از نماز فارغ شده بودیم و آن وقت نماز، اشراق بود».

فهرست

رفتن به مصلی:

از احادیث سابق فهمیده می‌شود که محل نماز عید فضای باز است نه مسجد، چون پیامبر r برای ادای نماز عید به طرف مصلی خارج می‌شد و کسانی که بعد از او آمدند نیز همین کار را می‌کردند.

آیا نماز دو عید اذان و اقامه دارد؟

از ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت است: **(لم یکن یؤذن یوم الفطر و لا یوم الأضحی)** [594] «روز عید فطر و عید قربان (برای نماز عید) اذان داده نمی‌شد».

از جابر روایت است: **(أن لاأذان للصلاة یوم الفطر حین یخرج الإمام و لا بعد یخرج و لا إقامة و لانداء و لا شیء، لانداء یومئذ و لا إقامة)** [595] «برای نماز عید نه اذانی است و نه اقامه‌ای و نه چیزی دیگر».

چگونگی نماز عید:

نماز عید دو رکعت است، و در آن دوازده تکبیر گفته می‌شود؛ هفت تکبیر در رکعت اول بعد از تکبیرة الإحرام و قبل از قرائت فاتحه و پنج تکبیر در رکعت دوم قبل از قرائت فاتحه: از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت است: **(أن رسول الله r کبر فی العیدین سبعا فی الأولى و خمسا فی الآخرة)** [596] «پیامبر r در نمازهای دو عید هفت تکبیر در رکعت اول و پنج تکبیر در رکعت دوم گفت».

از عایشه روایت است: **(أن رسول الله r کبر فی الفطر و الأضحی سبعا و خمسا، سوی تکبیرتی الركوع)** [597] «پیامبر r در نماز عید فطر و قربان غیر از دو تکبیر رکوع هفت تکبیر (در رکعت اول) و پنج تکبیر (در رکعت دوم) می‌گفت».

قرائت در نماز عید:

از نعمان بن بشیر روایت است : (أن رسول الله ﷺ كان يقرأ في العیدین و فی الجمعة بسبح اسم ربك الأعلى، و هل أتاك حديث الغاشية) [598] «پیامبر ﷺ در نماز دو عید و نماز جمعه سوره های «سبح اسم ربك الأعلى» و «هل أتاك حديث الغاشية» را می خواند».

از عبیدالله بن عبدالله روایت است : (خرج عمر يوم العيد، فأرسل إلى أبي واقد الليثي : بأى شيء كان النبي ﷺ يقرأ في مثل هذا اليوم؟ قال : بقاف و اقتربت) [599] «عمر روز عید (برای ادای نماز) خارج شد، کسی را فرستاد که از ابو واقد لیثی بپرسد پیامبر ﷺ در نماز عید چه سوره هایی را قرائت می کرد؟ ابو واقد گفت : سوره «ق» و «اقتربت» را می خواند».

فهرست

خطبه بعد از نماز عید:

از ابن عباس روایت است : (شهدت العيد مع رسول الله ﷺ و أبي بكر و عمر و عثمان فكلمهم كانوا يصلون قبل الخطبة) [600] «با پیامبر ﷺ، ابوبکر، عمر و عثمان نماز عید خواندم، همه آنها قبل از خطبه نماز می خواندند».

نماز (سنت) قبل و بعد از نماز عید:

از ابن عباس روایت است : (أن النبي ﷺ صلى يوم الفطر ركعتين، لم يصل قبلها و لا بعدها) [601] «پیامبر ﷺ روز عید فطر دو رکعت نماز خواند قبل و بعد از آن نماز دیگری نخواند».

آنچه در روز عید مستحب است:

1- غسل:

از علی روایت است که درباره غسل از او سؤال شد گفت : (يوم الجمعة، و يوم عرفة، و يوم الفطر، و يوم الأضحى) [602] «روز جمعه، روز عرفة، روز عید فطر، روز عید قربان».

2- پوشیدن بهترین لباس:

از ابن عباس روایت است که : (كان رسول الله ﷺ يلبس يوم العيد بردة حمراء) [603] «پیامبر ﷺ روز عید جامه ای سرخ رنگ می پوشید».

3- خوردن در روز عید فطر قبل از خروج برای نماز:

از انس روایت است : (كان رسول الله ﷺ لا يغدو و يوم الفطر حتى يأكل تمرات) [604] «پیامبر ﷺ صبح روز عید فطر تا چند خرما نمی خورد (به نماز) نمی رفت».

4- روز عید قربان خوردن را به تأخیر بیاندازد تا از گوشت قربانی اش بخورد:

از ابوبریده روایت است: (أن رسول الله r كان لا يخرج يوم الفطر حتى يطعم ولا يطعم يوم النحر حتى يذبح)^[605] «پیامبر r روز عید فطر تا چیزی نمی خورد (برای نماز) خارج نمی شد و روز عید قربان تا ذبح نمی کرد چیزی نمی خورد (از گوشت قربانی اش می خورد)».

5- تغییر مسیر رفت و برگشت:

از جابر روایت است: (كان النبي r إذا كان يوم عيد خالف الطريق)^[606] «پیامبر r روز عید از راهی غیر از راه رفتن برمی گشت».

6- تکبیر در روزهای عید:

خداوند می فرماید:

(وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)

(بقره : 185)

«و تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل گردانید و بخاطر اینکه خدا شما را هدایت کرده، الله اکبر بگویید و تا اینکه سپاسگذاری کنید».

و درباره عید قربان می فرماید:

(وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ) (بقره : 203)

«و در روزهای مشخصی (سه روز ایام التشریق) خدا را یاد کنید».

و همچنین می فرماید:

(كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ) (حج : 37)

«اینگونه که (می بینید) خداوند حیوانات را مسخر شما کرده است تا بخاطر اینکه خدا شما را هدایت کرده است الله اکبر بگویید».

وقت تکبیر در روز عید فطر از هنگام رفتن به مصلی شروع می شود و تا خواندن نماز ادامه می یابد

ابن ابی شیبیه^[607] گوید: یزید بن هارون از ابن ابی ذئب از زهری روایت می کند که: (أن رسول الله r كان يخرج يوم الفطر فيكبر حتى يأتي المصلى، و حتى يقضى الصلاة، فإذا

قضى الصلاة قطع التكبير) «پیامبر r روز عید فطر تکبیرگویان به مصلی می آمد تا اینکه نماز را تمام می کرد و پس از اتمام نماز تکبیر را قطع می کرد».

البانی [608] گوید: سند این حدیث به طور مرسل صحیح است. و همین حدیث از طریق دیگری به صورت مرفوع از ابن عمر روایت است: بیهقی آنرا از طریق عبدالله بن عمر از نافع از عبدالله بن عمر روایت کرده است که: (أن رسول الله r كان يخرج في العیدین مع الفضل بن عباس و عبدالله بن عباس و علی و جعفر و الحسن و الحسين و أسامة بن زید، و زید بن حارثه و أیمن بن أم أیمن y رافعا صوته بالتهلیل و التكبير، فيأخذ طريق الحذائین حتى یأتی المصلی، و إذا فرغ رجع علی الحذائین حتى یأتی منزله) «پیامبر r برای نماز دو عید با فضل بن عباس، عبدالله بن عباس، علی، جعفر، حسن، حسین، اسامه بن زید، زید بن حارثه، ایمن ابن ام ایمن y خارج می شد و با صدای بلند لا إله إلا الله و الله أكبر می گفت و از راه حذائین (مسیر کفاشان) به مصلی می رفت و بعد از خواندن نماز از بالای حذائین (از راهی دیگر) به خانه اش برمی گشت». سند این حدیث از سند قبلی برتر است.

البانی می گوید: رجال این حدیث جز عبدالله بن عمر (عمری المکبر) ثقه و از رجال مسلم اند. و ذهبی در خصوص او گوید: (صدق فی حفظه شیء) «صدوق است ولی حافظه او ایرادی دارد»، همچنین ذهبی و دیگران او را جزء رجال مسلم قرار داده اند، پس می توان به امثال او استشهاد کرد. بنابراین او شاهی صالح برای روایت مرسل زهری است، بنابراین به نظر من این حدیث چه به صورت موقوف و چه به صورت مرفوع، صحیح است. والله اعلم - أه-.

وقت تکبیر عید قربان از صبح روز عرفه شروع می شود و تا عصر آخرین روز ایام التشریق ادامه دارد

این مطلب از علی و ابن عباس و ابن مسعود y به صحت رسیده است. [609]

اما درباره الفاظ تکبیر مجال سخن زیاد است و در روایتی از او ثابت است که ابن مسعود t در ایام التشریق تکبیر را به صورت زوج بکار می برد و می گفت: الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله، الله أكبر الله أكبر و لله الحمد».

ابن ابی شیبه این حدیث را با اسناد صحیح روایت کرده (2/167)، ولی در جایی دیگر با همان سند، الله أكبر را سه بار آورده است. همچنین بیهقی (3/315) آنرا با همان سند از یحیی بن سعید از حکم (بن فروح ابوبکار) از عکرمة از ابن عباس با سه الله أكبر روایت کرده که سند آن هم صحیح است. [610]

فهرست

نماز خوف

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ، فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ، وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ...)

(نساء : 102)

«زمانی که (ای پیامبر) در میانشان بودی و نماز (خوف) را برایشان پیاداشتی، دسته‌ای از آنان با تو به نماز ایستند، و باید که اسلحه خود را به همراه داشته باشند، و وقتی که (نصف) نماز را با تو خواندند (سلام دهند و به نگاهیانی پردازند و) شما را از دشمنان محافظت نمایند و دسته‌ای دیگر که هنوز نماز را نخوانده‌اند، بیایند و با تو به نماز ایستند و احتیاط خود را مراعات کنند و اسلحه خود را به همراه داشته باشند».

چگونگی نماز خوف:

خطابی گوید : نماز خوف چند نوع است، پیامبر r آنرا در روزهای مختلف و با اشکال متفاوت خوانده و در همه آنها تلاش کرده که بیشترین احتیاط را از جهت نماز و بهترین شیوه را از جهت حراست و نگاهیانی رعایت کند. این نمازها با وجود اختلاف در الفاظ، در معنی یکی هستند – آه. ^[611]

1- از ابن عمر روایت است : (صلی رسول الله r صلاة الخوف بإحدى الطائفتين ركعة والطائفة الأخرى مواجهة العدو، ثم انصرفوا و قاموا في مقام أصحابهم مقبلين على العدو و جاء أولئك ثم صلى بهم النبي r ركعة ثم سلم النبي r ثم قضى هؤلاء ركعة و هؤلاء ركعة) ^[612] «پیامبر r برای گروهی (از مجاهدین) یک رکعت نماز خوف خواند در حالیکه گروه دیگر در برابر دشمن بودند، سپس گروه اول به جای گروه دوم ایستادند و روبروی دشمنانشان قرار گرفتند و گروه دوم آمدند و پیامبر r یک رکعت نماز خوف برای آنان خواند و سلام داد؛ سپس هر کدام از دوگروه یک رکعت باقی مانده را خواندند».

2- از سهل بن ابی حثمه روایت است : (أن رسول الله r صلى بأصحابه في الخوف فصفهم خلفه صفين فصلی بالذين يلونه ركعة، ثم قام فلم يزل قائما حتى صلى الذين خلفهم ركعة، ثم تقدموا و تأخر الذين كانوا قدامهم معهم فصلی بهم ركعة، ثم قعد حتى صلى الذين تخلفوا ركعة، ثم سلم) ^[613] «پیامبر r با اصحاب نماز خوف خواند و آنها را پشت سر خود دو صف کرد، و برای کسانی که در صف اول قرار داشتند یک رکعت نماز خواند، سپس بلند شد و تا وقتی که صفت دوم رکعت اول را خواندند، منتظر ماند، سپس صف اول و دوم جای خود را عوض کردند و برای صف اول یک رکعت خواند، سپس نشست و

منتظر ماند تا کسانی که در صف دوم قرار داشتند رکعت دوم را بخوانند؛ سپس سلام داد».

3- از جابر بن عبدالله روایت است : (شهدت مع رسول الله ﷺ صلاة الخوف فصفا صفين : صف خلف رسول الله ﷺ و العدو بينا و بين القبلة، فكبر النبي ﷺ و كبرنا جميعاً، ثم ركع و ركعنا جميعاً، ثم رفع رأسه من الركوع فرفعنا جميعاً، ثم انحدر بالسجود و الصف الذي يليه و قام الصف المؤخر في نحر العدو^(*)، فلما قضى النبي ﷺ السجود و قام الصف الذي يليه انحدر الصف المؤخر بالسجود، و قاموا، ثم تقدم الصف المؤخر و تأخر الصف المقدم، ثم ركع النبي ﷺ و ركعنا جميعاً، ثم رفع رأسه من الركوع و رفعنا جميعاً، ثم انحدر بالسجود و الصف الذي يليه الذي كان مؤخراً في الركعة الأولى و قام الصف المؤخر في نحر العدو، فلما قضى رسول الله ﷺ السجود و الصف الذي يليه انحدر الصف المؤخر بالسجود فسجدوا، ثم سلم النبي ﷺ و سلمنا جميعاً)^[614] «با پیامبر ﷺ در نماز خوف شرکت کردم، ما را دو صف کرد؛ صفی پشت سر پیامبر ﷺ قرار گرفت و دشمن بین ما و قبله بود، پیامبر ﷺ تکبیر گفت و ما همگی (صف اول و دوم) تکبیر گفتیم؛ سپس پیامبر ﷺ به رکوع رفت و ما همگی با او به رکوع رفتیم. سپس سرش را از رکوع بلند کرد و ما همگی سرمان را از رکوع بلند کردیم. سپس پیامبر ﷺ و صفی که پشت سر او قرار داشتند به سجده رفتند و صف دوم روبروی دشمن ایستاد (به سجده نرفت). وقتی که پیامبر ﷺ از سجده رکعت اول فارغ شد و صف پشت سر او بلند شدند، صف دوم به سجده رفتند و بلند شدند، آنگاه صف اول و دوم جایشان را عوض کردند، سپس پیامبر ﷺ به رکوع رفت و ما هم همگی با او به رکوع رفتیم، سپس سرش را از رکوع بلند کرد و ما هم سرمان را بلند کردیم؛ سپس با صف اول که در رکعت اول در صف دوم قرار داشتند به سجده رفتند و صف دوم روبروی دشمن ایستاد. وقتی که پیامبر ﷺ با صف پشت سرش از سجده تمام شدند، صف دوم به سجده رفتند، سپس پیامبر ﷺ سلام داد و ما هم همگی سلام دادیم».